



نقش محمد و بیت در عظیم خانواده



علی اصغر نوبخت
رحیم کارگر

نقش مهدویت در تحکیم خانواده

علی اصغر نوبخت

رحیم کارگر

عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

سرشناسه	:نویخت، علی اصغر، ۱۳۵۹ -
عنوان و نام پدیدآور	:نقش مهدویت در تحکیم خانواده/ علی اصغر نویخت، رحیم کارگر.
مشخصات نشر	:قم: حوزه علمیه قم، مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	:۱۶۰ص.
شابک	:978-600-8372-41-7
وضعیت فهرست نویسی: فیبا	
موضوع	:خانواده ها -- جنبه های مذهبی -- اسلام
موضوع	:Families -- Religious aspects -- Islam
موضوع	:مهدویت
موضوع	:Mahdism
موضوع	:مهدویت -- انتظار
موضوع	:Mahdism -- *Waiting
موضوع	:تربیت خانوادگی -- جنبه های مذهبی -- اسلام
موضوع	:Domestic education -- Religious aspects -- Islam*
شناسه افزوده	:کارگر، رحیم، ۱۳۲۹ -
شناسه افزوده	:حوزه علمیه قم، مرکز تخصصی مهدویت
رده بندی کنگره	:۲۲۲BP:
رده بندی دیویی	:۲۹۷/۴۶۲:
شماره کتابشناسی ملی:	:۵۷۹۱۱۵۰



نقش مهدویت در تحکیم خانواده

- مؤلف: علی اصغر نویخت - رحیم کارگر
- ناشر: انتشارات مرکز تخصصی مهدویت
- صفحه آرا: رضا فریدی
- طراح جلد: عباس فریدی
- نوبت چاپ: اول / زمستان ۹۸
- مجری چاپ: گروه فرهنگی آثار غدیر
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۳۷۲-۴۱-۷
- شمارگان: هزار نسخه
- قیمت: ۲۰ هزار تومان

تمامی حقوق © محفوظ است.

○ قم: انتشارات مرکز تخصصی مهدویت/ خیابان شهنا/ کوچه آمار (۲۲)/ بن بست شهید علیان، پ ۳۴/ ص پ: ۱۱۹-۲۷۱۲۵/ تلفن: ۳۷۸۴۱۴۴/ ۳۷۷۴۹۵۶۵ و ۳۷۷۳۷۸۰۱/ فاکس: ۳۷۷۳۷۱۶۰-۰۲۵

- www.mahdi313.ir
- entesharatmarkaz@chmail.ir

کد فایل: 0290118-1.doc

دفاتر بنیاد حضرت مهدی موعود علیه السلام در استان ها پاسخگوی درخواست های متقاضیان کتاب و محصولات فرهنگی بنیاد و مرکز تخصصی مهدویت می باشد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم الله الرحمن الرحيم

بدون شک بنیان خانواده مهم‌ترین عامل در ساختار شخصیت افراد و جلوه‌ای از رحمانیت پروردگار است. بشر از روزی که روی زمین قرار گرفت، پیوسته در امید یک زندگی و خانواده سعادت‌بخش بوده و به امید رسیدن چنین روزی قدم برداشته است. روشن است اگر این خواسته تحقق خارجی نداشت، هرگز چنین امیدی در نهاد وی نقش نمی‌بست. و باید توجه داشت که امیدواری درجایی مطرح می‌شود که امکان و فضای نومیدی نیز می‌تواند جریان یابد؛ و امیدواری موجب جلوگیری از یأس و سرخوردگی می‌شود.

در میان آموزه‌های دینی که هماهنگ با فطرت بشری است تنها چیزی که می‌تواند در آدمی روح (امید) بدمد و به مقاومت و خویش‌ن‌داری دعوت کند و نگذارد در فضای تباهی و فساد حل شود، انتظار و امید به آینده روشن انسانی است که فقط در ظهور امام مهدی علیه السلام به عنوان مصلح و منجی تجلی می‌یابد و تنها در این صورت است که انسان دست از تلاش و کوشش برای حفظ پاکی خویش و اصلاح دیگران برندخواهد داشت. و با استفاده از اندیشه‌های مهدوی، خود را در برابر انحرافات، لغزش‌ها و آفات و آسیب‌های مهم اجتماعی تقویت می‌کند و ارتباط اعضای خانواده را بر اساس رحمت و مودت، به‌ویژه رابطه قلبی و عاطفی میان همدیگر استحکام می‌دهد.

به همین دلیل، باید امید به ظهور امام مهدی علیه السلام را به‌عنوان یکی از مهمترین عوامل مؤثر تربیتی در مورد افراد دانست، همانگونه که حفظ افراد در فضای صلاح و درستی و حل نشدن در محیط‌های فاسد نیز بدون امید به ظهور ایشان نمی‌تواند واقعیت پیدا کند. کتاب حاضر که حاصل تلاش علمی جناب حجت الاسلام و المسلمین علی‌اصغر نوبخت و نیز جناب حجت الاسلام و المسلمین رحیم کارگر است، در این راستا تقدیم می‌شود تا قدمی برای ارتقای سطح بینش و سلامت و استحکام خانواده باشد. لازم است از جناب حجت الاسلام و المسلمین مجتبی کلباسی مدیر محترم مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم که مجال عرضه این اثر را فراهم آوردند و نیز همه بزرگوارانی که در این زمینه همکاری نمودند تشکر کنم.

مهدی یوسفیان آرانی

معاون پژوهش مرکز تخصصی مهدویت

فهرست مطالب

مقدمه.....	۹
فصل اول: مفهوم شناسی.....	۱۱
۱. مهدویت.....	۱۲
الف) تعریف لغوی.....	۱۲
ب) تعریف اصطلاحی.....	۱۴
۲. خانواده.....	۱۵
۳. تحکیم.....	۱۶
۴. تحکیم خانواده.....	۱۸
انگیزه تحکیم در خانواده.....	۱۹
عوامل مؤثر بر تحکیم خانواده.....	۲۰
۱. عوامل برون خانوادگی.....	۲۰
۲. عوامل درون خانوادگی.....	۲۰
۵. تزلزل خانواده.....	۲۰
۱. وادادگی و نظارت ضعیف خانواده‌ها.....	۲۱
۲. اطلاعات ناقص درباره تفاوت‌های جنسیتی و فردی.....	۲۲
۳. ضعف اطلاعات و اعتقادات مذهبی.....	۲۲
۴. مدرنیته.....	۲۳
۵. برنامه‌های اجتماعی اسلام.....	۲۴
۶. مهدویت، برنامه جامع.....	۲۶
۷. آرمان‌گرایی.....	۲۸
۸. کمالات انسانی.....	۳۰
۹. فرهنگ امیدواری.....	۳۲

۱۰. ابعاد و آثار مهدویت	۳۶
۱-۱۰. باورداشت و اعتقاد	۳۶
۲-۱۰. انتظار	۳۸
۳-۱۰. عدالت محوری	۴۴
۴-۱۰. خردورزی	۴۷

فصل دوم: مؤلفه‌های بینشی اثرگذار مهدویت در تحکیم خانواده ۵۱

مقدمه	۵۲
۱. توحید محوری	۵۳
ایجاد نگرش توحیدی در خانواده	۵۵
الف) ایجاد محیطی خالی از نماد شرک	۵۵
ب) گسترش اندیشه توحیدی	۵۸
ج) اطاعت‌پذیری توحیدی	۶۲
۲. ولایت باوری	۶۵
مؤلفه‌های تربیت ولایی	۷۰
۳. فرجام باوری	۷۱
۴. آینده‌نگری	۷۶
اقسام آینده‌نگری	۷۸
الف) آینده‌نگری مثبت	۷۸
۱. آینده‌نگری مثبت در قرآن	۷۸
۲. آینده‌نگری مثبت در احادیث	۸۰
ب) آینده‌نگری منفی	۸۱
آثار آینده‌نگری برای خانواده‌ها	۸۲
۵. مسئولیت‌شناسی	۸۴
موانع مسئولیت‌شناسی در خانواده	۸۶
۶. معرفی خانواده متعالی	۸۹

فصل سوم: مؤلفه‌های هیجانی و عاطفی اثرگذار مهدویت در تحکیم خانواده .. ۹۳

مقدمه	۹۴
۱. ارتباط قلبی با امام زمان (عج)	۹۵
اول. دعا	۹۶

نقش دعا	۹۶
دوم. صدقه دادن از طرف امام علیه السلام	۹۹
سوم. زیارت	۱۰۰
چهارم. دوری از گناه	۱۰۰
۲. امیدواری به آینده	۱۰۱
آثار ناامیدی در فرد و خانواده	۱۰۵
الف) آثار ناامیدی در فرد	۱۰۵
ب) آثار ناامیدی در خانواده	۱۰۵
۳. دعا برای تعجیل فرج	۱۰۶
آثار دعا برای امام در خانواده ها	۱۰۷
الف) تقرب به خداوند	۱۰۸
ب) بی حساب داخل بهشت شدن	۱۰۸
ج) مشمول دعای رسول خدا شدن	۱۰۸
د) تعاون در نیکی ها و تقوا	۱۰۹
ه) دعا کردن امام علیه السلام در حق او	۱۰۹
۴. محبت به امام	۱۰۹
۵. پرورش روحیه انتظار	۱۱۴
مفاهیم و مؤلفه های انتظار	۱۱۸
۶ عزت مندی و عزیز پروری	۱۱۸
عوامل عزت آفرین	۱۲۰
نقش خانواده در شکوفایی عزت نفس	۱۲۱
فصل چهارم: مؤلفه رفتاری اثرگذار مهدویت در تحکیم خانواده	۱۲۳
مقدمه	۱۲۴
۱. آمادگی	۱۲۴
الف) سنخیت با امام	۱۲۶
ب) پرهیزکاری و تزکیه نفس	۱۲۶
ج) یاد یار	۱۲۶
د) شناخت و معرفت امام	۱۲۷
۲. برگزاری ادعیه خاص حضرت	۱۲۸
۳. توجه به ایام و اماکن ویژه حضرت	۱۳۳

۱-۳. جمکران.....	۱۳۳
۲-۳. شب قدر.....	۱۳۳
۳-۳. روز جمعه.....	۱۳۴
۴-۳. روز نیمه شعبان.....	۱۳۶
الف) اعتقادی.....	۱۳۶
ب) عاطفی.....	۱۳۶
ج) رفتاری.....	۱۳۷
ج ۱- اطاعت از دستورهای ائمه علیهم السلام	۱۳۷
ج ۲- الگوپذیری در عمل.....	۱۳۷
ج ۳- مراقبه در اعمال.....	۱۳۸
ج ۴- تمرین بندگی.....	۱۳۸
۴. تربیت دینی فرزندان.....	۱۳۸
۵. جلوگیری خانواده از ناهنجاری‌های رفتاری و افراط و تفریط.....	۱۴۱
۶. مبارزه با انحرافات و آسیب‌های مهدوی.....	۱۴۶
مهم‌ترین آسیب‌های مهدویت.....	۱۴۷
الف) امیدواری بدون عمل.....	۱۴۷
ب) نمایش چهره‌ای خشن از حضرت.....	۱۴۸
ج) تعجیل و شتابزدگی.....	۱۴۹
د) تعیین وقت برای ظهور.....	۱۴۹
هـ) تطبیق نشانه‌های ظهور بر مصادیق خاص.....	۱۵۰
و) ملاقات‌گرایی.....	۱۵۱
۷. ایثارگری و شهادت طلبی.....	۱۵۱
بینش عمیق.....	۱۵۳
الف) بینش عمیق نسبت به حق تعالی.....	۱۵۳
ب) بینش عمیق نسبت به امام علیه السلام	۱۵۳
ج) بینش عمیق نسبت به انسان و هستی.....	۱۵۳
۸. فروتنی و تواضع.....	۱۵۴
نتیجه‌گیری.....	۱۵۶
منابع.....	۱۵۸

مقدمه

یکی از مهم‌ترین اصل‌های اندیشه تشیع که در عصر غیبت، استمرار تعلیمات ناب اسلامی و شیعی را در جوامع مسلمان سبب شده و راه پیشروی بشریت و آینده آنان را تا پایان تاریخ روشن ساخته، اصل اصیل مهدویت است. این اصل امیدبخش، حرکتی است از سرچشمه توجه به امام و هادی و راهبری زنده و آسمانی، اما در پس پرده غیب، با تمسک به این اصل روشن، خانواده‌ها، هرگز، در دنیای مدرن و صنعتی و بی‌خدایی معاصر، تنها و سرگشته نمی‌مانند و در هر فتنه و مصیبتی - آن گونه که در بیان زیبای روایات آمده است - به حصن حصین این اندیشه الهی (انتظار فرج) پناه می‌برند و برای حل مشکلات فردی و اجتماعی خود از آن یار غایب از نظر، چاره‌جویی می‌کنند.

اینک، در دنیایی که در آن، حکام و سیاست‌مداران، در پی اجرای دستورها و فرمان - های الهی نیستند، بلکه می‌خواهند هر چه بیشتر به مطامع مادی خویش دست یابند، اندیشه و آموزه‌ای که می‌تواند به معنای واقعی نجات‌بخش بشریت از آلام بی‌خدایی، افسردگی و ازهم‌پاشیدگی باشد، همانا اندیشه مترقی «مهدویت» است و پرداختن به آموزه‌های ایشان و کاویدن زوایای گوناگون آن باعث احیای خانواده‌ها از تزلزل و سستی در عصر کفر می‌شود.

آنچه ضرورت پرداختن به این مبحث مهم را دوچندان می‌کند، لزوم تدارک یک خانواده مستحکم و متعالی است؛ خانواده‌ای که با طرح «تبیین و ترویج آموزه‌های مهدویت» و پژوهش در عرصه‌های گوناگون مرتبط به این امر، متولد خواهد شد؛ بنابراین

در بحث از کارکردهای آموزه‌های مهدویت - که منجر به تحکیم و تعالی خانواده می‌شود- بحث و گفت‌وگو خواهیم کرد.

با توجه به این باور داشت (ظرفیت‌های لازم که می‌تواند در تعالی خانواده نقش مهمی داشته باشد و خلأ موجود در خانواده‌ها را پر کند) ضروری است درباره این مؤلفه- های اثرگذار مهدویت و راهکارهای مبتنی بر آن در تحکیم و تعالی خانواده و به تبع آن تعالی و سعادت جامعه، پژوهش شود؛ بنابراین در این کتاب سعی خواهیم کرد مسائلی که منجر به تعالی خانواده می‌شود و از تزلزل و ازهم‌پاشیدگی آنان جلوگیری می‌کند را بررسی و راه‌کارهای لازم را ارائه دهیم.

موارد دیگری که از آن بحث خواهیم نمود، عبارتند از: ۱. بی‌توجهی به ظرفیت باور داشت مهدویت و انتظار؛ ۲. عدم توجه محققان دیگر به ظرفیت‌های باورداشت مهدویت در تحکیم خانواده؛ ۳. بررسی مؤلفه‌های اثرگذار مهدویت در تحکیم خانواده تا با ارائه مطالبی در این زمینه اطلاعات خانواده‌ها را در زمینه معنوی و تربیتی بالابرده و آنان را به زندگی امیدوارتر و به آینده خوش‌بین کنیم تا در اثر این شناخت، خانواده‌ها خود را به تعالی برسانند.

فصل اول: مفهوم شناسی

۱. مهدویت

از نگاه شیعه، امامت، منزلتی است الهی که به منظور هدایت جامعه تعیین شده و خداوند این افراد خاص و ویژه را معین کرده است تا همواره حجت خویش را بر مردم تمام کرده باشد و بعد از رحلت خاتم الانبیاء ﷺ این افراد به تعداد معین، یکی پس از دیگری برای هدایت جامعه آمدند تا نوبت به آخرین نفرشان؛ یعنی امام دوازدهم رسید و آن حضرت بنابر مصالحی در حال غیبت به سر می‌برد. لازم است در آغاز این واژه را از نظر لغوی و اصطلاحی مدنظر قرار داده و توضیح مختصری بدهیم.

الف) تعریف لغوی

الهدی: «نقض الضلالة، هدی فاهتدی»^۱.

«هدی... اصلان احدهما التقدم للارشاد و للاخر بعثة لطف فالاول قولهم هدينه الطريق هداية

ای لتقدمته لارشده و لاصل لآخر الهدية ما اهديت من لطف الى ذی صورة»^۲.

طبق مطالب بالا معنای این واژه در دو قسمت خلاصه می‌شود:

الف) پیش افتادن برای نشان دادن راه درست و روشن و ساختن مسیر صحیح؛

۱. الفراهیدی، الخلیل، العین، تحقیق: مهدی الفخری، ابراهیم السامرائی، ج ۴، ص ۷۷.

۲. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، ج ۶، ص ۴۲.

ب) دادن و بخشیدن هر نوع تحفه، پیش کش، قربانی یا تقدیمی.

ابن اثیر گفته است: «المهدی الذی قد هداه الله الى الحق و قد استعمل فی الاسماء حتی صارت کالاسماء العامة و به سمی المهدی الذی بشر به النبی انه یجیء فی آخر الزمان».^۱
فخرالدین طریحی هم گفته است: «المهدی من هداه الله الى الحق و المهدی اسم للقاء من آل محمد ﷺ الذی بشر بمجیئه فی آخر الزمان...».^۲

همچنین این دو منبع، معنای مهدی را در دو نکته خلاصه کرده‌اند: الف) به معنای خاص لغوی؛ یعنی هدایت شده الهی به سوی حق؛ ب) در شکل اسم علم با مصداق معنای اصطلاحی به عنوان موعود منتظر اسلام.

این کلمه به لحاظ واژه‌شناسی، از ریشه «هَدَى» گرفته‌شده و مصدر جعلی مهدی (اسم مفعول) به معنای «هدایت‌شده» است.^۳ البته گاهی در معنای فاعلی به معنای «هدایت‌کننده» نیز به کار می‌رود. محمد بن عجلان از امام صادق علیه السلام نقل کرده است: «قائم را از آن جهت مهدی گفته‌اند که مردم را به آیینی که از دست داده‌اند، هدایت می‌کند».^۴

اما آنچه بیشتر در روایات آمده همان معنای نخست است.

امام باقر علیه السلام در این باره فرمود:

به درستی که مهدی نامیده شد به جهت اینکه به امر مخفی هدایت می‌شود، او تورات و سایر کتاب‌های الهی را از غاری در انطاکیه بیرون خواهد آورد.^۵

از امام صادق علیه السلام نیز وقتی پرسیده شد چرا مهدی نامیده شده است؟ فرمود: «لأنه

۱. ابن الاثیر الجذری، النهایة فی غریب الحدیث والاثار، ج ۴، ص ۲۴۴.

۲. الطریحی، فخرالدین، مجمع البحرین و مطلع النیرین، ج ۱، ص ۴۸۵.

۳. حسینی، مصطفی، معارف معارف، ج ۹، واژه مهدویت، ص ۷۱۱.

۴. سلیمیان، خدامراد، فرهنگ‌نامه مهدویت، ص ۳۸۶.

۵. ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۶۱، ح ۳.

یهدی إلى كل أمر خفي؛^۱ به جهت اینکه به تمامی امور پنهان هدایت می‌شود». نکته جالب‌توجه اینکه لقب «مهدی» بیشتر درباره آن حضرت بعد از ظهور و قیام و لقب «قائم» بیشتر درباره آن حضرت قبل از ظهور و قیام استفاده می‌شود. امام صادق علیه السلام درباره برخی از موارد مربوط به حضرتش پس از ظهور فرمود: «ثم يأمر منادياً فينادي هذا المهدي؛^۲ به منادی دستور داده خواهد شد؛ پس ندا در می‌دهد که این است مهدی».

ب) تعریف اصطلاحی

اصطلاح «مهدویت»؛ یعنی اعتقاد به ظهور مهدی علیه السلام که از جمله معتقدات اصولی مذهب شیعه اثنی عشری است و همان پدید آمدن حکومت عدل جهانی است.^۳ تفکر مهدویت و انتظار در فرهنگ تشیع از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا از امتیازات برجسته مذهب شیعه، باور به ظهور دوازدهمین امام معصوم از تبار علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام می‌باشد.

این اندیشه به قدری عمیق و گسترده است که از صدر اسلام تاکنون وجود داشته و هرروز بر تجلی آن افزوده می‌شود و حتی پیروان دیگر ادیان نیز با گرایش به آن، به آمدن منجی جهانی دل بسته‌اند. منظور از مهدویت در این نوشتار، باور به ظهور و قیام امام مهدی علیه السلام است که مصداقی معین دارد^۴ و یقیناً روزی خواهد آمد و این جهان ظلمانی را با نور جمالش منور خواهد ساخت؛ اما در مورد اینکه مهدویت یعنی چه؟ باید اذعان داشت لغت مهدویت برگرفته از امام مهدی علیه السلام است.

خلاصه و حقیقت مهدویت، منتهی شدن سیر جوامع جهان به سوی جامعه واحد و

۱. نعمانی، محمد بن ابراهیم، *الغیة*، ص ۲۳۷.

۲. همان، ص ۳۱۳، ح ۵.

۳. تونه‌ای، مجتبی، *موعود نامه* (فرهنگ نامه القیابی مهدویت)، ص ۲۱۱.

۴. مصداق مهدویت و امام منتظر محمد بن الحسن العسگری علیه السلام است که روایات از رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام بر آن فراوانند.

سعادت عمومی، امنیت و رفاه، تعاون و همکاری، همبستگی، همگانی حکومت حق و عدل جهانی، غلبه حق بر باطل، غلبه جنودالله بر جنود شیطان، نجات مستضعفان و نابودی مستکبران و خلافت مؤمنان و شایستگان به رهبری یک رجل و ابرمرد الهی است که موعود انبیا و ادیان و دوازدهمین اوصیا و خلفای پیغمبر آخرالزمان است.^۱

۲. خانواده

تاکنون تعاریف گوناگون برای خانواده شده که عبارتند از:

خانواده متشکل از افرادی است که از طریق پیوند زناشویی، هم‌خونی یا پذیرش فرزند با یکدیگر به‌عنوان زن، مادر، پدر، شوهر، برادر، خواهر و فرزند در ارتباط هستند؛ فرهنگ مشترک پدید می‌آورند و در واحد خاص زندگی می‌کنند.^۲

خانواده گروهی از افراد است که از طریق خون، ازدواج یا فرزندخواندگی به هم پیوند خورده‌اند و کارکرد اجتماعی اصلی آن‌ها تولیدمثل است.^۳

اما در جمعیت‌شناسی، خانواده، نوع خاصی از خانوار است که حداقل از دو نفر تشکیل شده و اساس شکل‌گیری آن ازدواج است.^۴

خانواده به مفهوم محدود آن عبارت است از: یک واحد اجتماعی ناشی از ازدواج یک زن و مرد که فرزندان پدید آمده از آن‌ها آن را تکمیل می‌کند.^۵

اولین مفهوم مشترکی که از مجموعه تعاریف ذکر شده و ده‌ها تعریف ارائه شده دیگر استنباط می‌شود، این است که خانواده پیوند عمیق و پایدار جسمی و روحی چند نفر برای زیستن در فضای واحد است؛ یعنی بدون تحقق این پیوند، خانواده معنایی ندارد؛ بلکه قوام

۱. صافی گلپایگانی، لطف الله، *اصالت مهدویت*، ج ۲، بخش ۴، ص ۱۹.

۲. قنادان، منصور، *جامعه‌شناسی مفاهیم کلیدی*، ص ۱۴۸.

۳. ساروخانی، باقر، *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*، ص ۱۳۵.

۴. کاظمی‌پور، شهلا، *مبانی جمعیت‌شناسی*، ص ۷۰.

۵. قائمی، علی، *نظام حیات خانواده در اسلام*، ص ۲۰.

این بنا به میزان پیوند اعضای آن بستگی دارد. بنابراین، جهت تعالی و کارایی خانواده، لازم است بر تحکیم پیوند و روابط اعضای خانواده تأکید شود؛ بنابراین، تحکیم روابط در خانواده از جمله مهم‌ترین مسائل در سلامت و رشد فرد، همچنین پویایی و توسعه همه‌جانبه در جامعه است.

آنچه ذکر شد از جمله تعاریفی بود که برای خانواده بیان شده است؛ لکن به نظر می‌رسد اگر بخواهیم یک تعریفی جامع برای خانواده ارائه دهیم بهتر است از بین تعاریف مختلف تعریفی ارائه دهیم که با متون دینی و آموزه‌های مهدوی مطابقت داشته باشد.

اما خانواده از نگاه اندیشه‌های مهدوی، خانواده‌ای است آرمانی و معنوی که علاوه بر داشتن همه ارزش‌های انسانی و اخلاقی، به‌طور ویژه توجه به موضوعاتی همچون خداشناسی و امام‌شناسی و کسب فضایل و مکارم اخلاقی به‌عنوان یک منتظر دارد^۱ و خانه و اعضای خانواده رنگ و بوی توجه، عشق، عرفان و اطاعت از خدا و امام زمان (عج) دارد. خانواده‌ای که در مسیر شناخت اندیشه‌های حضرت قدم برمی‌دارد، از رفاه، خانه، ثروت و حتی در صورت لزوم از اهداء جان هم دریغ نمی‌نمایند و به همین خاطر است که در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم: «بابی انت و امی و نفسی و اهلی و مالی...؛ پدر و مادرم و خودم و خانواده‌ام و مالم به فدای شما».

همچنین در دعای ندبه نیز می‌خوانیم: «بابی انت و امی و نفسی لک الوقاء و الحمی؛ پدر و مادرم به فدایت و خودم بلاگردان و سپر پیش روی تو باشم».

۳. تحکیم

با توجه به اینکه در این نوشتار سخن درباره تحکیم خانواده است به نظر می‌رسد که ابتدا مراد از تحکیم بیان شود تا روشن گردد که چه نوع تحکیمی موردنظر است؛ بنابراین، اصل این است که بدانیم، مراد از تحکیم خانواده چه نوع تحکیمی است؟ برای اینکه

۱. کارگر، رحیم، تعلیم و تربیت در عصر ظهور، ص ۱۲۰.

ممکن است تحکیم خانواده از راه‌های مختلف حاصل گردد، از طریق قوه قهریه و به حکم دادگاه یا از طریق تهدید و تطمیع یا از روی جبر و به خاطر نداشتن پناهگاه دیگر و یا یک سری عوامل عاطفی مانند وجود فرزندان و امثال آن‌ها.

با توجه به مضامین آیات و روایات و بحث مهدوی - که موضوع بحث ما است - مراد از تحکیم خانواده، هر نوع تحکیمی نیست؛ بلکه تحکیم خاصی موردنظر است، تحکیمی که با استفاده از آموزه‌های اسلامی و اندیشه‌های مهدویت سرچشمه گرفته و بتواند با حاکمیت مودت، محبت، رحمت و از خودگذشتگی و غیره باعث آرامش، سلامت، تعالی و تحکیم خانواده گردد.

حضرت مهدی علیه السلام می‌فرمایند:

إِنِّي أَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ؛^۱ وجود من برای اهل زمین سبب امان و آسایش است، همچنان که ستارگان سبب امان اهل آسمانند. پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

آیا تو را با خبر نسازم که شبیه‌ترین شما به من در اخلاق چه کسی است؟ پاسخ داد: بلی یا رسول الله. فرمود: شبیه‌ترین شما به من، خوش‌اخلاق‌ترین شما، بردبارترین شما، نیکوکارترین شما نسبت به خانواده و خویشاوندانش و باانصاف‌ترین شماست.^۲ از آنجاکه امام زمان علیه السلام میراث‌دار اخلاق و مرام نبوی و شبیه‌ترین مردم از نظر اخلاقی به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است،^۳ می‌توان نتیجه گرفت که امام عصر خوش‌اخلاق‌ترین، بردبارترین، نیکوکارترین و مهربان‌ترین مردمان نسبت به خانواده‌ها باشد. بر این اساس

۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۸۰.

۲. قال رسول الله صلی الله علیه و آله لأمير المؤمنين علیه السلام: «أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَشْبَهَكُمْ بِي خُلُقًا؟ قَالَ: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: أَحْسَنُكُمْ خُلُقًا، أَعْظَمُكُمْ جِلْمًا، وَأَبْرُكُكُمْ بِقَرَابَتِهِ، وَأَشَدُّكُمْ مِنْ نَفْسِهِ إِنْصَافًا» (صدوق، محمد بن علی، معانی الأخبار، ص ۲۵۳، ح ۱).

۳. رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره مهدی موعود فرمود: «مَهْدِيٌّ أُمَّتِي أَشْبَهُ النَّاسِ بِي فِي شَمَائِلِهِ وَأَقْوَالِهِ وَأَفْعَالِهِ؛ مهدی اتم در شکل و شمایل و گفتار و رفتار شبیه ترین مردم به من است» (مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۹).

می‌توان گفت که یکی از بهترین و میان‌برترین راه‌های شباهت و تناسب یافتن با وجود آن حضرت و نزدیک شدن وجودی به آن ساحت نورانی، عرصه مراعات اخلاق در خانواده است. در حال حاضر مهدویت، به‌عنوان برترین الگوی زندگی و عالی‌ترین راهنمای بشر، برای دستیابی به حیات طیبه است و بخشی از روایات و دستورها از طرف امام جهت تنظیم و تعدیل روابط اعضای خانواده، حقوق و وظایف همسران و فرزندان اختصاص یافته است. رجوع به این مطالب، می‌تواند انسان را جهت دستیابی به عالی‌ترین راهکارها در تحکیم خانواده هدایت کند.

۴. تحکیم خانواده

مقصود از تحکیم خانواده چیست؟ آیا منظور نگه‌داشتن بنایی هرقدر سست و ناپایدار، صرفاً با حفظ نامی از آن است؟ آیا منظور، پایداری خانواده، به قیمت کوتاه آمدن یک‌طرف و پذیرش ظلم از سوی او و بی‌عدالتی از طرف مقابل است؟ آیا صرف اجتماع چند وابسته خونی یا سببی زیر یک سقف با هرگونه روابطی هرقدر ظالمانه، با نادیده گرفتن حقوق و شخصیت انسانی یک نفر و زورگویی و یکه‌تازی دیگری، خانواده‌ای محکم خواهد بود؟ به‌طورقطع، سرپا بودن خانواده با تحکیم از سوی یک فرد و بردباری از سر ناچاری و ترس از فروپاشی از سوی دیگری، استحکامی در پی نخواهد داشت و اگر در ظاهر پایدار بماند از درون پوسیده و فرونشسته است.^۱

مقصود از تحکیم خانواده، فراگیری اصل اعتدال همگان، حاکمیت اخلاق و حفظ حقوق همه اعضاست. اگر هدف از برقراری زوجیت و تشکیل خانواده، به تعبیر قرآن: «به سکونت رسیدن اعضاست»^۲ لازم است که همه رفتارها و تعاملات در راستای تحقق این هدف باشد و منظور از تحکیم، به کمال رساندن همین سکونت است که با کمترین ظلم، نامردی و تحقیر حتی یک عضو در خانواده، سازگار نیست.

۱. حسینی، اکرم، «تحکیم خانواده در آموزه‌های قرآنی»، کتاب زنان، ش ۲۶، ص ۲۰، ۱۳۸۸ ش.

۲. «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا»؛ (سوره روم، آیه ۲۱).

انگیزه تحکیم در خانواده

پایداری خانواده در طول تاریخ و در پهنه جغرافیای ملل، حاکی از انگیزه یا انگیزه‌هایی برای حفظ روابط و پیوند میان اعضای آن است. تحلیل این پیوند، در خانواده‌های مختلف با ساختارهای گوناگون، نمایانگر چند انگیزه محدود می‌باشد.

از میان انگیزه‌های متفاوت و فراوانی که برای برپایی خانواده و حفظ پیوند میان اعضا می‌توان برشمرد، چند عامل عمده به نظر می‌رسد:

۱. **فطرت:** انسان برحسب فطرت، جمع طلب است و به‌طور طبیعی از انزوا و تنهایی گریزان است. به همین لحاظ تا قبل از تشکیل خانواده، به خانواده‌ای که در آن متولدشده وابستگی شدید دارد و بعد از آن در اولین فرصت مناسب، خود تشکیل خانواده می‌دهد و به آن وفادار می‌ماند. همچنین، تعلقات انسان به محیط و افرادی که با آن مأنوس شده، به‌طور فطری انسان را پایبند می‌کند؛ گرچه به‌ظاهر امری اکتسابی به نظر می‌رسد، اما جذبه‌ای از درون است.

۲. **اخلاق:** خلق، عبارت از عادت، مروت، طبع و دین است. رابطه اخلاق و خانواده، رابطه‌ای کاملاً مستقیم و الزامی است؛ زیرا جز در محیط امن و سازنده خانواده، انسان هرگز قادر به کسب آگاهی، کمال و رفع نواقص از نفس و رفتار خود نمی‌باشد؛ بنابراین، انسان که جویای کمال و گریزان از ضعف از نفس است، طالب حضور در خانواده و تحکیم روابط اعضای آن می‌باشد. به‌طور کلی، استواری و محکم بودن خانواده‌ها، حاصل پایبندی‌های اخلاقی اعضای آن و پرهیز از کج‌خلقی و فساد است؛ حتی در میان خانواده‌هایی که چندان پایبند به احکام الهی نمی‌باشند.

۳. **شریعت:** نقش ادیان و شرایع مختلف در سامان‌دهی و هدایت زندگی بشر، به‌خصوص در روابط اجتماعی، نقشی اساسی، قابل‌اعتماد و پایدار بوده است. شرایع آسمانی با تعیین ضوابط و آیین‌نامه‌های رفتاری، علاوه بر تصحیح روابط انسانی، بشر را مؤدب به آداب درست اجتماعی و خانوادگی کرده و از انسان غارنشین، امت‌های بزرگ انبیای الهی را ساخته است. همه ادیان الهی - بدون استثناء - شامل احکام دقیقی برای تنظیم روابط

خانواده‌اند. این احکام در شکل اصلی‌شان و به‌دوراز تحریف، به دلیل آن‌که بر اساس فطرت وضع گردیده‌اند، ضامن سلامتی در خانواده‌اند.^۱

عوامل مؤثر بر تحکیم خانواده

تحکیم خانواده به دو دسته عوامل برون خانوادگی و درون خانوادگی بستگی دارد:

۱. عوامل برون خانوادگی

این عوامل به‌طور کلی در سه محدوده الف) فرهنگ و محیط اجتماعی؛ ب) اقتصاد جامعه؛ و ج) خانواده‌های ماقبل، خلاصه می‌شود.

۲. عوامل درون خانوادگی

عوامل درون خانوادگی، در تحکیم بسیار متعدد است. در یک دسته‌بندی کلی می‌توان عوامل مؤثر بر تحکیم در درون خانواده را چنین برشمرد: الف) توجه به جایگاه خانواده؛ ب) تثبیت نقش اعضای خانواده؛ ج) حفظ شئون هر یک از اعضای خانواده؛ د) آشنایی و پایبندی به تعهدات حقوقی و اخلاقی؛ هـ) حسن معاشرت؛ و) دین‌داری و تعهدات الهی.^۲ بنابراین بنیان خانواده - که مهم‌ترین عامل در ساختار شخصیت افراد و جلوه‌ای از رحمانیت پروردگار است - باید با استفاده از اندیشه‌های مهدوی خود را همچون دژی مستحکم در برابر انحرافات، لغزش‌ها و آفات و آسیب‌های مهم اجتماعی تقویت گرداند و ارتباط اعضای خود را بر اساس رحمت و مودت، به‌ویژه رابطه قلبی و عاطفی میان همدیگر استحکام دهد تا در اثر این معرفتی که از اندیشه‌های امام حاصل کرده خانواده‌ای مستحکم داشته باشد.

۵. تزلزل خانواده

نقطه مقابل استحکام، تزلزل است که بر سستی و عدم ثبات اشاره دارد. خانواده

۱. حسینی، اکرم، «تحکیم خانواده در آموزه‌های قرآنی»، کتاب زنان، ش ۲۶، ص ۳۰، ۱۳۸۸ش.

۲. همان.

متزلزل، خانواده‌ای است که در آن به دلایل گوناگون، روابط اعضای خانواده از محبت و عاطفه تهی است و اساساً روابط دوستانه‌ای میان آنان حاکم نیست، زندگی مشترک برای اعضای خانواده متزلزل تعهدی ایجاد نکرده و پایبندی در این‌گونه خانواده‌ها دیده نمی‌شود. این درحالی است که بهترین راه تحکیم و صیانت آنان از تزلزل رعایت اخلاق اسلامی از سوی زن و شوهر است.

پیامبر اکرم ﷺ در این مورد می‌فرماید: «خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ وَ أَنَا خَيْرُكُمْ لِأَهْلِي»^۱. جهان غرب با تحول جدیدی که در مبانی معرفت‌شناسی تجربه کرده است، زیرساخت‌های متفاوتی را در حوزه‌های مختلف علمی پایه‌ریزی نمود که پیامدهای آن در گستره‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی قابل‌مشاهده است. این تغییرات پس از رنسانس، با بی‌اعتنایی به بنیان‌های ماورای طبیعی به‌سوی اومانیسم پیش رفت و سرآغاز تغییرات عمده‌ای در نظام خانواده شد.

بعضی از بسترهای پدیدآورنده تزلزل در خانواده عبارتند از:

۱. وادادگی و نظارت ضعیف خانواده‌ها

پدر و مادرها درباره همه کارهای فرزندان باید احساس مسئولیت کنند و هیچ کاری را بی‌نظارت نگذارند. از روایات مرتبط با موضوع ازدواج فهمیده می‌شود مخاطب معصومان علیهم‌السلام در این زمینه خانواده‌ها هستند و آن‌ها به فراهم آوردن مقدمات ازدواج فرزندان، مأمور شده‌اند. پیامبر اکرم ﷺ فرمودند:

مِنْ حَقِّ الْوَلَدِ عَلَى وَالِدِهِ ثَلَاثَةٌ: يَحْسُنُ اسْمَهُ وَيُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَ يَزُوجُهُ إِذَا بَلَغَ^۲ سَهْ
چیز از حقوق فرزند بر پدر است: نام نیک برایش انتخاب کند، به او نوشتن بیاموزد و
زمانی که به کمال رسید، زمینه ازدواج او را فراهم کند.

در جای دیگر حضرت فرمودند:

۱. حرّعاملی، محمد، وسائل‌الشیعه، ج ۱۹، ص ۱۷۱.

۲. فتال نیشابوری، محمد بن حسن، روضه الواعظین، ج ۲، ص ۳۶۹.

مِنْ حَقِّ الْوَلَدِ عَلَى وَالِدٍ أَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ إِذَا وَلِدَ وَأَنْ يُعَلِّمَهُ الْكِتَابَ إِذَا كَبَرَ وَأَنْ يُعِفَّ فَرْجَهُ إِذَا أَدْرَكَ؛^۱ از حقوق فرزند بر پدرش این است که وقتی به کمال و بلوغ لازم رسید، با ازدواج، عفت جنسی او را فراهم آورد.

۲. اطلاعات ناقص درباره تفاوت‌های جنسیتی و فردی

برای اینکه از زندگی موفق بر پایه شناختی درست برخوردار باشیم، ابتدا باید روحیات و مطالبات فرزندان خود را تک‌تک در نظر بگیریم، دنیای آنان را درک کنیم و بفهمیم هر رفتاری که از آنان سر می‌زند، به چه معنایی است. آیا همان‌گونه که ما فکر می‌کنیم فکر می‌کنند یا نه؟ این کار باعث می‌شود تا ما از بسیاری منفی‌نگری‌ها جدا شده و تحلیل صحیحی از فرزند و رفتارهایشان داشته باشیم و باید بدانیم که دنیای پسران، استدلالی و دنیای دختران، احساسی و عاطفی است. اگر به این نکته توجه کنیم خیلی از مشکلات در خانواده هم خودبه‌خود از بین می‌رود.^۲

پس می‌توان گفت یکی از عوامل مهم برای تربیت صحیح فرزندان، آشنایی والدین با تفاوت‌های آن‌ها و به‌ویژه تفاوت‌های دختر و پسر است. چنانچه این تفاوت‌ها تشخیص داده نشود و برای همه فرزندان شکل تربیتی یکسانی وجود داشته باشد، زمینه‌های تزلزل و ناپایداری پدید می‌آید.

۳. ضعف اطلاعات و اعتقادات مذهبی

یکی دیگر از آفت‌هایی که خانواده امروزی را تهدید می‌کند، بی‌اعتنایی و ضعف اطلاعات به باورهای دینی و ارزش‌های مذهبی و اعتقادی و در کنار آن، گسترش انواع انحراف‌ها و رفتارهای ناپسند در جامعه است.

کم‌توجهی به ارزش‌ها در جوامع مدرن که با کنار گذاشتن اعتقاد به خدا، دین و اخلاق همراه است، به انسان امروزی، جرئت دست زدن به هر کاری را می‌دهد. اخلاق مدرن،

۱. نوری، حسین، مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۶۹.

۲. نوایی نژاد، شکوه، مشاوره ازدواج و خانواده درمانی، ص ۱۸۵.

ریشه خود را در عقل‌گرایی جست‌وجو می‌کند و به همین سبب، با اخلاق سنتی و دینی فاصله گرفته و به انحراف کشیده می‌شود. آسیب‌پذیری خانواده امروزی، ناشی از نادیده گرفتن بایدها و نبایدهای دینی و اخلاقی است. بشر امروزی، هنوز به این نتیجه نرسیده که زندگی بدون ایمان و معنویت، رنج و عذاب روانی و همیشگی را همراه او خواهد کرد؛ چراکه ضعف در باورها و بی‌توجهی به نقش دین، خانواده امروزی را در برابر هر هجومی آسیب‌پذیر کرده و درمان اصلی آن، تقویت اطلاعات مذهبی، ایمان و معنویت است.

۴. مدرنیته

در عصر حاضر، خانواده‌ها با دو رویکرد مخاطره‌آمیز و متفاوت روبرو هستند که در هر دو، نوعی خودخواهی باعث شده است که مصلحت خانواده فدا شود و کانون انس و الفت و محبت، به سقوط نزدیک شود. این دو رویکرد عبارت‌اند از: ۱. تمدن و مدرنیته؛ رویکرد جدید که خانواده را می‌بلعد و با نگرش برون‌دینی، مبتنی بر فرهنگ اومانیستی و ایدئالیستی، بشر را تهدید می‌کند؛ ۲. رویکردی برخاسته از سنت‌های غلط و آمیخته با خرافه، جهل و تعصب.^۱

کشورهای غربی پس از رنسانس و رفورماسیون مذهبی، عصر روشنگری، انقلاب‌های دموکراتیک و نهایتاً انقلاب صنعتی به مدرنیته دست یافتند و اکنون در زمره کشورهای توسعه‌یافته و قطب‌های صنعتی جهان به شمار می‌آیند.^۲

مدرنیته، آثار مخرب فراوانی بر پایداری زندگی مشترک گذاشته و باعث از همپاشی زناشویی شده است. برای این خانواده‌ها، می‌توان ویژگی‌های زیر را به‌مثابه بخش مهمی از مشخصات آن برشمرد:

۱. اعضای خانواده احساس مسئولیتی در برابر یکدیگر نمی‌کنند؛
۲. روابط میان آنان از صمیمیت برخوردار نیست، بلکه گاه خصمانه است؛

۱. میرخانی، عزت‌السادات، رویکرد نوین در روابط خانواده، ص ۲۱.

۲. زرشانس، شهریار، توسعه، ص ۱۴.

۳. افراد به صورت مداوم از یکدیگر انتقاد می‌کنند؛
۴. هر کس هدف ویژه خود را دارد و به هدف تشکیل خانواده و زندگی مشترک، توجه نمی‌کند؛
۵. هیچ‌یک از افراد به حمایت اعضای خانواده امید ندارند؛
۶. انگیزه زندگی برای افراد بسیار کم‌رنگ است؛
۷. هر کس در پی کار خویش است، بدون اینکه رفتار خود را با دیگران منظم کند؛
۸. برای شکوفایی استعدادها و ظهور توانایی‌ها و رشد و تکامل، زمینه مناسبی وجود ندارد؛
۹. میان والدین در مقام تربیت، تعارض وجود دارد؛
۱۰. بدبینی به آینده، پوچی و بی‌هدفی در زندگی موج می‌زند....

۵. برنامه‌های اجتماعی اسلام

اسلام به عنوان آخرین و کامل‌ترین دین الهی، به حق داعیه هدایت همه انسان‌ها و اداره جهان را دارد و برای تمام ابعاد فردی و اجتماعی انسان‌ها برنامه دارد و این برنامه‌ها بر همه جوانب نیازهای انسانی - اعم از دنیایی یا آخرتی، جسمی یا روحی، عقلی و فکری یا احساسی و عاطفی، فردی یا اجتماعی - توجه دارد. خداوند می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ وَ
 جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِلَّةَ أَبِيكُمْ
 إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيداً عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا
 شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ
 الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، رکوع کنید و سجده کنید و
 پروردگارتان را بپرستید و کار نیکو انجام دهید، باشد که رستگار شوید و برای خدا
 آن‌چنان که شایسته جهاد اوست، جهاد کنید، او شمارا برگزید و در دین هیچ‌گونه
 دشواری بر شما قرار نداد، آیین پدرتان ابراهیم، او شمارا از پیش و در این (قرآن)
 مسلمان نامید تا پیامبر گواهی بر شما و شما گواهانی بر مردم باشید. پس نماز را برپا

دارید و زکات را بپردازید و به (ریسمان) خدا چنگ بزنید که او سرور شماست، پس چه نیکوست آن سرور و چه نیکوست آن یاور»^۱.

برنامه‌هایی که از سوی اسلام برای جنبه فردی انسان ارائه شده است، به سه دسته تقسیم می‌شوند:

الف) برنامه‌های اعتقادی یا اصول دین: مجموعه اعتقاداتی است که در رابطه با پایه‌گذاری فکر و اعتقادات صحیح انسان است که شامل مباحثی پیرامون اثبات توحید و یگانگی خدا، عدل، نبوت، امامت و معاد است.

ب) دستورهای عملی (فروع دین یا احکام): برنامه‌هایی عملی است مشتمل بر بایدها و نبایدهایی که انسان در زندگی روزمره خود با آنها روبرو است که بر پنج قسم (واجب، مستحب، مباح، مکروه، حرام) می‌باشد.

ج) مسائل اخلاقی: برنامه‌هایی در رابطه با پرورش روح و سلامت روان آدمی است که شیوه تقویت صفات پسندیده مانند عدالت، سخاوت، شجاعت و عزت در نهاد انسان‌ها و مبارزه‌ها با صفات زشت و ناپسند مثل حسد، بخل، نفاق و... را بیان می‌کند.

اما در جنبه‌های اجتماعی برنامه‌های اسلام در نظام‌های متفاوتی دسته‌بندی می‌شوند که به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. نظام تعلیم و تربیت در اسلام (تربیت فرزند، خانه، مدرسه، دانشگاه و...): امام سجاد علیه السلام می‌فرمایند:

حَقُّ وَلَدِكَ... أَنْتَ مَسْئُولٌ عَمَّا وَلَّيْتَهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَالِدَالَّةِ عَلَى رَبِّهِ وَالْمَعُونَةِ لَهُ عَلَى طَاعَتِهِ فَيَكْ وَفِي نَفْسِهِ؛^۲ حق فرزند تو این است... در سرپرستی وی مسئولیت داری که ادب او را نیکو کنی و به‌سوی پروردگارش رهنمون سازی و در فرمان‌برداری از او، نسبت به وظایف تو و خودش، یاری‌اش دهی.

۲. نظام خانواده در اسلام (انتخاب همسر، ازدواج، همسر داری و...): پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

۱. سوره حج، آیه ۷۷-۷۸.

۲. ابن شعبه، حسن بن علی، تحف العقول، ص ۲۶۴.

می‌فرمایند: «از خوشبختی و سعادت مرد این است که زن بافضیلت و شایسته‌ای نصیبش گردد».^۱

۳. نظام عبادت‌های عمومی (نماز جماعت و جمعه، حج و ...): حضرت علی علیه السلام فرموده‌اند: **ضَمِنْتُ لِسِتَّةٍ عَلَى اللَّهِ الْجَنَّةَ مِنْهُمْ رَجُلٌ خَرَجَ إِلَى الْجُمُعَةِ فَمَاتَ فَلَهُ الْجَنَّةُ؛**^۲ **مَنْ** بهشت را برای شش دسته ضمانت نموده‌ام، یکی از آن شش گروه کسی است که در راه رفتن به نماز جمعه مرده باشد.

هریک از این نظام‌ها دارای زیرمجموعه‌ها و تقسیم‌بندی‌های متعدد دیگر می‌باشد.

۶. مهدویت، برنامه جامع

مهدویت و باور به ظهور و قیام مهدی موعود، باور و اعتقادی است که بر اساس کتاب و سنت پدید آمده و بیشتر مسلمانان به آن اذعان دارند. این باور داشت به‌عنوان اندیشه اصیل اسلامی، بر پایه استوارترین دلایل عقلی و نقلی بنانهاده شده و هیچ‌یک از مسلمانان - به‌جز عده‌ای اندک - به انکار و یا تردید آن نپرداخته‌اند و در جامعه هر چه اعتقاد به مباحث مهدوی روشن‌تر و عمیق‌تر دنبال می‌شود افراد و خانواده‌ها به مباحث دینی هم اشتیاق بیشتری نشان می‌دهند و در دینشان معتقدتر و باایمان‌تر می‌شوند.

اهل سنت و شیعه در طی اعصار و مرور قرن‌ها، بر این اتفاق داشته و دارند که در آخرالزمان، یک نفر از اولاد رسول صلی الله علیه و آله و فرزند علی و فاطمه علیهما السلام هنگامی که دنیا پر از ظلم و جور شده باشد، ظهور نماید و جهان را پر از عدل و داد کند.^۳ ممکن است افرادی خیال کنند که دلیلی ندارد در عصر علم و دانش، در عصری که بشر زمین را در زیر پای خود کوچک می‌بیند و آهنگ تسخیر آسمان‌ها را دارد، تصور کنیم که خطری بشریت را تهدید می‌کند و بشریت نیازی به چنین مدد غیبی دارد. بشریت روزبه‌روز مستقل‌تر و بالغ‌تر

۱. کلینی، محمد، اصول کافی، ج ۵، ص ۳۲۷.

۲. حرّعاملی، محمد، وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۳۴۸.

۳. صافی گلپایگانی، لطف الله، امامت و مهدویت، ج ۲، ص ۱۶۳.

و کامل‌تر می‌شود و طبعاً نیازمندی‌اش به مددهای غیبی (به فرض قبول آن‌ها) کمتر می‌گردد. عقل و علم تدریجاً این خلأها و نیازها را پر می‌کند و از میان می‌برد. خطر، آن زمان بشریت را تهدید می‌کرد که جهالت و نادانی حکم‌فرما بود و افراد بشر به‌موجب جهالت و نادانی موجبات نیستی خود را فراهم می‌کردند، تعادل و توازن را در زندگی به هم می‌زدند؛ اما پس از روشن شدن فضای جهان به نور علم و دانش دیگر خطری نیست. متأسفانه این خیال، خیال باطلی است. خطرانی که به‌اصطلاح در عصر علم و دانش برای بشریت است از خطرات عصرهای پیشین کمتر که نیست، بیشتر و عظیم‌تر است. اشتباه است اگر خیال کنیم منشأ انحرافات بشر همیشه نادانی بوده است.^۱

اسلام - که به‌تمامی ابعاد و زوایای زندگی انسان‌ها به خصوص ابعاد ایمانی و اخلاقی توجه ویژه‌ای دارد - و مهدویت هم - که جزء برنامه اسلام می‌باشد - ظرفیت‌ها و توانایی‌هایی برای رشد خانواده‌ها دارد؛ بعضی از آنها عبارتند از:

۱. شناخت خدا و یکتاگرایی (توحید)؛ ۲. پرستش خدا و استعانت از او؛ ۳. یاد خدا و خوف و خشیت از او؛ ۴. انس و محبت به خدا و خشوع در برابر او؛ ۵. ایمان به غیب و پیامبران الهی و اوصیای آنان؛ ۶. ایمان به‌روز حساب و یاد جهان آخرت؛ ۷. شناخت کرامت انسانی؛ ۸. توجه به خویش جهت تزکیه و رشد معنوی و الهی؛ ۹. کسب فضایل و مکارم اخلاقی در سایه ایمان به خدا و جهان آخرت (مثل امانت، صداقت، وفاداری، درست‌کاری و...)؛ ۱۰. پیراستن روان از رذایل و عادت‌های مذموم؛ ۱۱. ایجاد روحیه مراقبت از رفتار خود، ضبط نفس و حسابرسی خویش؛ ۱۲. ایجاد روحیه نظم و انضباط و رعایت احکام و حدود دینی و اخلاقی؛ ۱۳. ایجاد روحیه صبر و مقاومت در برابر شداید و مشکلات و تلاش برای حل آن‌ها؛ ۱۴. پرورش احساس تعهد و مسئولیت در برابر خدا و خلق خدا؛ ۱۵. شناخت و ترویج فرهنگ اسلامی؛ ۱۶. پرورش نیروی اندیشه و تفکر؛ ۱۷. ایجاد روابط مهرآمیز و همراه با گذشت و فداکاری و ایثار با دیگر مؤمنان و مسلمانان؛ ۱۸.

۱. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۳، ص ۳۵۷.

پرورش روحیه عدالت‌خواهی و نفی هرگونه تعدی، تجاوز و بهره‌کشی ظالمانه و...^۱.

۷. آرمان‌گرایی

اندیشه مهدویت به‌عنوان آرمان‌والای جهانی در طول تاریخ، موردنظر ادیان، اندیشمندان، نویسندگان و هنرمندان قرار گرفته است؛ آرمانی بزرگ که مبنی بر برقراری مدینه فاضله است و به مشخصات و برنامه‌های این آرمان در آیات قرآن و روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام اشاره شده است.

خداوند می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾^۲ همان کسانی که هرگاه در زمین به آن‌ها قدرت بخشیدیم، نماز را بر پا می‌دارند و زکات می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و پایان همه کارها از آن خداست.

امام باقر علیه‌السلام در تفسیر آیه فوق می‌فرماید:

هذه لآلِ مُحَمَّدٍ الْمَهْدِيِّ وَأَصْحَابِهِ يُمَلِّكُهُمُ اللَّهُ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا وَيُظْهِرُ الدِّينَ وَيُمِيتُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِ وَبِأَصْحَابِهِ الْبِدْعَ وَالْبَاطِلَ كَمَا أَمَاتَ السُّفَهَاءَ الْحَقَّ حَتَّى لَا يُرَى أَثَرُ مِنَ الظُّلْمِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ؛^۳ این آیه مربوط به آل محمد؛ یعنی مهدی علیه‌السلام و اصحابش است که خداوند آن‌ها را مالک شرق و غرب می‌کند و دین را به‌وسیله او بر تمام ادیان پیروز می‌نماید و باطل و دین‌های ساختگی را به همت او و یارانش از میان برمی‌دارد؛ چنانچه پیش از ظهور او سفاهت و نادانی پرده بر روی حق و حقیقت کشیده است، به‌طوری عدالت گسترش می‌یابد که اثری از ظلم باقی نمی‌ماند، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و عاقبت امور در اختیار خداست.

آرمان مهدوی؛ یعنی خانواده‌ها با داشتن آرمان‌های بلند و آرزوهای متعالی، به آینده‌ای

۱. کارگر، رحیم، تعلیم و تربیت در عصر ظهور، ص ۱۲۰.

۲. سوره حج، آیه ۴۱.

۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۱۶۵.

زیبا و باشکوه توجه دارند؛ به همین جهت، تصویرپردازی روشن و واقعی از آینده، مسیر زندگی آنان را تغییر داده و در جهت درست و تأثیرگذار قرار می‌دهد. آرزوی آرمان بزرگی همچون برقراری عدالت و ایجاد یک مدیریت الهی در همه گستره گیتی و اعتقاد قلبی به تحقق این آرمان، بر اراده و خواست خانواده‌ها تأثیر می‌گذارد و باعث حرکت و رشد خانواده‌ها و جامعه می‌شود. آرمان مهدوی، افکار و اندیشه خانواده‌ها را همواره متوجه آینده کرده و آنان را برای رسیدن به خانواده و جامعه کامل تشویق می‌نماید. در اثر آموزه‌های مهدوی، در درون خانواده یک جامعه کوچک فاضله به وجود می‌آید که در پی ایجاد فضایی با محوریت ارزش‌های آسمانی و الهی هست تا در این فضا، اعضای خانواده بتوانند بدون هیچ مانع و سدی، مسیر تکامل و رسیدن به اوج قله‌های انسانیت را طی نمایند. این امر به اندازه‌ای مهم، قطعی و بایسته توجه است که خدای متعال، خود تحقق جامعه آرمانی اسلامی را بر روی زمین وعده داده است: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ»^۱. مهم‌ترین هدف و برنامه این جامعه آرمانی، رسیدن به سعادت و کمال واقعی است که در پرتو دوراندیشی و خردورزی به دست می‌آید. خانواده آرمان‌گرا، با نگاه جامع و دقیق به آینده برای اعلای کلمه‌الله و حاکمیت عقلانیت، معنویت و عدالت می‌کوشد و شرط رسیدن به این مطلوب، نیازمند اراده‌های توانمند و پرتلاش خانواده‌هاست.

در اینجا می‌توان به بعضی از ویژگی‌های یک خانواده آرمانی اشاره کرد:

۱. خداخواهی و اخلاص؛ ۲. مردم‌دوستی و سخاوت، بلکه ایثار و فداکاری؛ ۳. جهاد و شهادت‌طلبی؛ ۴. تربیت فرزندان آرمانی و ارزش‌گرا؛ ۵. پرداخت خمس و زکات و صدقات؛ ۶. معنویت‌گرایی و تنزه از هرگونه معصیت و حرام؛ ۷. فرهنگی بودن اعضای خانواده و حاکم بودن علم و عرفان در زندگی؛ ۸. معامله‌گری با خدا و آمادگی برای هجرت و جهاد در راه خدا؛ ۹. هم‌پیمانی با امام زمان (عجله الله تعالی فرجه) و تحصیل محبت خدا، پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام)؛ ۱۰. خدمت به دین و خلق خدا بدون کوچک‌ترین چشم‌داشت مادی؛ ۱۱.

سحرخیزی و برنامه منظم عبادی داشتن... .

برای داشتن یک خانواده و زندگی آرمانی و خداپسند، انتخاب آرمان‌های والا و آخرتی، استفاده از آموزه و اندیشه مهدوی ضروری و لازم است و بجاست که در تحصیل آن تلاش شود.^۱

۸. کمالات انسانی

کمال، عبارت از صفتی است که بر رشد وجودی یک موجود یا پیدایش صفت مناسب در موجودی اطلاق می‌شود و در جهان طبیعت هر موجودی در جست وجوی آن است که به کمال نهایی و لازم وجودی‌اش نایل شود. کمال نهایی هر موجودی، رسیدن او به آخرین درجه وجودی است. تکامل و تعالی فراگیر، همواره مورد توجه و خواست انسان بوده و رسیدن به کمال و سعادت، آرمان همیشگی او بوده است. باین حال یکی از مجهولات او این است که کمال انسان در چیست؟ در این رابطه دیدگاه‌های گوناگون وجود دارد؛ مانند:

۱. کمال انسان در ترقی عقلانی است که از راه علم و فلسفه حاصل می‌شود.
 ۲. کمال انسان در برخورداری هر چه بیشتر از منابع مادی است. برای رسیدن به آن باید با ابزار علم و تکنیک، از منابع و ثروت‌های طبیعی استفاده کرد تا زندگی مرفه‌تر و لذت بخش‌تری فراهم آید.
 ۳. کمال انسان در ترقیات معنوی و روحانی است که از راه ریاضت‌های صحیح و مبارزه با مادیات حاصل می‌شود.
 ۴. کمال انسان در برخورداری دسته‌جمعی از مواهب طبیعی است و برای رسیدن به آن، باید در راه رفاه همه طبقات اجتماعی کوشید.
 ۵. کمال انسان در رشد عقلانی و اخلاقی است که از راه تحصیل علوم و کسب ملکات فاضله به دست می‌آید و...^۲.
- بر اساس آیات و روایات هدف عالی انسان، نیل به کمالات ماورای طبیعت و اتصال به

۱. نیلی پور، مهدی، خانواده مهدوی، ص ۱۰۵.

۲. کارگر، رحیم، تعلیم و تربیت در عصر ظهور، ص ۴۸.

عالم غیب و «قرب و لقای الهی» است. خدای متعال، کوشش و میل را در فطرت انسان قرار داده و اگر هوا و هوس و شهوت‌های زمینی انسان، مانع نشود، میل فطری هر انسان، وصول به این کمال است. کمال حقیقی او، همان مقام قرب پروردگار است و سایر کمالات بدنی و روحی، همه مقدمه و ابزار رسیدن به چنین مقامی هستند. هدف و غایت زندگی و تاریخ بشری خدا است و باید هم چنین باشد «الی الله عاقبة الامور».^۱ طریق وصول به این کمال، همان «صراط مستقیم» است. در این مسیر هم انسان نیازمند راهنمایی است و این راهنمایی را کسی می‌تواند انجام دهد که خود، این مسیر را پیموده و به هدف غایی واصل شده باشد و لازم است همواره در میان انسان‌ها چنین فرد برگزیده‌ای که در ارتباط مستقیم با جهان غیب و عالم ربوبی است، وجود داشته باشد تا واسطه فیض میان عالم ربوبی و نوع انسانی گردد، وگرنه حرکت استکمالی افراد انسانی، بی‌غایت است و میان عالم ربوبی و نوع انسانی، ارتباطی نخواهد بود. بدیهی است که نوع بی‌غایت، محکوم به انقراض است. چنین فرد برگزیده‌ای، در اصطلاح شرع، «امام» نامیده می‌شود. امام، فرد کاملی است که به تمام عقاید حقّ الهی، معتقد و به تمام اخلاق و صفات نیک، آراسته است و همه کمالاتی که از جانب خداوند افاضه شده و ممکن است در افراد تحقق یابد، در او فعلیت یافته است. پس امام، مجرای فیوض الهی و واسطه بین انسان و عالم غیب است. امام، پیشرو قافله انسانیت و غایت تکامل نوع انسان است و باید همیشه در بین انسان‌ها، چنین فرد کاملی وجود داشته باشد که پیوسته مورد هدایت و تأیید و افاضات خدای متعال گردد. حضرت رضا علیه السلام می‌فرمایند:

«مهدی علیه السلام داناترین، بردبارترین و پرهیزگارترین مردمان است». حضرت مهدی علیه السلام مانند پیشوایان معصوم دیگر دارای کمالات اخلاقی ویژه‌ای است. از آنجاکه معصومین علیهم السلام انسان‌های کاملی هستند و از هر جهت اسوه و الگوی بشریت هستند اخلاق نیکو را نیز در بالاترین حدّ دارا می‌باشند و در حال حاضر امام مهدی علیه السلام حاضر و زنده است و خانواده‌ها و افراد جامعه با استفاده از اندیشه‌های ایشان می‌توانند بر تکامل خود از ایشان کمک گیرند.^۲

۱. همان، ص ۵۰.

۲. یزدی مطلق، محمود و جمعی از نویسندگان، امامت پژوهی (بررسی دیدگاه‌های امامیه، معتزله و اشاعره)، ص ۸۶.

اما لزوماً انسان‌ها تمام مراتب کمال خویش را سپری نکرده‌اند؛ زیرا این مراتب کمال را به لحاظ خانوادگی و اجتماعی نیز باید بیمایند. به بیان دیگر، با توجه به این که جدا از فرد، خانواده هم اصالت دارد، به کمال رسیدن خانواده هم موضوعیت دارد و این به کمال رسیدن باید در عالم انسانی تحقق یابد. انسان در اثر همه‌جانبه بودن تکاملش، تدریجاً از وابستگی-اش به محیط طبیعی و اجتماعی کاسته و به نوعی وارستگی که مساوی است با وابستگی به عقیده و ایمان، افزوده است و در آینده به آزادی کامل معنوی دست خواهد یافت.^۱

سیر تکاملی بشریت به سوی آزادی از اسارت طبیعت مادی و شرایط اقتصادی و منافع فردی و گروهی و به سوی متعالی بودن و مسلکی بودن هست. اراده بشر ابتدایی بیشتر تحت تأثیر محیط طبیعی و محیط اجتماعی و طبیعت حیوانی خودش شکل گرفته و متأثر شده است؛ ولی اراده بشر متمدنی در اثر تکامل فرهنگ و توسعه بینش و گرایش به ایدئولوژی‌های متمدنی، تدریجاً از اسارت محیط طبیعی و اجتماعی و غرایز حیوانی آزادتر شده و آن‌ها را تحت تأثیر قرار داده است.^۲ سیر تکاملی بشریت به سوی آزادی ممکن نخواهد بود مگر اینکه معنویت‌گرایی و رشد فکری و اخلاقی انسان‌ها و تزکیه و تهذیب و تعلیم آنان، در اولویت نخست باشد. براین اساس زیربنایی‌ترین و بایسته‌ترین برنامه‌ها و ایده‌ها در «آموزه مهدویت»، توجه به ابعاد معنوی و روحی انسان‌ها و کمال بخشی آن‌ها است.^۳

۹. فرهنگ امیدواری

بشر از روزی که روی زمین قرار گرفت، پیوسته در امید یک زندگی و خانواده سعادت‌بخش بوده و به امید رسیدن چنین روزی قدم برداشته است. اگر این خواسته تحقق خارجی نداشت، هرگز چنین امیدی در نهاد وی نقش نمی‌بست؛ امیدواری درجایی است که امکان نومیدی هست و یا می‌تواند پدیدار شود، امید معطوف به نجات است و خروج از ظلمات، مرض، جدایی، غربت یا بندگی را شامل می‌شود. امید مقتضی امتناع از محاسبه

۱. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۳، ص ۳۷.

۲. همان، ص ۴۸ و ۴۹.

۳. کارگر، رحیم، جستارهایی در مهدویت، ص ۵۵.

حدومرزهای امور مقدور و میسر است، امید توکل به غلبه نهایی حق و عشق الهی است. امیدواری موجب جلوگیری از یأس و سرخوردگی است. امید عمدتاً در بعد شناختی انسان مؤثر است و در سه محور اهداف، بینش و تفکر نمایان می‌شود:

۱. اهداف: مسیر حرکت انسان را اهداف و غایات وی مشخص می‌کند. امید در زندگی خانواده‌ها موجب می‌شود به‌طور کلان بتواند برای خود اهدافی را در نظر بگیرد. خانواده مهدوی و منتظر با امید به ظهور نور و عدالت در حقیقت اهداف کلان زندگی خود و جامعه را با رویکرد به‌سوی نصرت الهی،^۱ پیروزی و بهروزی و غلبه حق بر باطل^۲ گسترش عدالت «یملأ الله به الارض قسطاً و عدلاً کما ملئت ظلماً و جوراً»^۳ و بالاخره فراگیری هدایت، لطف و رحمت^۴ مشخص می‌کند.

۲. بینش: پس از تعیین اهداف کلان، امیدواری به خانواده مهدوی بینش مثبتی عطا می‌کند که در مورد اهداف خرد و واسطه‌ای نیز بن‌بستی نمی‌بیند، بلکه با خلاقیت و نوآوری همیشه راه‌های جدید و راه‌حل‌های تازه را آزمون می‌کند. امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «انتظارالفرج من اعظم الفرج»^۵ انتظار ظهور حضرت مهدی علیه السلام از بزرگ‌ترین گشایش‌هاست». امید همیشه دریچه‌های جدیدی به روی انسان می‌گشاید.

۳. تفکر: در مرحله سوم جهت نیل به اهداف درازمدت (کلان) و کوتاه‌مدت (فرد) نیازمند برنامه‌ریزی و طراحی عملیاتی هستیم تا بتوانیم از امکانات و سرمایه‌های موجود به نحو بهینه استفاده کنیم و گام‌به‌گام به مقصود نزدیک شویم. امید در این مرحله نیز موجب می‌شود بتوانیم افکار خود را در راستای اهداف موردنظر تمرکز و تنظیم کنیم و برنامه‌ریزی

۱. سوره یوسف، آیه ۱۱۰.

۲. سوره اعراف، آیه ۱۲۸؛ سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.

۳. ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۷۹.

۴. سوره طه، آیه ۱۳۵؛ سوره اسراء، آیه ۸.

۵. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۲.

مطلوبی داشته باشیم.^۱

اعتقاد به وجود مصلح جهانی و به‌کارگیری آموزه‌های مهدوی یقیناً خانواده‌ها را در عرصه‌های مختلف از جمله: مشکلات زندگی و مبارزات اجتماعی و فرهنگی امیدوار خواهد کرد، زیرا اگر واقعاً معتقد به امام زمان علیه السلام بوده و از اندیشه ایشان بهره‌مند باشیم، خواهیم دید که همواره یک پشتیبان نیرومندی ما را در اهداف مختلف از جمله تحکیم و تعالی خانواده، یاری می‌کند. بدون تردید نتیجه اعتقاد ایشان این نیست که ما از تمامی کوشش‌های خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی دست‌برداریم و در گوشه‌ای نشسته و انجام همه کارها را به ظهور امام زمان علیه السلام حواله کنیم؛ بلکه باید در کنار اعتقاد به امام، آموزه‌های ایشان را در زندگی به کار بسته و خانواده خود را با این آموزه‌ها تربیت کنیم. امید در زندگی، توانایی‌هایی به خانواده‌ها می‌بخشد که در برابر اتفاقات و ناملایمات و ناکامی‌های زندگی به مقابله و مقاومت بپردازند. همین امر شورونشاط به زندگی بخشیده و باعث دلگرمی و پابندی خانواده‌ها می‌شود. ایجاد انگیزه، تلاش و پایداری، صبر، آسان شدن کارها و شادکامی برخی از ثمراتی است که امید به خانواده‌ها هدیه می‌دهد. این‌ها از جمله ویژگی‌هایی هستند که خانواده‌ها در زندگی نیاز فراوانی به آن دارند و می‌توانند با تقویت امید به آن‌ها دست یابند.

اگر خانواده‌ها امید خود را با استفاده از آموزه‌های مهدوی ارتقا دهند و از این موهبت الهی بهره‌مند شوند، در برابر مشکلات مادی مانند تنگی معیشت و فقر و یا در مقابله با مشکلات روحی مانند رفتار و اخلاق نامناسب دیگر، با نگاهی امیدمدارانه به مدیریت رفتار خود می‌پردازند و در پس آن به آینده‌ای روشن می‌اندیشند. در نتیجه یا به آنچه که امید دارند می‌رسند و لذا وضع مادی و معنوی آن‌ها بهبود می‌یابد و اگر بنا به حکمت الهی به امید خود دست نیابند از درگاه کریم دست‌خالی باز نمی‌گردند. امید معادله‌ای است که دو

۱. بهرامی، هادی، احسان، آذربایجانی، مسعود، «بررسی نقش انتظار و اعتقاد به مهدویت در تحکیم ارزشهای دینی»،

مجموعه مقالات موتمرالامام المهدی و مستقبل العالم، ج ۴، ص ۵۶.

طرف آن به نفع فرد امیدوار است. با امید، دنیای خود را همراه تلاش و تکاپو برای رسیدن به آینده مسرت‌بخش طی می‌کند و در آخرت نیز به واسطه سازگاری با دیگران و تلاش برای تعالی و استحکام وضع خانواده مورد عنایت خداوند قرار می‌گیرد.

آری، آموزه‌های مهدویت، حرکت آفرین، امیدآفرین، تلاش‌زا و نشاط‌آور است و یاس، نومیدی، خستگی، وازدگی و پوچ‌گرایی را می‌زداید. این اندیشه، دریچه‌ای به آینده‌ای روشن دارد.^۱ در زیارت حضرت صاحب‌الزمان می‌خوانیم: «السَّلَامُ عَلَى رَبِّيعِ الْأَنَامِ وَ نَضْرَةِ الْأَيَّامِ؛^۲ درود و سلام بر آن بزرگواری که بهار مردم، شادی و خرمی روزگار است». اعتقاد به وجود مقدس مهدی موعود عجله الله تعالی فرجه و به کارگیری اندیشه‌های ایشان در زندگی، امید برای ادامه حیات و رسیدن به هدف متعالی را در دل‌ها زنده می‌کند. هیچ‌وقت انسانی که معتقد به این اصل است، ناامید نمی‌شود؛ چون می‌داند یک پایان روشن حتمی وجود دارد و سعی می‌کند که خودش را به آن برساند و از حرکت نمی‌ایستد و در برابر ناملایمات و سختی‌ها تن به شکست نمی‌دهد. این بزرگ‌ترین ره‌آرود اجتماعی برای بشر در پرتو اعتقاد به «مهدویت» و استفاده از آموزه‌های ایشان است و به خاطر همین اعتماد و مطمئن شدن، امیدواری برای ادامه حیات و رسیدن به هدف متعالی، در وجودش شکل می‌گیرد و چون به وجود آن یقین دارد، از هیچ نوع فشار و سختی احساس ناراحتی و سستی نمی‌کند. حضرت صاحب‌الزمان عجله الله تعالی فرجه غایب از مردم زندگی می‌کند، اما بین آنان حضور دارد و هرگاه مصلحت بداند به آنان، به‌ویژه پیروانش از راه‌های مختلف سود می‌رساند. برای مثال، برایشان دعا می‌کند، یا به اصلاح امورشان می‌پردازد، یا از گمراهی نجاتشان می‌دهد و یا در دل‌هایشان امید می‌آفریند تا بتوانند در برابر مشکلات تاب بیاورند. دلیل این مطلب، آیه شریفه ۱۰۵ سوره مبارکه توبه است که می‌فرماید: «[ای پیامبر!] بگو، هر کاری می‌خواهید بکنید، خداوند و پیامبرش و مؤمنان، اعمال شما را می‌بینند و به‌زودی به‌سوی کسی بازمی‌گردید که پنهان

۱. جعفری، جواد، مهدویت، پرسش‌ها و پاسخ‌ها، ص ۳۶.

۲. مفاتیح‌الجنان، زیارت حضرت صاحب‌الزمان.

و آشکار شمارا می‌داند و شمارا به آن چه عمل می‌کردید، آگاه می‌کند». آیه شریفه دلالت دارد که علاوه بر خداوند، رسول او و مؤمنان نیز کارهای مردم را می‌بینند و از آن آگاهند.

۱۰. ابعاد و آثار مهدویت

۱۰-۱. باورداشت و اعتقاد

اساس و پایه هر فکر و عمل، بینش و باور انسان است. تا زمانی که خانواده‌ها بینش و نگرش خود را به جهان هستی تغییر نداده و باورهای خود را بر پایه‌های استوار دینی قرار ندهند و از صراط دور باشند، تربیت و اثرپذیری آنان بی‌فایده بوده و عاری از حقیقت و ماندگاری خواهد بود.^۱ به عبارت دیگر، بنیان رفتاری و تربیتی انسان، بر باورها و اعتقادات استوار می‌شود و اگر در وجود هر انسانی دنیا و دنیاگرایی و توجه به مادیات ریشه کند، دیگر نمی‌تواند بر اساس هدف معنوی و آخرتی برنامه‌ریزی کند؛ زیرا اعتقاد و باور قلبی او بر اساس دنیاگرایی و ظاهرپسندی شکل گرفته است. اگر انسان با استفاده از معارف و اندیشه‌های مهدوی شخصیت خویش را به لحاظ اعتقادی و باور قلبی نسبت به امام زمان (عج) و حرکت عظیم ایشان، شکل داد و روح و وجود خود را ساخته و پرداخته کرده باشد، وجود شخصیتی وی نیز به راحتی در همان مسیر قرار خواهد گرفت.

اعتقاد و باورداشت بنیان اصلی زندگی انسان است و آنچه در میدان عمل محقق می‌شود، به ساختار اعتقادی مربوط است. اگر خانواده‌ای از اعتقادی صحیح و منطقی برخوردار باشد، در عمل گرفتار تناقض، بی‌هدفی و سردرگمی نخواهد شد و از همه فرصت‌های عمر خود، برای ساختن شخصیت انسانی و الهی‌اش بهره خواهد گرفت. البته این اعتقاد باید سازنده، حرکت آفرین و هویت‌بخش باشد و در همه فراز و نشیب‌های زندگی، مسیر درست و هموار را برای آدمی بگشاید. در فرهنگ دینی بحث معرفت و

۱. کارگر، رحیم، تعلیم و تربیت در عصر ظهور، ص ۱۴۱.

شناخت امام و اعتقاد به ایشان، از اهمیتی ویژه برخوردار است؛ به گونه‌ای که در ردیف اصول اعتقادی؛ یعنی، توحید، نبوت و معاد شمرده شده است. معصومین انسان‌های کاملی هستند که خداوند آنان را خلیفه و نماینده خود در زمین قرار داده و اراده کرده است که با آنان شناخته شود و از مسیر اطاعت آن‌ها، اطاعت شود و ثواب و عقاب را نیز بر مدار اعتقاد و اطاعت آنان قرار داده است. وقتی از امام حسین علیه السلام درباره معرفت خدا و چگونگی آن سؤال شد؛ حضرت فرمود:

مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامُهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ؛^۱ مراد از شناخت خدا، شناخت اهل هر زمانی نسبت به امام خویشتن است، آن امامی که اطاعت او بر آنان واجب است.

به عبارت روشن‌تر شناخت امام، طریق معرفت خدا است و انسان با توجه به باور و اعتقاد خود به امام و توجه به گفتار و دستورهای او می‌تواند در جاده صحیح زندگی گام بردارد و به سعادت و خدایند برای او رقم‌زده، برسد. معرفت خدا بدون شناخت کسی که از جانب او سمت راهنمایی و راهبری بندگان را دارد، امکان‌پذیر نیست. امام زمان علیه السلام می‌فرمایند:

بر شما واجب است و به سود شما خواهد بود که معتقد باشید بر این که ما اهل بیت رسالت، محور و اساس امور، پیشوایان هدایت و خلیفه خداوند متعال در زمین هستیم. همچنین ما امین خداوند بر بندگان و حجت او در جامعه هستیم، حلال و حرام را می‌شناسیم، تأویل و تفسیر آیات قرآن را عارف و آشنا هستیم.^۲

امام واسطه فیض الهی است و آنچه از نعمت‌ها به عالم وجود می‌رسد، به واسطه وجود او است و در این میان انسان‌ها نیز به واسطه وجود او از انواع نعمت‌های الهی بهره‌مند می‌شوند. امام مهدی خود می‌فرماید:

۱. صدوق، محمد، *علل الشرایع*، ج ۱، ص ۹، ح ۱.

۲. قال الإمام المهدي عليه السلام: «الَّذِي يَجِبُ عَلَيْكُمْ وَ لَكُمْ أَنْ تَقُولُوا: إِنَّا قُدُّوهُ وَ أَيْمُهُ وَ خُلَفَاءُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَ أَمَنَّاؤُهُ عَلَى خَلْقِهِ، وَ حُجَّتُهُ فِي بِلَادِهِ، نَعْرِفُ الْحَلَالَ وَ الْحَرَامَ، وَ نَعْرِفُ تَأْوِيلَ الْكِتَابِ وَ فَصْلَ الْخِطَابِ»؛ (عباشی، محمد بن مسعود، *تفسیر عباشی*، ج ۱، ص ۱۶؛ مجلسی، محمدباقر، *بحار الأنوار*، ج ۸۹، ص ۹۶، ح ۵۸).

اتَّقُوا اللَّهَ وَاسْلَمُوا لَنَا وَارْجُوا الْأَمْرَ إِلَيْنَا فَعَلَيْنَا الْإِصْدَارَ كَمَا كَانَ مِنَ الْإِيرَادِ وَلَا تُحَاوِلُوا
كَشْفَ مَا غُطِّي عَنْكُمْ؛^۱ از خدا بترسید و تسلیم ما باشید و امور خود را به ما واگذار
کنید، چون وظیفه ما است که شما را بی‌نیاز و سیراب نماییم، همان‌طوری که ورود
شما بر چشمه معرفت به‌وسیله ما می‌باشد؛ و سعی نمایید به دنبال کشف آنچه از شما
پنهان شده است نباشید.

۱۰-۲. انتظار

انتظار، مفهومی اسلامی و ارزشی فرهنگی است که از آن، رفتار فرهنگی معینی
سرچشمه می‌گیرد. خانواده‌ها گاهی از انتظار برداشت منفی می‌کنند که در این صورت،
انتظار به مفهومی برای تخریب و مانعی برای حرکت تبدیل می‌شود و گاهی نیز از آن
برداشت مثبت دارند که در این صورت، سبب امید به آینده و حرکت و پویایی در خانواده‌ها
و جامعه اسلامی می‌شود.^۲

انتظار، فرهنگ است و مفهومی فرهنگی که در ساختار ذهنی، اسلوب اندیشه، شیوه
زندگی و چگونگی نگرش خانواده‌ها به آینده، دخالت مؤثر و فعالی دارد و در ترسیم خط و
مشی زندگی خانواده‌ها برای حال و آینده، تأثیرگذار است. منابع اسلامی، به مفهوم مثبت
و مقبول انتظار، ارزش و اهمیت زیادی داده است. رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «أَفْضَلُ
أَعْمَالِ أُمَّتِي أَنْتِظَارُ فَرَجِ اللَّهِ؛^۳ برترین اعمال امت من انتظار است» و «أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ عِبَادَةٌ؛^۴
انتظار فرج، خود عبادت است».

در حدیث دیگری آمده است:

الْمُنْتَظَرُ لِأَمْرِنَا كَالْمُتَشَحِّطِ بِدَمِهِ؛^۵ کسی که انتظار امر ما را بکشد (منتظر ظهور باشد)،

۱. صدوق، محمد، کمال الدین، ج ۲، ص ۵۱۰؛ مجلسی، محب‌الباقر، بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۹۱.

۲. آصفی، محمد مهدی، انتظار پویا، ص ۲۱.

۳. ابن بابویه، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا، ج ۲، ص ۳۶.

۴. طوسی، محمد بن الحسن، الأموال، ص ۴۰۵.

۵. صدوق، محمد، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۴۵.

چونان کسی است که (در راه خدا) به خون خود در غلتیده باشد.

امیرمؤمنان، علی علیه السلام توصیه می‌فرمایند که انتظار فرج و گشایش از جانب خدا داشته باشید و از رحمت او ناامید نباشید که محبوب‌ترین اعمال نزد خدای (عزّ وجلّ) انتظار فرج و گشایش است: «انْتَظِرُوا الْفَرَجَ وَ لَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ انْتَظَارُ الْفَرَجِ».^۱ همچنین حضرت می‌فرماید: «انتظار الفرّج من أعظم الفرّج؛ انتظار فرج داشتن، خود از بزرگ‌ترین فرج‌هاست».^۲

خانواده‌های منتظر با کسب آمادگی‌های لازم، ریشه‌هایی در وجودشان سبز می‌شود و رفته رفته به نتایج و ره‌آوردی مناسب از این تلاش و کوشش می‌رسند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

الف) صبر: امام صادق علیه السلام فرمود:

مِنْ دِينِ الْأَئِمَّةِ الْوَرَعُ وَالْعِفَّةُ وَالصَّلَاحُ إِلَى قَوْلِهِ وَ انْتَظِرُوا الْفَرَجَ بِالصَّبْرِ؛^۳ از دین امامان است پرهیزگاری... و انتظار فرج با صبر و شکیبایی.

شرایط بسیار دشوار عصر غیبت، مستلزم آن است که هر خانواده مهدوی، در برابر مشکلات و گرفتاری‌ها بایستد و از موجودیت و هویت خویش دفاع کند. منتظر واقعی، کسی است که مشکلات دوران انتظار را پیش‌بینی کند و در نتیجه از بحران هجوم مشکلات بکاهد و صبرش، مغلوب حوادث نشود. امام حسین علیه السلام می‌فرماید:

برای او، غیبتی است که گروهی در آن دوران، از دین برگشته؛ برخی دیگر، بر دین پایدار خواهند ماند و مورد اذیت و آزار قرار خواهند گرفت. به آنان گفته می‌شود اگر راست می‌گویید پس این وعده ظهور مهدی چه زمانی اتفاق خواهد افتاد؟ لیکن آن که در زمان غیبت بر آزارها و تکذیب‌ها استوار بماند گویا مجاهدی است که در

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۳.

۲. همان، ص ۱۲۲.

۳. همان.

رکاب رسول خدا ﷺ با شمشیر به جهاد برخاسته است.^۱

این مسئله چنان حیاتی است که صابران دوره انتظار، از گروندگان به غیب، از رستگاران شمرده شده‌اند. پیامبر اکرم ﷺ فرمودند:

خوشا به حال صبر کنندگان در دوران غیبت مهدی. آن‌ها همان کسانی هستند که خداوند وصف ایشان را در کتاب خود آورده است؛ آن‌جا که می‌گوید: کسانی هستند که به غیب ایمان آورده‌اند و همچنین آنان حزب‌الله هستند، آگاه باشید حزب خداوند همان رستگارانند.^۲

امام علی علیه السلام می‌فرمایند:

هاها طوبی لهم علی صبرهم علی دینهم... سیجمعنا الله و إیاهم فی جنات عدن...^۳
آری، آری، خوشا به حالشان به خاطر شکیبایی و صبرشان بر دینشان... خداوند ما و ایشان را در بهشت برین جمع خواهد کرد. مهدی باوران و خانواده‌های مهدوی در اوج عظمت و فضیلت‌اند.

در عظمت وجودی‌شان همین بس که مولای عارفان و امیرمومنان صبر و استقامتشان را می‌ستاید و آنان را هم‌جواران اهل بیت علیهم السلام در جنات عدن می‌شمارد.
ب) امید، انتظار فرج، از آن جهت مورد تأکید و توصیه اهل بیت علیهم السلام قرار گرفته است که در خانواده، امید به آینده را پدید می‌آورد و همین امید، نقش بزرگی در تحکیم و تعالی زندگی او دارد.

امام علی علیه السلام می‌فرمایند:

إنتظروا الفرج و لا تأسوا من روح الله فإن أحب الأعمال إلى الله عز و جل إنتظار الفرج مادامَ علیهِ المؤمن؛^۴ منتظر فرج (از جانب خدا) باشید و از رحمت و دست‌گیری خداوند ناامید نباشید. همانا دوست‌داشتنی‌ترین کارها در پیشگاه

۱. همان، ج ۵۱، ص ۱۳۳.

۲. همان، ج ۵۲، ص ۱۴۳.

۳. العروسی الحویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، ج ۲، ص ۴۹۸.

۴. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، ج ۲، ص ۶۱۶.

خداوند عزوجل انتظار فرج است تا وقتی که مؤمن این حالت خود را حفظ کند.

انتظار فرج؛ یعنی در گرفتاری‌ها امید به رحمت خداوند داشتن. هر قدر اعتقاد به توحید در انسان قوی‌تر باشد، انتظار فرج در او بیشتر و شدیدتر می‌شود. به همان اندازه که یأس از رحمت خداوند، مبعوض ذات مقدسش می‌باشد، انتظار فرج، محبوب اوست.

ج) ذکر: دوران انتظار، دوران فتنه‌ها و مشکلات و گرفتاری‌هاست. آنچه سبب آرامش قلبی و قدرت روحی خانواده‌های منتظر می‌شود و آن‌ها را از غفلت و زینت و وسوسه نجات می‌دهد، ذکر و هوشیاری است. آدمیت آدمی، در گرو دو دستاورد بزرگ است. با علم، از جهل‌ها آزاد می‌شویم و با ذکر، از غفلت‌ها. انسان در یک مرحله، جاهل است و در این مرحله، محتاج دانستن است؛ پس باید به دنبالش برود، در هر جا باشد. تأکید فراوان بر فراگیری علم و دانش، اهمیت آن را دوچندان می‌کند، ولی باید توجه داشت که دانستن، شرط لازم برای موفقیت و سعادت آدمی است، اما شرط کافی برای این مهم نیست؛ چون پس از یافتن و فهمیدن، خطر دیگری بر سر راه است و آن غفلت و بی‌خبری است که در این مرحله علم کارساز نیست، بلکه ذکر و تذکر کارگر است و چاره درد خانواده‌های منتظر نیز از این امر مستثنا نیستند؛ زیرا فتنه‌ها و جلوه‌ها و وسوسه‌ها و زینت‌ها در دنیا وجود دارند و در دوران غیبت، شدیدتر هم شده‌اند و طبیعی است که هر یک از زینت‌های دنیا دل را می‌لرزاند و سبب غفلت می‌شود. بنابراین خانواده‌های منتظر باید با ذکر انس گیرند و از این «قوت روح»^۱ و «نور و شفای دل» مدد جویند تا به نورانیت و هوشیاری و خودباوری دست پیدا کنند و این‌ها به دست نمی‌آید مگر با ذکر در دوران انتظار فرج.^۲

د) اصلاح و خودسازی: یکی دیگر از آثار انتظار که برای هر خانواده منتظر پدیدار می‌آید اصلاح و پیراستن خود از خصائص ناپسند و آراستن خود به اخلاق نیکو است؛ این نتیجه انتظار واقعی است.

۱. ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج ۳، ص ۴۱۷-۴۱۸.

۲. حیدری نیک، مجید، نگاهی دوباره به انتظار، ص ۸۷-۸۸.

از امام صادق علیه السلام در این مورد چنین نقل شده است:

هر کس مشتاق است که از یاران قائم ما باشد، باید منتظر ظهور او باشد و پرهیزگاری پیشه سازد و دارای اخلاق نیکو باشد و ... اگر در این حالت بمیرد و بعد از مرگ او قائم قیام نماید، ثواب کسی دارد که آن حضرت را درک کرده است.^۱

امام عصر علیه السلام نیز با توجه به ناگهانی بودن امر ظهور همه شیعیان را در زمان غیبت به انجام اعمال پسندیده و دوری از اعمال ناپسند فراخوانده، می‌فرماید:

پس هر یک از شما باید آنچه را که موجب دوستی ما می‌شود، پیشه خود سازد و از هر آنچه موجب خشم و ناخشنودی ما می‌گردد، دوری گزیند؛ زیرا امر ما به یک‌باره و ناگهانی فرامی‌رسد و در آن زمان توبه و بازگشت برای کسی سودی ندارد و پشیمانی از گناه کسی را از کیفر ما نجات نمی‌بخشد.^۲

هـ) بصیرت: خانواده منتظر، در دوران انتظار با استفاده از آموزه‌های مهدوی در تمامی ابعاد آمادگی پیدا می‌کند. یکی از آن‌ها آمادگی فکری است؛ نتیجه تلاش فکری خانواده منتظر، بصیرت و آگاهی است. فتنه‌ها، افزون بر این که غفلت می‌آورند شبهه و تردید و تزلزل را نیز در افکار خانواده‌ها ایجاد می‌کنند و این خانواده منتظر است که چون به هوشیاری فکری رسیده، بیدار و آماده‌شده باید خود را از این آسیب‌ها حفظ کند و از چنان بصیرت و آگاهی برخوردار می‌شود که شگفت‌ترین مردم در ایمان و بزرگ‌ترین آنان در یقین، لقب می‌گیرد؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

ای علی! بدان که شگفت‌ترین مردم در ایمان و بزرگ‌ترین آنان در یقین گروهی هستند که در آخرالزمان پیامبر را ندیده‌اند و از امام خود دور هستند.^۳

و) آمادگی برای پیوستن به امام علیه السلام: زندگی خانواده منتظر با آرزوی یاری کردن امام علیه السلام و امید پیوستن به ایشان شکل می‌گیرد و این نوع زندگی خود از بالاترین فرج‌ها برای

۱. مجلسی، محمد باقر، ترجمه: علی دوانی، مهدی موعود (ترجمه جلد ۵۱ بحار/الأنوار)، ص ۹۱۴.

۲. طبرسی، احمد بن علی، احتجاج، ص ۴۴۵؛ مجلسی، محمد باقر، بحار/الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۴.

۳. حر عاملی، محمد، وسائل/الشیعه، ج ۱۸، ص ۶۵.

مؤمن منتظر می‌باشد؛ بنابراین او خود را برای نیل به آرزوی بزرگش آماده می‌کند و برای رسیدن به این مقصود، در قدم اول، رابطه خود را با امام علیه السلام قوی‌تر می‌سازد. رابطه با امام عصر علیه السلام این است که انسان خود را ملزم سازد که در هیچ امری از ایشان فاصله نگیرد و در همه امور زندگی با حضرتش اتصال و ارتباط داشته و مقید به تبعیت از ایشان باشد. دومین قدم در ایجاد آمادگی برای پیوستن به امام علیه السلام این است که منتظر، همه نیروهای مادی و معنوی خود را در جهت یاری امام علیه السلام و در خدمت برآورده شدن اهداف ایشان قرار دهد.

ز) دوری از فساد: منتظران راستین فاسد نمی‌شوند و در فساد محیط حل نمی‌شوند. اثر مهم دیگری که انتظار مهدی برای خانواده‌های منتظر دارد حل نشدن در مفاسد محیط وعدم تسلیم در برابر آلودگی‌ها است. توضیح اینکه هنگامی که فساد فراگیر می‌شود و اکثریت یا جمع کثیری را به آلودگی می‌کشاند، گاهی افراد پاک در یک بن‌بست سخت روانی قرار می‌گیرند، بن‌بستی که از یأس اصلاحات سرچشمه می‌گیرد. گاهی آن‌ها فکر می‌کنند که کار از کار گذشته و دیگر آمیدی به اصلاح نیست، تلاش و کوشش برای پاک نگاه‌داشتن خویش بیهوده است، این نومیدی و یأس ممکن است آن‌ها را تدریجاً به‌سوی فساد و همرنگی با محیط بکشاند و نتوانند خود را به‌صورت یک اقلیت صالح در برابر اکثریت ناسالم حفظ کنند و همرنگ جماعت نشدن را موجب رسوایی بدانند!

تنها چیزی که می‌تواند در آنان روح (امید) بدمد و به مقاومت و خویشتن‌داری دعوت کند و نگذارد در محیط فاسد حل شوند، انتظار و امید به ظهور منجی عالم و اصلاح‌نهایی به دست ایشان است؛ تنها در این صورت است که آن‌ها دست از تلاش و کوشش برای حفظ پاکی خویش و اصلاح دیگران برندخواهند داشت. به همین دلیل، امید به ظهور حضرت را می‌توان همواره به‌عنوان یک عامل مؤثر تربیتی در مورد افراد فاسد شناخت، همچنین افراد صالحی که در محیط‌های فاسد گرفتارند، هرگز بدون امید به حضرت نمی‌توانند خویشتن را حفظ کنند.

نتیجه اینکه انتظار ظهور مصلحی که هر قدر دنیا فاسدتر می‌شود امید ظهورش بیشتر

می‌گردد، اثر فزاینده روانی در معتقدان دارد و آن‌ها را در برابر امواج نیرومند فساد بیمه می‌کند. آن‌ها نه تنها با گسترش دامنه فساد محیط مایوس نمی‌شوند، بلکه هدف را در برابر خویش می‌بینند و کوشش آنان را برای مبارزه با فساد و یا حفظ خویشتن با شوق و عشق زیادتری تعقیب می‌نمایند.^۱ پس سرّ انتظار آن است که اگر اندیشه کسی این باشد که هیچ تلاشی برای اصلاح امور ثمر ندارد و به نتیجه نمی‌رسد، انگیزه‌ای برای مبارزه با طاغیان و مقاومت در برابر دشواری‌ها و برای تحکیم و تعالی خانواده خود نخواهد داشت؛ اما اگر کسی به آینده امیدوار باشد و بداند که دیر یا زود حکومت زمین به صالحان خواهد رسید، امور جامعه اصلاح خواهد شد، حق به صاحبانش خواهد رسید، ظلم، ستم و بیداد رخت برخواهد بست و... برای رسیدن به چنین جامعه‌ای نه تنها خودسازی خواهد کرد، بلکه تلاش می‌کند تا با دگرسازی زمینه تشکیل آن دولت کریمه را فراهم آورد.

۱۰-۳. عدالت محوری

عدالت صدای بلند فطرت انسان است که در گستره زمین و در طول تاریخ، با گوش جان شنیده می‌شود. عدالت رمز و راز پیدایش و استمرار هستی است و جهان طبیعت بر پایه آن استوار است: «بالعدل قامت السموات والارض».^۲ تحقق عدالت در مدینه انسان، هم چون طبیعت، مایه بقاء و صفای آن است و چنانکه (عدل) راز استواری طبیعت است، رمز بقای جهان و نشاط مدینه نیز می‌باشد؛ خانواده و جامعه هم اگر فاقد عدالت باشد، استحکام و تعالی ندارد. اندیشه بنا نهادن خانواده متعالی و مدینه فاضله بر بنیان مرصوص عدالت، از جمله مسائلی است که به اندازه تاریخ قدمت دارد و غالب متفکران بدان پرداخته‌اند.^۳

عادلان و عدالت‌خواهان در طول تاریخ، به انتظار تحقق و ظهور عدل نشسته و متفکران عدالت خواه به بررسی راهکارهای ایجاد آن پرداخته‌اند. هنر امام مهدی علیه السلام - که خود مظهر

۱. مکارم، ناصر، تفسیر موضوعی پیام قرآن، ج ۹، ص ۴۴۷.

۲. قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۲، ص ۵۶۲.

۳. عالم، عبدالرحمن، تاریخ فلسفه سیاسی غرب، ص ۴۷.

عدل است - در اظهار عدل است و ایشان وعده «لیظهره علی الدین کله»^۱ را جامه عمل می‌پوشاند و مظهر عدل و مظهر عدل نیز می‌گردد. «اعطاء کل ذی حق حقه»، این تعریف مشهوری است که سابقه‌ای بس دیرینه در میان متفکران و فیلسوفان دارد. البته ممکن است گفته شود که این هم از لوازم عدل است، ولی به‌هرحال درمجموع، با شناخت کلی که از عدل به دست می‌آوریم، رعایت تناسب و ظرفیت‌ها و استعدادها و میدان دادن به خانواده‌ها برای رشد و بهره‌وری از حقوق خود و استفاده (به‌جا) از هر چیزی، نکته‌ای است که از عدل مفهوم می‌شود.^۲

عدالت مهدوی علیه السلام از معنای گسترده‌ای برخوردار است و به نیاز فردی، طبیعی و غریزی انسان، هم‌چنین نیاز اجتماعی و نیاز تاریخی انسان نظر دارد. از این‌رو عدالت در جامعه در سه سطح تاریخی، اجتماعی و طبیعی (فردی) خود را به تمام مدعیان عدالت نشان می‌دهد. امام صادق علیه السلام فرمود:

اما و الله لیدخلن علیهم عدله جوف بیوتهم کما یدخل الحرو القر؛^۳ مهدی چون سرما و گرما که در هر خانه‌ای وارد می‌شود، عدل را فراگیر می‌کند.

در دعای غیبت می‌خوانیم:

اَللّهُمَّ وَاَحْيِ بَوْلَیْكَ الْقُرْآنَ... حَتّٰی لَا یَبْقٰی حَقٌّ اِلَّا ظَهَرَ وَ لَا عَدْلٌ اِلَّا زَهَرَ؛ بارالها! به‌وسیله ولایت قرآن را زنده کن... تا آنجا که حقی باقی نماند جز آن که آن را ظاهر سازد و عدلی نباشد جز آن که آن را شکوفا نماید.

با استفاده از آموزه‌های مهدوی در خصوص عدالت در خانواده‌ها نیز لزوم اجرای عدالت موردتوجه است؛ چنانچه امام زمان علیه السلام عدالت را نه تنها در جامعه، بلکه در فضای خانه‌ها نیز داخل می‌کنند. برای مثال خانواده‌ها می‌توانند در خصوص رعایت عدالت در بین فرزندان و اهل خانه از آیات و احادیث فراوانی که از سوی معصومین علیهم السلام وارد شده استفاده نمایند. اجرای عدالت در بین همسران و فرزندان امری بسیار ضروری تلقی شده است. این

۱. سوره صف، آیه ۹.

۲. مطهری، مرتضی، مجموع آثار، ج ۱، صص ۲ - ۸۰.

۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۵، ص ۳۶۱.

نکته خصوصاً درباره تعدّد زوجات بیش تر به چشم می آید؛ آنجا که خداوند می فرماید: «فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا...»؛^۱ اگر نمی توانید بین همسرانتان عدالت برقرار نمایید، پس به یک همسر اکتفا کنید.

با توجه به این که بر اثر غلبه احساسات عاطفی و غریزی بر عقل و حکمت، ممکن است محبت غریزی نسبت به یکی از زنان بیش تر باشد، خداوند می فرماید: «وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ»؛^۲ هرگز نمی توانید بین زنانتان به عدالت رفتار نمایید و لو کوشش نمایید. مضمون این آیه شریف، هشدار است به کسانی که دارای چند همسر هستند تا مبادا تحت تأثیر گرایش غریزی نسبت به یک همسر واقع شده و رفتار عادلانه را که وظیفه شرعی آنان است، به بوته فراموشی سپارند؛ البته گرچه گرایش احساسی و باطنی امری است خودجوش و ناخواسته، لکن دستور خداوند این است که رفتار ظاهری و ادای حقوق همسران، دست خوش احساسات نشود.

درباره رعایت عدالت بین فرزندان، رسول خدا می فرماید:

إِعْدِلُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ كَمَا تُحِبُّونَ أَنْ يَعْدِلُوا بَيْنَكُمْ فِي الْبِرِّ وَاللُّطْفِ؛^۳ میان فرزندان خود به عدالت رفتار کنید، همچنان که شما نیز دوست دارید آنان در احترام (نسبت به شما) به عدالت رفتار کنند.

نیز فرموده اند: «اتَّقُوا اللَّهَ وَاعْدِلُوا فِي أَوْلَادِكُمْ»؛^۴ از خدا بترسید و میان فرزندانان به عدالت رفتار کنید.

همچنین در حدیث دیگری آمده است:

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ حَتَّى فِي الْقَبْلِ؛^۵ خداوند متعال دوست دارد که میان فرزندان خود یکسان عمل کنید حتی در بوسیدن آنها.

۱. سوره نساء، آیه ۳.

۲. همان، آیه ۱۲۹.

۳. ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج ۲۲۶۶۳.

۴. همان، ج ۲۲۶۵۹.

۵. همان، ج ۲۲۶۶۵.

البته نیاز به گفتن نیست که رعایت عدالت در بین اعضای خانواده، مصادیق گوناگون دارد و شامل مواردی چون محبت و مهربانی یکسان به فرزندان و حتی عدالت در نگاه کردن به آنان و این گونه موارد نیز می‌شود.

خلاصه سخن اینکه اگر خانواده‌ها با استفاده از آموزه‌های مهدوی، خانواده را با محوریت شایسته‌سالاری و با عدل و عدالت ساماندهی کنند و مردم در ساختار خانواده با عدالت خو گرفته باشند، خانواده و جامعه به عدالت می‌رسد و پرواضح است که جامعه عادلانه خواهان خانواده متعالی و مستحکم خواهد شد. مردم خود هم به تأسیس خانواده متعالی و مستحکم اقدام می‌کنند و از تزلزل و سستی خانواده به دور خواهند بود و در بقا و حفظ آن کوشا خواهند شد، در این صورت خانواده هم به بهترین وجه به تحکیم و تعالی خواهد رسید و در بنیان خانواده هیچ گونه تزلزلی پیش نخواهد آمد.

۱۰-۴. خردورزی

اسلام، در جایگاه جامع‌ترین، کامل‌ترین و آخرین دین آسمانی، برای آینده بشریت و مثبت جلوه دادن آن، اندیشه مهدویت را به بشریت معرفی کرده است تا در کنار تحقق آرزوی دیرینه بشر و تشکیل حکومت جهانی، استعدادها و قابلیت‌های بشر شکوفا شده و تربیت عقلانی رشد روزافزونی پیدا کند. با تکامل و تعالی عقول بسترها فراهم شده و موانع از بین می‌رود، حرکت تکاملی عقل سرعت می‌گیرد و شعاع آن به همه سطوح و زوایای زندگی بشر می‌رسد و زیربنای تعالی و پرورش خانواده‌ها هم بالا بردن توان فکری و بالندگی و شکوفایی خردورزی و عقل‌گرایی خود و ریشه‌کنی جهل و نادانی و کم‌خردی است.

بر اساس روایت زیبایی، جریان زندگی انسان عبارت است از: پیکار بین جنود عقل و جهل. همه فضایل و خوبی‌ها، سربازان عقل و تمامی رذایل و نادرستی‌ها لشکریان جهل هستند. این پیکار ادامه دارد تا اینکه در عصر ظهور، جنود عقل بر جنود جهل، غلبه کرده

و دانایی و خردورزی انسان او را به قله کمال، اخلاق و معنویت رهنمون می‌سازد.^۱
از نگاه روایات، واژه عقل با تعابیر مختلفی نظیر فهم، قلب، حکمت، حجت، لب، علم و... آمده است و هرکدام از آن تعابیر و واژگان، بار معنایی ویژه‌ای دارند. از امام صادق علیه السلام در خطابی به هشام، منقول است:

ان الله تعالى يقول في كتابه: ﴿ان في ذلك لذكرى لمن كان له قلب﴾^۲ یعنی عقل و قال: ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ﴾.^۳ قال: الفهم و العقل؛ خداوند تبارک و تعالی در کتابش می‌فرماید: «همانا در این کتاب، یادآوری است برای کسی که دل دارد»؛ یعنی عقل دارد و فرمود: «همانا به لقمان حکمت دادیم». حضرت فرمود: مقصود از حکمت، عقل و فهم است.^۴

با توجه به روایات، عقل و خرد از جایگاه مهمی برخوردار است. بسیاری از اصول و مبانی اسلام، نظیر مبدأشناسی، راهنماشناسی و مقصدشناسی، بر اساس عقل اثبات می‌شوند. در قرآن نیز در آیات بسیاری ماده عقل و مفاهیم هم‌سو با آن، استعمال شده است. خداوند، انسان‌ها را به خردورزی، عقل‌گرایی و تفکر و تدبیر دعوت کرده و آن‌ها را از قبول ایده‌ها و باورها بدون حمایت و پشتوانه عقل، بازداشته است.^۵ جایگاه و نقش عقل در هدایت و تکامل انسان‌ها تأکید شده و فرجام خوب و بد انسان‌ها و نیز پاداش و جزای الهی بر اساس به‌کارگیری عقل و عدم آن دانسته شده است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «خداوند، چیزی بهتر از عقل، بین بندگان خود، تقسیم نکرده است». ^۶ نیز فرموده است: «از عقل راهنمایی بجوئید تا راهنمایی شوید و از آن، نافرمانی نکنید که پشیمان می‌شوید».^۷

۱. کارگر، رحیم، تعلیم و تربیت در عصر ظهور، ص ۱۲۸.

۲. سوره ق، آیه ۳۷.

۳. سوره لقمان، آیه ۱۲.

۴. کلینی، محمد، اصول کافی، کتاب عقل و جهل، ج ۱، ح ۱۲، ص ۱۸.

۵. جوادی آملی، عبدالله، شریعت در آینه معرفت، ص ۱۹۰.

۶. «ما قَسَمَ الله للعباد شيئاً افضل من العقل»؛ (کلینی، محمد، اصول کافی، کتاب عقل و جهل، ج ۱، ص ۱۱).

۷. «استرشدوا العقل ترشدوا ولا تعصوه فتندموا»؛ (نوری طبرسی، حسین، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۰۷).

همچنین از محتوای برخی از روایات چنین برداشت می‌شود که آدمی را از ارتکاب اعمال زشت و رفتار ناپسند بازمی‌دارد و او را به پاکی‌گزینی و روشن‌بینی ایمانی و اخلاقی دعوت می‌کند. به عبارت دیگر عقل همانند پیامبر بیرونی است که انسان‌ها را از ارتکاب اعمال زشت بازمی‌دارد؛ امام علی علیه السلام می‌فرماید:

الْعَاقِلُ مَنْ تَوَرَّعَ عَنِ الذُّنُوبِ وَ تَنَزَّهَ عَنِ الْغُيُوبِ؛^۱ خردمند کسی است که خود را از گناهان بر حذر داشته، خود را از عیوب پاک سازد.

و نیز می‌فرمایند: «العاقل من قمع هواه بعقله»؛^۲ خردمند کسی است که در پرتو عقلش، بر هواهای نفسانی پیروز گردد.

با توجه به سخنان امام علی علیه السلام عقل عبارت است از: نیروی تشخیص و ادراک حق و باطل در «قلمرو نظر» و خیر و شر در «قلمرو عمل»؛ از یک‌سو، بازدارنده از اعمال گناه و از سوی دیگر هدایت‌کننده به اعمال صالحه. پس برای برخورداری از روحیات متعالی و اخلاقی، در درجه اول باید به پرورش خرد و عقل پرداخت. طبیعی است وقتی علت، پرورده شده باشد، معلول نیز قوی‌تر و استوارتر به وجود خواهد آمد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

دِعَامَةُ الْإِنْسَانِ الْعَقْلُ وَالْعَقْلُ مِنْهُ الْفِطْنَةُ وَالْفَهْمُ وَالْحِفْظُ وَالْعِلْمُ؛^۳ ستون وجودی انسان، عقل است و هوشمندی و فهم و حفظ و دانش از عقل سرچشمه می‌گیرد.

وصول به کمالات تعالی در پرتو نیروی خرد و عقل امکان‌پذیر است و هر مقدار دچار رکود گردد، به همان نسبت امکان رشد و تعالی ممتنع خواهد بود. رسول خدا در روایتی می‌فرماید: «إِنَّمَا يَذُرُ الْخَيْرُ كُلَّهُ بِالْعَقْلِ»؛^۴ همانا همه نیکی‌ها و کمالات در پرتو عقل عاید انسان می‌گردد.

بر این اساس تربیت و شکوفایی عقلانی خانواده‌ها، اهمیت به سزایی در رشد و رهنمونی آنان به راه راست و زندگی سالم دارد که الگوی کامل آن را در عصر ظهور مشاهده خواهیم کرد. ولی در عصر حاضر بی‌توجهی بعضی از خانواده‌ها و باوجود خلأهای

۱. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، *غرر الحکم و درر الکلم*، ص ۹۳.

۲. همان، ص ۱۲۸.

۳. کلینی، محمد، *اصول کافی*، ج ۱، ص ۲۶.

۴. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، *تحف العقول*، ص ۵۴.

معنوی و نیاز خانواده‌ها به معنویت و بحث‌های مهدوی، عده‌ای به‌جای اینکه آنان را به‌سوی خدا و امام زمان (عج) دعوت کنند، به‌سوی اشخاص سوق می‌دهند؛ و با دادن دستورهایی که برخلاف تعالیم اسلام و شرع است، خانواده‌ها را به‌سوی اموری دعوت می‌کنند که از اخلاق، خرد و خردورزی خبری نیست و این کار باعث می‌شود به‌مرورزمان خانواده‌ها از مسیر اصلی دور شده و درنهایت به مطالب خلاف عقل و شرع و رفتارهای غیرشرعی برسد که باخرد و خردورزی مطابقت نداشته و تناقض دارد و درنهایت از رسیدن به تعالی بازمانده و خانواده به تزلزل کشیده می‌شود.

جنبه‌های مهم خردورزی عبارتند از:

- (الف) پرورش قدرت فکر و خردورزی انسان‌ها؛
 - (ب) عقلانی کردن رفتارها، باورها و گفتارها؛
 - (ج) توضیح عقلانی و اندیش ورزانه از محاسن و زیبایی‌های دین و اخلاق؛
 - (د) زدودن ریشه‌های جهل و اوهام و ظلمت فکری، از درون انسان‌ها و جامعه بشری؛
 - (هـ) تلاش در جهت فهم‌پذیر کردن آموزه‌های حیاتی و روحیه‌بخش اسلام؛
 - (و) رفع موانع خردورزی و اندیشمندی انسان و فراهم ساختن زمینه‌های تفکر و تدبیر واقعی در همه‌چیز (آیات آفاقی و انفسی)؛
 - (ز) تکیه بر اصول و بنیادهای عقلانی و پایبندی به معیارها و ملاک‌های خاص و
- این رویکردهای چندجانبه و فراگیر درباره رشد عقلی خانواده‌ها، باید مبتنی بر یک سری اصول ثابت و فطری باشد؛ وگرنه خانواده‌ها چنان در مسیر انحراف و کژی قرار می‌گیرند که امکان اصلاح و کمال‌گرایی آن‌ها از بین می‌رود و درواقع خرد آن‌ها، تبدیل به وسیله‌ای اهریمنی جهت فریب، غرور و خودکامگی‌شان می‌شود!
- پس رشد فکری خانواده‌ها باید با یک تربیت اصولی درست و واقعی باشد؛ نه تربیت کاذب و غیرواقعی. خلاصه آنکه تربیت عقلانی باید با آموزه‌های مهدوی آمیخته باشد تا باعث رشد و پرورش نیروی عقل و اندیشه آنان و خردمندانه و عقلانی کردن رفتارها و پندارهای آنان شود تا به تحکیم و تعالی برسند.^۱

۱. کارگر، رحیم، تعلیم و تربیت در عصر ظهور، ص ۱۳۱.

فصل دوم:

مؤلفه‌هاک بیشه اثرگذار مهدویت در تحکیم خانواده

۱. توحید محوری
۲. ولایت باوری
۳. فرجام باوری
۴. آینده‌نگری
۵. مسئولیت‌شناسی
۶. معرفی خانواده متعالی

مقدمه

از مهم‌ترین رسالت‌های انبیای الهی و از بنیادی‌ترین اصول اعتقادی در همه مکاتب آسمانی ایجاد زمینه برای پذیرش توحید و خدامحوری در اندیشه و رفتار خانواده‌ها می‌باشد. این رسالت مهم در درجه نازل‌تر بر عهده همه انسان‌های دلسوز و طرفدار دیانت است تا با تلاش در مقوله تربیت دینی، نسبت به خود و خانواده خود اندیشه‌های توحیدی را با استفاده از آموزه‌های دینی و مهدوی توسعه بخشند و با مظاهر شرک و ضدّ دینی مبارزه نمایند و با جهاد تربیتی، انسان‌هایی موحد و الهی به جامعه انسانیت تقدیم نمایند.

در عصر حاضر اندیشه مهدویت، پاسخگوی کامل و جامع به خواسته و نیاز دیرین انسان‌ها در اصلاح وضعیت نابسامان زندگی بشری است. مهدویت نه فقط برای فردای مبهم بشریت، روشنی و زیبایی عرضه می‌کند، بلکه بشر امروزی نیازمند فهم و معرفت به این موضوع است و شناختن امام و راه، اهداف و جایگاه ایشان و عدم آگاهی به وظایف خود در قبال ایشان، همان زندگی جاهلی است که مرگ جاهلی را در پی دارد.

ما با استفاده از روایات به مسائلی همچون: توحید محوری، ولایت گرایی، فرجام باوری، هدف گرایی، آینده‌نگری و مسئولیت‌شناسی می‌پردازیم که از آموزه‌های مهدوی به دست می‌آید و از مسائل اساسی حیات بشری است؛ چراکه مقدمه حرکت آدمی است و او بر اساس شناخت خویش از مبدأ، معاد، زندگی، حقیقت و هدف، می‌تواند برنامه‌ریزی کرده و بر طبق آن عمل کند.

۱. توحید محوری

اگرچه حداقل اسلام، اقرار زبانی به شهادتین است، ولی ایمان به توحید، زمانی محقق می‌شود که فرد با قلب، خدا را پذیرفته و خویش را مطیع فرمان او قرار دهد که لازمه این اعتقاد و تسلیم، ایمان به قرآن و نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. همچنین لازمه چنین ایمانی، اعتقاد به خلفایی است که خداوند برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مشخص فرموده است. پس کسی که به نبوت پیامبر اکرم ایمان نمی‌آورد، نمی‌تواند خود را مطیع فرمان خدا معرفی کند و لذا یکتاپرستی در زندگانی او متجلی نخواهد بود. همچنین، کسی که به خلفای راستین پیامبر ایمان نمی‌آورد، نمی‌تواند از اعتقاد به خدا و پیامبر دم زند که اگر او به خدا و پیامبر ایمان می‌داشت، به سخن خدا و رسول در اطاعت از اهل بیت علیهم السلام توجه می‌نمود.

ابوحمزه از حضرت باقر علیه السلام در معنای معرفت خدا پرسید؛ امام معرفت خدا را این‌گونه توصیف فرمودند:

تصدیق الله عز و جل و تصدیق رسوله صلی الله علیه و آله و موالاه علی علیه السلام و الائتمام به و بائممه الهدی علیهم السلام و البرائه من عدوهم، هکذا يعرف الله عز و جل؛^۱ معرفت خدا عبارت است از تصدیق خدای بزرگ و قبول نبوت پیامبر اکرم و اعتقاد به ولایت علی علیه السلام و پیروی از آن حضرت و از دیگر پیشوایان الهی علیهم السلام و بیزاری از دشمنان آنان، خدا این‌گونه شناخته می‌شود.

در روایت دیگری آمده است؛ پس از آنکه حضرت سیدالشهدا علیه السلام، هدف آفرینش را معرفت و عبادت خداوند معرفی فرمودند، فردی از آن حضرت درباره معنای معرفت خدا پرسید، امام فرمودند:

معرفه اهل کل زمان امامهم الذی یجب علیهم طاعته؛^۲ معرفت خدا عبارت است از معرفت مردم هر زمان، آن پیشوایی را که خدا اطاعت از او را بر آنها واجب ساخته

۱. کلینی، محمد، اصول کافی، ج ۱، ص ۱۸۰، ح ۱.

۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۹۳، ح ۴۰.

است.

بدین گونه، ائمه علیهم‌السلام خداشناس بودن را در معرفت و اطاعت از امام زمان علیه‌السلام دانسته‌اند.

تعلیم و تربیت در خانواده مهدوی باید بر پایه توحید شکل بگیرد؛ یعنی، خاستگاه آن الهی و قدسی باشد و مهم‌ترین رویکرد آن، اعتلای کلمه توحید و بسط و گسترش تسبیح و تحمید الهی در روی زمین و نقش بستن تهلیل و تکبیر بر دل‌ها و جان‌ها باشد. اصل خداگرایی و توجه به توحید و کسب رضایت خداوند باید در همه فعالیت‌ها و برنامه‌ریزی‌های تربیتی محور اصلی باشد. توجه به خداوند و دستورها و فرامین الهی، اصلی است که نظام‌های تربیتی توحیدی را از غیرتوحیدی جدا می‌سازد و به‌جای حاکمیت هوا و هوس، احکام الهی را بر متن و جوهره تربیت تزریق می‌نماید. خطرترین و اصلی‌ترین وظیفه انبیاء و اوصیاء علیهم‌السلام - که همگی بزرگ‌ترین متصدیان تربیتی بشریت بوده‌اند - همان توجه دادن مردم به ذات مقدس ربوبی و خداپرستی و دور نمودن آن‌ها از پرستش طاغوت و شرک بوده است و این را یک اصل محکم و خدشه‌ناپذیر برای خود می‌دانستند. امام رضا علیه‌السلام در حدیث معروف «سلسله الذهب» به واسطه پدران خود از پیامبر خدا و آن حضرت نیز از جبرئیل علیه‌السلام نقل می‌کند که خداوند تعالی فرمود:

لا إله إلا الله حصنی فمن دخل حصنی أمن [من] عذابی؛^۱ «لا إله إلا الله» (توحید) قلعه استوار من است. پس هر کس در قلعه من داخل شود، از عذاب من در امان می‌ماند.

تربیتی که بر پایه تعالیم درست دینی صورت گیرد و سمت‌وسوی الهی و متعالی داشته باشد، به‌یقین تأثیرگذار و نقش‌آفرین خواهد بود؛ زیرا چنین تربیتی، با لطف و توجه خاص غیبی همراه بوده و دست عنایت خدا شامل آن می‌شود. به همین جهت تربیت مهدوی، تربیتی خدایی است؛ یعنی، نیت تربیت‌کنندگان خدایی و هدف و جهت آن در جهت تقرب

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، معانی الأخبار، ص ۳۷۰ - ۳۷۱، ح ۱.

به خدا و تحقق اراده او است.

آموزه‌های مهدوی، در بحث تربیتی خداگرا و خدامحور اصلاح‌کننده رابطه انسان با آفریدگار است. ویژگی بارز چنین رویکردی، تقویت بنیان‌های اعتقادی و عرفانی (شناخت و معرفت خدا) و روحیه بندگی خانواده است. بر این اساس وقتی در پرتو تربیت مهدوی، رابطه انسان نسبت به معبود خود، در مسیر درست قرار گرفت و زندگی او رنگ و بوی الهی یافت، تربیت واقعی صورت گرفته و انسان گام‌های بلندی را در تحکیم و تعالی خانواده خود برداشته است.^۱

ایجاد نگرش توحیدی در خانواده

چنان‌که در مطالب بالا بیان کردیم یکی از مهم‌ترین عناصر معنوی در ساختن خانواده مستحکم و متعالی، حاکمیت روح توحید و بندگی بر فضای فکری، اخلاقی و رفتاری در محیط خانه و بین اعضای خانواده است که برای تحقق این مسئله، لازم است با استفاده از آموزه‌های مهدوی مطلب را در سه مرحله تبیین نماییم:

الف) ایجاد محیطی خالی از نماد شرک

از دیدگاه قرآن و اهل‌بیت علیهم‌السلام و نیز از منظر کارشناسان مسائل تربیتی، محدوده خانه از قداست ویژه‌ای برخوردار می‌باشد؛ لذا لازم است خانواده‌ها ضمن آشنایی با اهمیت و قوانین و آداب خانه، برای ایجاد محیط سالم تلاش نمایند. منظور از محیط سالم و عاری از نمادهای شرک، ایجاد مکانی امن برای عبادت و اطاعت خداوند متعال و برطرف کردن هرگونه نماد و نشان شرک و مظاهر آن از محیط خانه است. اهمیت خانه و محیط سبب شده است تا دین اسلام هم برای ساختن خانه، ورود و حضور در آن و خروج از آن قوانین و آداب خاصی را تنظیم کند، همان‌طور که برای خانه‌های خداوند (مساجد) در زمین، احکام ویژه‌ای وضع شده است.

۱. کارگر، رحیم، تعلیم و تربیت در عصر ظهور، ص ۱۸۹.

مصادیق اهمیت خانه از نگاه اسلام

۱. توجّه به جهت قبله در ساختن بنای خانه: قرآن می‌فرماید: ﴿وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَاقِيمُوا الصَّلَاةَ﴾^۱ خانه‌هایتان را مقابل هم (روبه قبله) بسازید و نماز به پا دارید.
۲. قوانین ورود به خانه و خروج از آن: قرآن می‌فرماید: ﴿لَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَىٰ وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا﴾^۲ نیکی آن نیست که از پشت خانه‌ها وارد شوید، بلکه نیکی آن است که تقوایشده کنید و از درها وارد خانه‌ها شوید.

در این آیه برای خانه به‌عنوان یک پایگاه مهم تربیتی حرمت و حریم خاصی تعریف‌شده و از حریم‌شکنی و نادیده انگاشتن قداست آن پرهیز داده‌شده است. در رابطه با استحکام و تعالی خانواده این سؤال مطرح است که ساختن محیط سالم با نمادهای توحیدی چه نقشی در تقویت بنیان‌های خانواده به‌ویژه در تربیت اعتقادی و معنوی آنان دارد؟ در جواب می‌گوییم، محیط سالم و آمیخته با نشانه‌های مذهبی خانواده-ها را با معبود و خالق خود آشنا ساخته تا آنان به وظایف بندگی خویش متوجه باشند و هر چه بیشتر خود را متخلق به اخلاق الهی نمایند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بزرگ‌ترین اثر تبلیغی خود را در توجه به ذات باری تعالی از خانه ساده، معنوی، خانواده و نزدیکان شروع کرد. همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله در آغاز دعوت به اسلام، از خانواده و تبار خود شروع کرد و ایمان را بر آنان عرضه نمود. آنگاه فرمود:

ای فرزندان عبدالمطلب! خداوند، مرا برای تمام مردم و به خصوص شما برانگیخته است و فرموده است: «و خاندان نزدیکت را هشدار ده». من، شمارا به دو کلمه که بر زبان سبک‌بار، اما در میزان [عمل]، گران بارند، دعوت می‌کنم. شما به کمک این دو کلمه، عرب و عجم را مالک خواهید شد و امت‌ها به کمک آن، فرمان‌بردار شما خواهند شد و با آن‌ها وارد بهشت شده، از آتش نجات خواهید یافت. [آن دو کلمه این

۱. سوره یونس، آیه ۸۷

۲. سوره بقره، آیه ۱۸۹.

است [شهادت به این که خدایی جز خدای یکتا نیست و شهادت به رسالت من].^۱

با توجه به چنین اصل ارزشمند اسلامی، لازم است خانواده‌ها در محیط خانه بنا بر سفارش‌های اهل بیت علیهم‌السلام محیطی معنوی ایجاد کنند و این کار با اجرای مراسمات دینی همچون زیارت عاشورا، دعای عهد، یاد کردن از امام زمان علیه‌السلام و مأنوس بودن با آن حضرت در روزهای جمعه، اقامه نماز اول وقت و تشویق فرزندان به آن به عنوان اقتداء به امام زمان علیه‌السلام، کمک به نیازمندان و امداد رسانی به طبقات آسیب‌پذیر به احترام و به یاد امام زمان علیه‌السلام و به عنوان پیروی از سیره پیشوایان و برگزاری مراسم نیمه شعبان و ایجاد محل برگزاری مراسم‌های مذهبی به وجود خواهد آمد. نیز الگوگیری از ائمه در بازسازی محیط خانه، افراد خانواده را هر چه بهتر به مباحث توحیدی و مهدوی آشنا و از انحرافات فکری و عملی دور می‌سازد. چنان که ما می‌بینیم حضرت زهرا علیها‌السلام و حضرت علی علیه‌السلام در خانه خود محراب عبادت و اتاقی برای عبادت داشتند و نماز شب و عبادت خود را در آن به انجام می‌رساندند، هر چند ارتباط ایشان با مسجد نیز قوی و مستمر بود. خانواده‌ای که در محیط خانه مکان مناسبی برای اعمال عبادی از جمله دعا و نماز خواندن درست کند و در آن به عبادت بپردازد علاوه بر اینکه از اقامه نماز و دعای خود نیرو و نشاط می‌گیرد، زمینه اضطراب و تشویش خاطر را در میان اعضای خانواده محدود می‌کند و به وسیله نماز و یاد خدا و امام زمان معنویت و نورانیت در دل اعضای خانواده به وجود می‌آورد. به‌ویژه زن و شوهر با ایجاد مکان نماز و انجام این فریضه در خانه در آرامش خاطر و اطمینان قرار می‌گیرند. نماز خواندن در محیط خانه باعث مهار زشتی و بی‌عفتی گشته و زمینه‌های بحران در خانواده را، سد می‌کند؛ زیرا فجور و بی‌عفتی بنیان خانواده را سست کرده و استحکام آن را در هم می‌شکند. قرآن کریم یکی از ویژگی‌های نمازگزاران را پاک‌دامنی و حفظ عفت می‌داند؛ آنجا که می‌فرماید: «نمازگزاران کسانی هستند که دامن خود را

۱. مفید، محمد بن محمد، *الإرشاد*، ج ۱، ص ۵۰.

محافظت می‌کنند و از بی‌عفتی مصون هستند».^۱

پس ایجاد محیط سالم و عاری از نماد شرک باعث دوری خانواده‌ها از شرک و آشنایی آن‌ها با مباحث دینی و آموزه‌های مهدوی می‌شود و از خدا و پرستش آن غافل نمی‌گردند. مراد ما در این بحث غفلت از یاد خدا و سرنوشت نهایی انسان است. خطری که به‌وسیله «غفلت» از یاد خدا، متوجه کمال و پیشرفت انسان می‌شود، بیش از آن است که غالباً تصور می‌کنیم. غفلت، سعادت ما را ویران می‌کند و مانند آتش، خرمن زندگی را می‌سوزاند و تمام امکانات و استعدادهای خداداد را بر باد می‌دهد. هنگامی که حضرت پیامبر اکرم ﷺ به معراج رفت، خطاب‌هایی از سوی خداوند دریافت نمود؛ از جمله اینکه: «ای احمد! قلب و زیانت را یکی کن و بدنت را همیشه زنده نگهدار، هرگز غافل مشو. هر کس از من غافل شود برای من مهم نیست که در کجا هلاک گردد».^۲ این بیان به‌خوبی نشان می‌دهد که عاقبت غفلت از خداوند، هلاکت و نابودی است؛ زیرا سرچشمه بسیاری از گناهان بوده و حتی باعث می‌شود انسان از حیوانات هم پست‌تر گردد.^۳ علاوه بر برگزاری نماز در خانه، اعمال عبادی دیگری مثل دعا و مراسم‌های تولد و شهادت ائمه، خانواده‌ها را متوجه خدا و ارزش‌های معنوی می‌کند و انسان را از غفلت خارج ساخته و در مسیر فهم و دقت در اهداف خلقت قرار می‌دهد و باعث نزدیکی بیشتر اعضای خانواده به هم‌دیگر و در کنار این همبستگی تعالی و تحکیم بیشتر خانواده‌ها شده و از تزلزل و ازهم‌پاشیدگی آنان جلوگیری می‌شود.

ب) گسترش اندیشه توحیدی

ایجاد محیط سالم، باعث ایجاد محیط معنوی و نزدیکی خانواده‌ها به مباحث توحیدی می‌شود و در اثر آن، تحکیم و تعالی خانواده‌ها ایجاد و از سستی و تزلزل جلوگیری

۱. سوره معارج، آیه ۲۹.

۲. حرعاملی، محمد، *الجواهر السنیه فی الأحادیث القدسیه* (کلیات حدیث قدسی)، ص ۴۰۱.

۳. سوره اعراف، آیه ۱۷۹.

می‌شود؛ چنانچه خداوند محل پرورش بهترین بندگان و مصادیق نور الهی را در بیوت شمرده و می‌فرماید: ﴿فِي بُيُوتٍ أَذْنُ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ﴾^۱ [این مردان الهی] در خانه‌هایی هستند که خداوند اذن فرموده رفعت (مقام) یابند، خانه‌هایی که نام خدا در آن‌ها برده می‌شود و صبحگاهان و شامگاهان در آن تسبیح خدا را می‌گویند.

خانواده‌ای که بر عنصر یگانگی خدا توجه کند، به این بینش و نگرش دست می‌یابد که تنها خداوند است که هستی را آفریده و انسان را پرورانده و هدایت و مدیریت می‌کند. هرگونه تبعیض و جدایی میان افراد اجتماع و انسان امری نادرست و باطل است؛ زیرا خداوند همه را به یکسان و از خلقتی واحد آفریده و عناصر وحدت وجودی در آنان پدیدار است؛ بنابراین هرگونه اختلاف از نظر نژادی و یا برتری‌های دیگری از این دست در اندیشه و بینش توحیدی مردود شمرده می‌شود و نگرش افراد مؤمن و اهل توحید به خانواده و افراد انسانی، نگرشی مثبت و سازنده خواهد بود.

جریان مهدویت هرگز روشن نمی‌شود، مگر در ظل شناخت خاتمیت؛ و معنای خاتمیت هرگز معلوم نمی‌شود، مگر در سایه توحید؛ یعنی جریان علم و معرفت همان جریان عین و وجود است؛ بنابراین همان‌طوری که در نشئه هستی، امامت در سایه نبوت پدید می‌آید و نبوت در سایه الوهیت شکل می‌گیرد، از نظر معرفتی هم به شرح ایضاً؛ بنابراین معرفت امام مهدی (عج) و مهدویت روشن نمی‌شود، مگر بعد از روشن شدن معنای نبوت و رسالت؛ و بالأخص خاتمیت؛ و معنای رسالت و نبوت هم روشن نمی‌شود، مگر بعد از معرفت توحید. به همین جهت است که وجود مبارک امام صادق (ع) در پاسخ به سؤال زراره در مورد وظایف منتظران در عصر غیبت، به خواندن دعای شریف «اللَّهُمَّ

- عرفنی نفسک فإنک إن لم تعرفنی نفسک لم أعرف رسولک...^۱ تأکید فرمودند.
- با استفاده از آموزه‌های مهدوی اندیشه توحیدی در خانواده‌ها جا می‌افتد و در اثر آن، سطح معرفت خانواده‌های مهدوی موحد بالا رفته و باعث می‌شود تا آنان معتقدتر باشند به اینکه:
۱. انسان تنها در برابر ذات اقدس حق باید تسلیم باشد و از هیچ انسانی نباید اطاعت کند مگر اینکه، اطاعت او، اطاعت خدا باشد.
 ۲. هیچ انسانی حق ندارد انسان‌های دیگر را به تسلیم در برابر خود مجبور کند.
 ۳. هیچ فردی حق ندارد، انسان و یا خانواده و ملّتی را از آزادی محروم کند، برای او قانون وضع کند، رفتار و روابط او را بنا به درک و شناخت خود که بسیار ناقص و یا بنا به خواسته‌ها و امیال خود تنظیم نماید.
 ۴. قانون‌گذاری برای پیشرفت، در اختیار خدای تعالی است، چنانکه قوانین هستی و خلقت را خداوند مقرر فرموده است و سعادت و کمال انسان و جوامع تنها در گرو اطاعت از قوانین الهی است که توسط انبیاء به بشر ابلاغ شده است.
 ۵. انحطاط و سقوط بشر به علّت سلب آزادی او و تسلیم در برابر سایر انسان‌هاست.
 ۶. انسان باید علیه این بندها و زنجیرهای اسارت و در برابر دیگرانی که به اسارت دعوت می‌کنند، قیام کند و خود و جامعه خود را آزاد سازد تا همگی تسلیم و بنده خدا باشند.
 ۷. برای آزادسازی است که مقرّرات اجتماعی ما علیه قدرت‌های استبدادی و استعماری آغاز می‌شود.
 ۸. همه انسان‌ها در پیشگاه خداوند یکسانند؛ او خالق همه است و همه مخلوق و بنده او هستند. اصل، برابری انسان‌ها و اینکه تنها امتیاز انسان بر معیار تقوا و پاکی از انحراف و خطاست.

۱. متن کامل این روایت چنین است: «قال زراره: فقلت: جعلت فداک؛ فإن أدركت ذلک الزمان فأی شیء أعمل؟ قال: یا زراره إن أدركت ذلک الزمان فألزم هذا الدعاء: «اللهم عرفنی نفسک، فإنک إن لم تعرفنی نفسک لم أعرف نبتک، اللهم عرفنی رسولک فإنک إن لم تعرفنی رسولک لم أعرف حجّک، اللهم عرفنی حجّک فإنک إن لم تعرفنی حجّک ضللت عن دینی»؛ (مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۴۶، ح ۷۰ و ۷۱).

۹. با هر چیزی که برابری را در جامعه بر هم می‌زند و امتیازات پوچ و بی‌محتوایی را در جامعه حاکم می‌سازد باید مبارزه کرد.^۱

اگر خانواده‌ای در همه شئون زندگی خویش و در همه فعالیت‌ها و افعال و گفتار خود به صبغة اللهی عمل نماید و رنگ خدا را که بهترین رنگ‌هاست برگزیند: «صبغة الله و من أحسن من الله صبغةً و نحن له عابدون»^۲ این رنگ خداست و رنگ چه کسی، از رنگ خدا بهتر است و ما پرستندگان او هستیم» و در صراط مستقیم الهی که همان عبودیت الهی است قدم بردارد: «وَأَنْ أَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ»^۳ و این که مرا پرستش کنید که این راهی است راست»، به یقین زندگی‌اش توحیدی و معنادار خواهد شد. در غیر این صورت، عدم استفاده از آموزه‌های مهدوی در بحث‌های توحیدی و شناخت خداوند باعث بی‌دینی و عدم شناخت خدا و پیامبر و همچنین در پی عدم شناخت آن‌ها شناخت حقیقی خود امام زمان (عج) هم نخواهد بود و در خلاء عدم شناخت واقعی، از آموزه‌های امام دور شده و آموزه‌هایی که برخلاف تأیید امام زمان است وارد زندگی شده و باعث تفرقه و درگیری‌های خانوادگی و سستی بنیان خانواده می‌شود. این امر موجب دوری از خدا، بی‌دینی، بالا رفتن سطح توقعات، خودخواهی، سستی، تزلزل، خودمحوری و بی‌توجهی نسبت به وظایف زناشویی و حقوق دیگر اعضای خانواده می‌گردد. در این صورت افراد خانواده صرفاً به منافع فردی خویش توجه داشته و نتایج و فواید اعمالش را در زندگی دنیوی خویش دنبال می‌کند و دلیلی نمی‌بینند کاری را که ظاهراً نفعی ندارد صرفاً در جهت خدمت به دیگران و نجات زندگی خانوادگی انجام دهند.

قطعاً دیانت هر کدام از اعضای خانواده ضمن اینکه زندگی را برای دیگر اعضا شیرین و لذت‌بخش می‌کند باعث گرمی و صمیمیت روابط آن‌ها نیز می‌گردد. مثلاً، شوهر دین‌دار

۱. جعفر پیشه، مصطفی، «امام خمینی و مبانی فکری حکومت اسلامی»، فصلنامه علمی - پژوهشی حکومت اسلامی، ش ۱۴، ص ۱۴۲، زمستان ۱۳۷۸ ش.

۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۳، ص ۲۷۷.

۳. سوره یس، آیه ۶۱

سعادت خویش را در گرو سعادت خانواده خویش می‌داند و برآوردن نیازهای خانواده را از اهم واجبات خویش به حساب می‌آورد و در جهت تحقق آن تلاش می‌کند. همچنین زن متدین، حفاظت از اموال و آبروی شوهرش را از واجبات دینی خویش به حساب آورده همواره با شوهرش صادقانه برخورد می‌کند و عقایدش هرگز این اجازه را به او نمی‌دهد که به شوهرش و خانواده‌اش خیانت کند.

پس خانواده‌ای که دارای اندیشه توحیدی نباشد به صفات ناپسندی مانند انحراف اعتقادی، اخلاقی، توقعات زیاد، ناسپاسی و غیره مبتلا می‌شود که این‌ها باعث تزلزل خانواده می‌شود. برای مثال بسیاری از این توقعات که اعضای خانواده از یکدیگر دارند، مادی و دنیوی است و برآورده نمی‌شوند و مشکل عمده اینجاست که همه به توقعاتی که از دیگران دارند توجه می‌کنند و توقعات و انتظاراتی که در مقابل دیگران باید برآورده کنند را نمی‌بینند و از آن‌ها خبر ندارند و این کارها نتیجه‌ای ندارد مگر تزلزل و هم‌پاشیدگی خانواده. و برای جلوگیری از این تزلزل راهی نیست مگر پیاده کردن اندیشه توحیدی با کمک آموزه‌های مهدوی که افکار و اعمال تک- تک اعضای خانواده‌ها را در مسیر تعالی و رشد قرار داده و منجر به تحکیم خانواده می‌شود.

ج) اطاعت‌پذیری توحیدی

باور به مبدأ و معاد و رعایت احکام الهی و عمل به باورهایی که درمجموع به توحید، نبوت و معاد برمی‌گردند، در اثر به‌کارگیری آموزه‌های مهدوی در اندیشه‌سازی توحیدی در محیط خانه و خانواده به وجود می‌آید و خانواده‌ها را در راه رشد و پویایی و رسیدن به نقطه کمال توحیدی یاری می‌کند. ایمان به توحید و اطاعت‌پذیری از آن هم، در این میان، زمانی محقق می‌شود که خانواده با تمام وجود، خدا را پذیرفته و خویش را مطیع فرمان او قرار دهند که لازمه این اعتقاد و تسلیم، ایمان به قرآن و نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. همچنین لازمه چنین ایمانی، اعتقاد به خلفایی است که خداوند برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مشخص فرموده است. پس کسی که به نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ایمان نمی‌آورد، نمی‌تواند خود را مطیع فرمان خدا معرفی نموده و در نتیجه یکتاپرستی در زندگانی او متجلی

نخواهد بود. همچنین، کسی که به خلفای راستین پیامبر ایمان نمی‌آورد، نمی‌تواند از اعتقاد به خدا و پیامبر دم زند که اگر او به خدا و پیامبر ایمان می‌داشت، به سخن خدا و رسول در اطاعت از اهل بیت علیهم‌السلام توجه می‌نمود. همانطور که گذشت، امام حسین علیه‌السلام، معرفت خدا را اطاعت از ائمه معصومین دانستند.^۱

بدین گونه، ائمه علیهم‌السلام خداشناس بودن را در معرفت و اطاعت از امام زمان علیه‌السلام دانسته‌اند. در سفر تاریخی امام رضا علیه‌السلام از مدینه به طوس، به هنگام عبور از نیشابور، محدثین بزرگ اهل سنت، افسار قاطری که امام بر آن سوار بودند را گرفتند و امام را به حق پدران‌شان سوگند دادند و تقاضا کردند که آن حضرت روایتی از اجداد خود نقل فرماید. امام علیه‌السلام سر از کجاوه بیرون آوردند و به نقل از امام کاظم، امام صادق، امام باقر، امام سجاد، امام حسین، امیرالمؤمنین علیه‌السلام و از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل کردند که خدای بزرگ فرمود:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي؛^۲ اعتقاد به توحید، دژ مستحکم من است؛ پس کسی که در این دژ وارد شود (به توحید اعتقاد داشته باشد) از عذاب من در امان است.

هنگامی که قافله امام حرکت کرد، آن حضرت، حدیثی را که نقل فرموده بودند این گونه تفسیر کردند: «بشروطها و انا من شروطها»؛^۳ اعتقاد به توحید، شرایطی دارد و ایمان به ولایت من، از شرایط موحد بودن است».^۴ از این روست که در برخی روایات، منکران ولایت اهل بیت علیهم‌السلام کافر و گمراه معرفی شده‌اند؛ زیرا که آنان حجت‌های الهی را نپذیرفته‌اند. بدین جهت خداوند، اکثریت معتقدین به خدا را مشرک دانسته؛ می‌فرماید: «وما یومن

۱. نک: مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۹۳، ح ۴۰.

۲. صدوق، محمد، التوحید، ص ۲۵.

۳. همان.

۴. همو، عیون اخبار الرضا، ج ۲، باب ۳۷، ح ۴، ص ۱۳۴.

اکثرهم بالله الا و هم مشرکون؛^۱ بیشتر آن‌ها به خدا ایمان نمی‌آورند، بلکه شرک می‌ورزند.^۱
این شرک، شرک در عبادت نبوده، شرک در اطاعت است.^۲

رسالت اصلی و اساسی مهدی علیه السلام و خانواده‌های مهدوی، بسط توحید در سرتاسر گیتی است. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ لَا يَبْقَى أَرْضٌ إِلَّا نُودِيَ فِيهَا شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ؛^۳ زمانی که قائم قیام کند سرزمینی باقی نمی‌ماند که در آن ندای شهادت «خدایی جز الله نیست و محمد پیامبر خداست» بلند نشود.

و در فرازهایی از زیارت حضرت صاحب‌الامر علیه السلام می‌خوانیم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ الَّذِي لَا يُؤْتَى إِلَّا مِنْهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَبِيلَ اللَّهِ الَّذِي مَنْ سَلَكَ غَيْرَهُ هَلَكَ؛^۴ سلام بر تو ای درگاه خدا که هر کس به‌غیر از آن راه رود، هلاک می‌شود.

حال سعی دشمنان بر این است که از یک‌طرف با ایجاد شک و شبهه، باورهای توحیدی را تضعیف کنند تا جایی که شک‌گرایی در میان خانواده‌ها به‌ویژه جوانان تبدیل به یک افتخار شود و از طرف دیگر می‌خواهند با ترویج ضد ارزش‌ها و بی‌دینی‌ها، به‌تدریج ارزش‌های دینی و اسلامی را در جامعه، به‌ویژه در میان جوانان محو و نابود کنند و فرهنگ دین‌محوری و به دنبال آن فرهنگ انتظار را برای همیشه از بین ببرند. وقتی باورها و ایمان‌ها ضعیف شد، دیگر یقینی به حیات پس از مرگ، قرب الاهی و سعادت و پاداش آخرتی نخواهد بود تا خانواده‌ها برای رسیدن به آن به انتظار موعود و منجی الاهی نشسته و برای رسیدن به چنان سعادت‌ی سختی‌های فراوان را تحمل نمایند. با از بین رفتن ارزش‌ها و باورهای دینی که ارکان اساسی سعادت بشری هستند، دیگر ایشار،

۱. سوره یوسف، آیه ۱۰۶.

۲. کلینی، محمد، اصول کافی، ج ۲، ص ۳۹۷، ح ۴.

۳. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۴؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۰.

۴. قمی، عباس، مفاتیح الجنان، فرازی از زیارت صاحب‌الامر علیه السلام.

از خودگذشتگی و تلاش و کوشش برای تحکیم و تعالی خانواده مفهومی نخواهد داشت. پس تهدید باورها و اعتقادات دینی ما از آسیب‌های مهم و مورد دقت دشمنان مهدویت است که خانواده‌های مهدوی باید با دقت تمام توجه داشته باشند و روزبه‌روز به تقویت باورهای توحیدی و دینی خود بیفزایند.^۱ در غیر این صورت به آسیب‌هایی مبتلا خواهند شد که منجر به تزلزل بنیان خانواده و از هم پاشیدن آن خواهد شد.

۲. ولایت باوری

واژه ولایت، دارای گستره معنایی زیادی می‌باشد. اوج معنای آن، مخصوص حق تعالی است. مرتبه پایین‌تر آن به نبی و امامان مربوط می‌شود و مراتب نازله آن، شامل حال همه مؤمنان است.

«ولی» درمتون لغوی به معنای قرب و نزدیکی، نیز باران بهاری که پس از باران معروف به وسمی می‌آید و موجب سرسبزی می‌شود، آمده است.^۲ «ولی» و «مولا» به معنای دوست نیز به همان معنای قرب و نزدیکی برمی‌گردد؛ چون محب و محبوب همواره قرب و نزدیکی مادی یا معنوی دارند؛ چنان‌که ابن فارس می‌گوید: «والباب کله راجع الی القرب».^۳

علامه طباطبایی، ضمن حفظ معنای قرب در لغت ولایت، امارت و تصرف را نیز از دل آن استنباط می‌کند:

«فالمحصل من معنی الولاية فی موارد استعمالها هو نحو من القرب یوجب نوعاً من حق التصرف و مالکية التدبیر».^۴

۱. کیانی، علی اصغر، تربیت نسل منتظر، ص ۹۷.

۲. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، ج ۶ ص ۱۴۱؛ ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱۵، ص ۳۱۲-۴۱۱؛ واسطی زبیدی، سید محمد مرتضی الحسینی، تاج العروس، ج ۲۰، ص ۳۱۰.

۳. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، ج ۶ ص ۱۴۱؛ الطریحی، فخرالدین، مجمع البحرین و مطلع النیرین، ج ۱، ص ۴۶۲.

۴. طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ج ۶ ص ۱۰.

علامه می‌افزاید که نخست (ولایت) در قرب و نزدیکی‌های زمانی و مکانی به کار می‌رفته و سپس در نزدیکی معنوی استعمال شده است. لازمه قرب و ولایت بین دو موجود، این است که ولی درباره متولی خود، صاحب شئون و تصرفاتی است که دیگران ندارند؛ مانند ولی میت و ولی صغیر. خداوند، ولی مؤمنان است؛ یعنی امور دنیایی و اخروی عباد خود را تدبیر و سرپرستی می‌کند. علامه در ادامه مواردی از ولایت تکوینی و تشریعی خداوند را یادآور می‌شود.^۱ در قرآن و روایات نیز به این معنا استعمال شده است.^۲

سید حیدر آملی می‌گوید:

الولاية هي التصرف في الخلق بالحق على ما هم مأمورون به من حيث الباطن والالهام دون الوحي، لانهم متصرفون فيهم به لا بأنفسهم.^۳

معانی دوستی، نزدیکی، سرپرستی و تصرف، از واژه‌های ولی، مولا و ولایت به دست آمد که در بحث ولایت امام، همین معانی مراد است و می‌توان گفت: مراد اصطلاحی با معانی لغوی هم‌خوانی دارند؛ بنابراین مقصود از جنبه ولایتی امام، یعنی تصرفات خاص در عالم که به سبب قرب و نزدیکی او به خدا و به اذن خدا این مقام را دریافت کرده است. لازمه چنین جایگاهی، سرپرستی نظام اجتماعی و تشریعی جامعه نیز می‌باشد.

می‌توان چنین گفت که حدّ اعلای تربیت انسان‌ها با ولایت‌مداری و نزدیکی به امام در عصر ظهور به وجود خواهد آمد و به دست الهی ایشان، استعدادها و ظرفیت‌های اخلاقی و معنویتشان شکوفا خواهد شد، اما در عصر غیبت و در جامعه‌ای که پیرو و تابع ولی و حجت خدا است، این نوع تربیت تا حدودی امکان‌پذیر بوده و برای هر چه بهتر درک

۱. همان، ص ۹-۱۰.

۲. «فهب لي من لدنك ولياً يرثني»؛ (سوره مریم، آیات ۵ و ۶)؛ «وأيما امرأة نكحت بغير إذن وليها فهو باطل»؛ (شریف مرتضی، انتصار، ص ۲۸۵).

۳. آملی، حیدر، مقدمات بر کتاب نص النصوص، ۱۶۸. سخن مشروح صدرالمتألهین و علامه طباطبایی در این زمینه بسیار خواندنی است. ر.ک: صدرالدین شیرازی، مفاتیح الغیب، ص ۴۸۴-۴۸۵؛ طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۰، ص ۸۹.

کردن تربیت مهدوی در این عصر نیازمند تبیین آموزه‌های ایشان برای خانواده‌ها و جامعه هستیم تا در این عصر خانواده‌ها با به کارگیری این آموزه‌ها به امام خود نزدیک و از سرچشمه عصمت نهایت استفاده را نموده باشند.

امام زمان در عصر غیبت کبری، دارای زندگی پنهانی هستند، ولی نسبت به بعضی افراد عنایت‌ها و توجّهات خاصی دارند. در غیر این صورت، تعلیم و تربیت از مدار امامت و ولایت خارج شده و از الگوها و چارچوب‌های فکری و اخلاقی ایشان دور می‌گردد و ایشان نمی‌تواند تأثیرات ماندگار و گران سنگی داشته باشند و تعلیم و تربیت در مدار و محور درست و الهی خود قرار گیرد. تربیت الهی و انسانی آن است که از سرچشمه عصمت و حکمت سیراب گردد و منجر به بصیرت و معنویت انسانها شود و این هم ممکن نیست الا در پرتو وجود انسان کامل و امامی عادل. بر این اساس تربیت نفوس مستعدّه، یکی از کارکردها و فواید امام غایب در این دوران است. امام رضا علیه السلام در توصیف «امام» می‌فرماید:

الإمامُ الماءُ العذبُ عَلَى الظِّمَاءِ وَ الدَّالُّ عَلَى الْهُدَى؛^۱ امام آب گوارا درحال تشنگی و دلالت کننده بر هدایت است.

هدایت‌گری و تربیت امام، هم ظاهری است و هم باطنی؛ چنان که علامه طباطبایی می‌گوید: امام قافله سالار کاروان انسانیت است که از راه باطن به سوی خدا سیر می‌کند. وظیفه امام تنها بیان صوری معارف و راهنمایی ظاهری مردم نیست و امام، همانگونه که وظیفه راهنمایی صوری مردم را برعهده دارد؛ همچنان نیز ولایت و رهبری باطنی اعمال را برعهده دارد و او است که حیات معنوی مردم را تنظیم می‌کند و حقایق اعمال را به سوی خدا سوق می‌دهد. بدیهی است حضور و غیبت جسمانی امام در این باب تأثیری ندارد و او از راه باطن، به نفوس و ارواح مردم اشراف و اتصال دارد؛ اگرچه از چشم جسمانی ایشان مستور است، ولی وجودش پیوسته لازم است.^۲

۱. کلینی، محمد، اصول کافی، ج ۱، ص ۲۰۰.

۲. طباطبایی، محمدحسین، شیعه در اسلام، ص ۱۹۲.

آیت الله جوادی آملی می‌نویسد:

امام اگر خانه نشین یا در پس پرده غیبت باشد، رهبری ملکوتی انسان‌ها و جوامع بشری حقیقی است که از وجود آنان جدا نمی‌شود؛ بنابراین وجود مقدس حضرت مهدی علیه السلام رهبری ملکوتی تمام انسان‌ها را و هرچه دارای ضرورت و تحول است، برعهده دارد.^۱

در یک خانواده مهدوی، اصل «أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى»؛^۲ کاربرد ویژه‌ای دارد که باعث نگهداری و مراقبت‌های ویژه آنان می‌شود.

در این میان، خانواده‌های مهدوی باور و مهدی‌ی‌آور به یک احساس زیبای دیگری نیز می‌رسند و آن احساس نظارت مستقیم امام عصر علیه السلام بر زندگی و اعمال و رفتار و گفتار آنهاست. بر اساس این اعتقاد دینی، خانواده‌ها امام را ناظر بر اعمال خود می‌دانند. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «بگو عمل کنید که خداوند و رسول او و مؤمنان (امامان) اعمال شما را می‌بینند».^۳

در یک خانواده امام‌زمانی، این احساس نظارت و عنایت حضرت، وجود دارد؛ بنابراین در انجام اعمال نیک و خیر با سرعت و شتاب افزون‌تری بر دیگران اقدام می‌کنند و به هنگام انجام معصیت و گناه خود را تحت نظر و کنترل محسوس حضرت می‌بینند و از آن فاصله می‌گیرند.

حضرت، در توقیع شریفش به شیخ مفید می‌فرماید: «ما به اخبار شما آگاهیم و هیچ چیز از اوضاع شما، بر ما پنهان نیست». و در ادامه می‌فرماید: «ما هرگز از سرپرستی و رسیدگی به شما کوتاهی نکرده و یاد شما را از خاطر نبرده‌ایم».^۴

در زیارت روز جمعه امام زمان علیه السلام آمده است: «سلام بر تو ای چشم خدا میان

۱. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۱۶، ص ۹۷ و ۹۸.

۲. سوره علق، آیه ۱۴.

۳. «وَقُلْ أَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ»؛ (سوره توبه، آیه ۱۰۵).

۴. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵.

آفریدگان!». ^۱ یکی از القاب امام زمان عین‌الله است؛ یعنی امام زمان، چشم خداوند میان بندگان است. با این وصف، خانواده ولایی، همیشه احساس حضور می‌کند و این احساس حضور در محضر امام زمان علیه السلام او را از ارتکاب گناه و ناهنجاری‌ها باز می‌دارد و پیوسته مراقب مجموعه گفتارها و رفتارهای خود خواهد بود تا عملی برخلاف رضای امام عصر علیه السلام از او صادر نشود.

این کلمات نورانی، نمونه‌ای از آگاهی و محبت و مراقبت دائمی امام زمان علیه السلام به شیعیان و دوستانش است و نشان از این دارد که خانواده‌های مهدوی، همواره در منظر و مرأی امام عصر علیه السلام هستند. با این اوصاف، خانواده مهدوی، همواره احساس حضور می‌کند؛ بنابراین، احساس حضور، عامل درونی و مکانیزم درونی برای کاهش ناهنجاری‌های رفتاری و اخلاقی در این خانواده به شمار می‌آید و اثر و کارکرد احساس حضور، به کاهش ناهنجاری‌ها می‌انجامد. ^۲

کارکرد احساس حضور امام زمان علیه السلام باعث دوری جستن از لغزش‌ها و ناهنجاری‌ها است و احساس حضور عامل درونی برای نظارت و کنترل در خانواده به شمار می‌آید؛ بنابراین خانواده مهدوی، خود را به هنجارها و ارزش‌ها عادت می‌دهند و این احساس حضور را می‌توان نوعی توسل به وجدان خانواده‌ها دانست که از این طریق، اعمال خود را با معیارهای ولایی مطابق کرده و از اعمال انحرافی و ناهنجاری‌ها دوری می‌جویند. پس خانواده مهدوی، باید یک رابطه ولایی و حقیقی با امام خود برقرار کند؛ چون که ایشان امام و راهنما است و خانواده‌های مهدوی - که خود را هدایت شده از طرف امام خود می‌دانند - باید ولایت‌مدار باشند و پیوند و ارتباط عمیق خود را با ایشان حفظ نمایند. گفتنی است در مبانی دینی هم سفارش زیادی به این نکته شده است.

۱. مفاتیح الجنان، بخشی از زیارت امام زمان در روز جمعه.

۲. شرفی، محمد رضا، مقدمه‌ای بر آثار تربیتی و روانشناختی انتظار (سخنرانی‌های گفتمان سوم مهدویت)،

بدیهی است نتیجه این پیوند غرق شدن در دریای رحمت بی‌انتهای الهی است. نیز ثبات قدم در این راه ارزش و آثار بسیاری از خود به جا می‌گذارد؛ از جمله، تحکیم و تعالی که خانواده‌ها را از تزلزل دور نگه می‌دارد؛ چنانکه در روایتی ارزشمند از امام زین‌العابدین می‌خوانیم:

من ثبت علی ولایتنا فی غیبة قائمنا، أعطاه الله أجر ألف شهید مثل شهداء بدر و أحد؛^۱ کسی که در زمان غیبت قائم ما بر ولایت ما ثابت و استوار بماند، خداوند به او پاداش هزار شهید از شهیدان بدر و أحد عطا می‌فرماید.

بدیهی است ماندن بر عهد و استواری بر هدف و پیمان، نشان از پیوندی عمیق و ماندگار بین امام و فرد دارد، زیرا انسان انگیزه‌ای برای ماندن در عهدی که برگرفته از ارتباط و پیوند روحی و معنوی نباشد، ندارد.^۲

مولفه‌های تربیت ولایی

تعلیم و تربیتی که در خانواده مهدوی، با توجه به این معیار اساسی و مهم، صورت می‌گیرد، دارای مولفه‌ها و ویژگی‌های خاص است؛ از جمله:

۱. نگاه شفقت‌آمیز و مهرورزانه به انسان‌ها؛
۲. پیوند تعلیم و تربیت با هدایت و راهیابی انسان‌ها به سر منزل مقصود؛
۳. امکان رشد و بالندگی مداوم و پویا در پرتو تربیت‌های الهی و ایمانی؛
۴. کم کردن اشتباهات، خطاها و نارسایی‌های تربیتی و رفع موانع و بن‌بست‌های الهی و ایمانی؛
۵. بهره‌گیری کامل از آموزه «انتظار» و تربیت نسل‌منتظر در راستای تحقق آرمان‌های مهدوی و قرار گرفتن در مسیر جامعه آرمانی؛

۱. «فَانَا نُحِيطُ عِلْمًا بِأَنْبَاءِكُمْ وَ لَا يَعْزُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ أَخْبَارِكُمْ» (صافی گلپایگانی، لطف‌الله، منتخب‌الاثر، ص ۵۱۳).

۲. کیانی، علی اصغر، تربیت نسل منتظر، ص ۱۵۲.

۶. ایجاد امید و سرزندگی در فرد و اجتماع، با تعمیق و گسترش انتظار پویا و سازنده و آینده‌اندیشی مثبت؛

۷. برقرای انس و ارتباط قلبی با امام عصر و ایجاد پیوند و همسویی تربیت شونده‌گان با ایشان؛ توسل به امام زمان و استمداد از او در جهت تربیت نفوس رحمانی و...^۱

۳. فرجام‌باوری

یکی دیگر از مولفه‌های برجسته آموزه‌های مهدوی توجه ویژه به فلسفه و حکمت آفرینش انسان و نگاه متعالی به فرجام زندگی انسان است. این سخن همواره در میان خانواده‌ها گفته می‌شود که زندگی ارزشمند آن است که فرجام نیکو و هدف داشته باشد و فرجام به عنوان یک اصل مسلم برای زندگی پذیرفته شده است؛ اما این پرسش وجود دارد که به چه دلیل زندگی باید دارای فرجام و هدف باشد، چه ضرورتی احساس می‌شود که انسان در زندگی به فرجام‌باور داشته باشد؟

آیا باور فرجام، همچنین شناخت وسایل و ابزاری که ما را به باور می‌رساند، در سرنوشت ما موثر خواهد بود؟ می‌شود گفت: مهم‌ترین ارکان حیات انسانی «فرجام‌باوری و هدفداری زندگی» است. زندگی بدون فرجام نیکو، پوچ است و پوچ‌تر از آن، عدم اعتقاد در باور به فرجام زندگی است.

تعریف هدف

«هدف، آن چیزی است که برای رسیدن به آن تلاش و کوشش می‌شود».^۲ و نیز گفته‌اند: «هدف، عبارت است از آن حقیقت مطلوب که اشتیاق وصول به آن، محرک انسان است به انجام کارها و انتخاب وسیله‌هایی که آن حقیقت را قابل وصول می‌نماید».^۳

۱. کارگر، رحیم، تعلیم و تربیت در عصر ظهور، ص ۱۵۸.

۲. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۸، ص ۸۳.

۳. جعفری، محمدتقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۱، ص ۸۰.

حضرت مهدی علیه السلام می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمْ يَخْلُقِ الْخَلْقَ عَبَثًا وَلَا أَهْمَلَهُمْ سُدًى بَلْ خَلَقَهُمْ بِقُدْرَتِهِ وَجَعَلَ لَهُمْ أَسْمَاعًا وَأَبْصَارًا وَقُلُوبًا وَآلِبَابًا ثُمَّ بَعَثَ إِلَيْهِمُ النَّبِيِّينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ، يَأْمُرُونَهُمْ بِطَاعَتِهِ وَيَنْهَوْنَهُمْ عَنِ مَعْصِيَتِهِ وَيُعَرِّفُونَهُمْ مَا جَهِلُوا مِنْ أَمْرِ خَالِقِهِمْ وَدِينِهِمْ وَأَنْزَلَ عَلَيْهِمْ كِتَابًا، وَبَعَثَ إِلَيْهِمْ مَلَائِكَةً يَأْتِينَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَنْ بَعَثَهُمْ إِلَيْهِمْ بِالْفَضْلِ الَّذِي جَعَلَهُ لَهُمْ عَلَيْهِمْ؛^۱ خداوند متعال، خلق را بیهوده نیافریده و آنان را مهمل نگذاشته است، بلکه آنان را به قدرتش آفریده و برای آنها گوش و چشم و دل و عقل قرار داده، آن گاه پیامبران را که مژده دهنده و ترساننده هستند به سویشان برانگیخت تا به طاعتش دستور دهند و از نافرمانی‌اش جلوگیری فرمایند و آنچه را از امر خداوند و دینشان نمی‌دانند به آنها بفهمانند و بر آنان کتاب فرستاد و به سویشان فرشتگان برانگیخت تا آنها میان خدا و پیامبران - به واسطه تفضلی که برایشان روا داشته - واسطه باشند.

پس انسان موجودی است هدفدار؛ زیرا او جزئی از عالم هستی است و جهان هستی هدفدار است. خدا - که جهان و انسان را آفریده است - هدف مقدسی را در نظر داشته و هیچ چیز این عالم بی هدف و لغو و بیهوده نیست. در جزء جزء جهان از ریز و درشت و خرد و کلان، هدف، نظم، عقل و خرد به چشم می‌خورد و انسان - که تنها موجود با اراده و انتخاب‌گر جهان است - مورد توجه و هدف آفریدگار بوده است؛ بنابر این، خود انسان - که انتخاب‌گر است و از قدرت عقل برخوردار است - هرگز نباید بی‌هدف زندگی کند و نباید کارهای او بی‌هدف باشد؛ چراکه مهمترین ویژگی عقل همان انگیزه و هدف است و انتخاب کارهای با هدف بهتر، مورد توجه فرد عاقل است و هرچه خرد آدمی بالاتر و عقلش کامل‌تر باشد، بیش‌تر به سوی امور مقدس و هدفدار می‌رود و از امور باطل و بیهوده و لغو پرهیز می‌کند. قرآن مومنین را به دوری از لغو ستایش می‌کند و می‌فرماید:

۱. طوسی، الغیبه، ص ۲۸۸، ح ۲۴۶؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۹۴، ح ۲۱.

﴿وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ﴾^۱ آنان که از امور بیهوده روی می‌گردانند.

لهو و لعب، یعنی بازی‌ها و امور سرگرم کننده که انسان را به پوچی و بی‌هدفی می‌کشاند که نهی شده و مورد نکوهش قرآن کریم است.

می‌توان مردم را باره فرجام باوری به سه دسته تقسیم کرد:

دسته اول: کسانی هستند که به علت سرگرم شدن به کارهای مادی موقت و انس با ظواهر زندگی، به چیزی والاتر از آن نمی‌اندیشند؛ اینان به تعبیر قرآن کسانی هستند که به «حیات دنیا»^۲ راضی شده و به آن آرام گرفته‌اند و رضایت به زندگی موقت سبب شده است که آنها به طور جدی درباره «فرجام نهایی زندگی» نیندیشند و در غفلت غوطه‌ور باشند.

دسته دوم: کسانی هستند که کارهای مادی و غریزی نتوانسته است آنها را راضی و خشنود سازد و از طرفی هم نتوانسته‌اند به بعد متعالی حیات دست یابند، زیرا آنها فرجام نیکوی نهایی زندگی انسان را در لابلای زندگی مادی جستجو نموده‌اند؛ این دسته افراد که سراب را آب پنداشته و با رسیدن به آن عطش‌شان بیشتر گشته، به پوچی رسیده‌اند. اینان به تصور اینکه حیات انسانی در همین زندگی چند روزه دنیا خلاصه شده و هدفی والاتر از عناصر مادی و غریزی وجود ندارد، آن را پوچ و بی‌ارزش دانسته و زبان به طعن و انتقاد از نظام هستی گشوده‌اند. نیهیلیست‌ها یا پیروان «فلسفه پوچی» از این دسته‌اند.

دسته سوم: کسانی هستند که گام فراتر نهاده، با بعد متعالی حیات آشنا شده‌اند؛ اینان توانسته‌اند در سایه تحصیل کمال دریچه‌ای از عالم بالا بر روی خود بگشایند و با عظمت‌های معنوی زندگی، آشنا شوند. از این رو، این دسته، نه مانند گروه اول با آسودگی خاطر در عالم غفلت و بی‌خبری غنوده‌اند و نه مانند گروه دوم به پوچی رسیده‌اند. آنان با

۱. سوره مومنون، آیه ۳.

۲. ﴿إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنُّوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ﴾؛ (سوره یونس،

آیه ۸).

دستیابی به حقایقی که از دید ظاهر بینان، پنهان و پوشیده است، فلسفه زندگی را در ماورای مرزهای ظواهر یافته، از آن سخن گفته‌اند،^۱ و برای رسیدن به آن از هیچ تلاشی دریغ نمی‌ورزند. قرآن نیز رسیدن به فرجام نیکو و نهایی و موفقیت را به آنان نوید داده و خداوند هم یاری‌شان خواهد کرد.

بسیارند خانواده‌هایی که چه در کشورهای اسلامی یا غربی در اثر عدم باور به فرجام در زندگی و نداشتن باور به فرجام عالی به پوچی و بی‌هویتی غوطه‌ور و ارزش و شخصیت و هویت خویش را گم کرده‌اند و آن را در اموری پوچ، مانند عرفان‌های کاذب، فرم لباس، فرم کفش، خانه، خوراک و... می‌جویند و هرگز به مقصد متعالی نمی‌رسند؛ زیرا امور پوچ مانند سرابی است که فقط خانواده‌ها را تشنه می‌گرداند و آنان را به سستی و تزلزل می‌کشاند بدون این که به فرجام عالی برساند، ولی آموزه‌های مهدوی بر خلاف تفکر مادی و غیر متعالی بعضی جوامع، افق خانواده‌ها را به زمین و جنبه‌های مادی زندگی محدود نمی‌داند، بلکه این افق را تا ماوراء و عالم قدسی گسترش می‌دهد. به عبارت دیگر تفکر مادی توجّه بی‌حدّ و حصر و افراطی به شأن و منزلت انسانی و عقل خود بنیاد انسان دارد و همین امر باعث نادیده انگاشتن کاستی‌ها و محدودیت‌های عقل خود بنیاد شده است که پیامد آن، آسیب‌ها و بحران‌های جامعه و خانواده‌های مدرن شده است. در دنیای متجدد مادی، هدف اصلی حرکت خانواده و جامعه، ایجاد رفاه و منفعت خانواده در جامعه است؛ بنابراین مهم‌ترین عامل تحرک جامعه مادی ایجاد نیازهای مادی جدید جهت کامجویی بیشتر اعضای خانواده می‌باشد؛ در حالی که خانواده‌های مهدوی با استفاده از آموزه‌های مهدوی به فرجامی روشن و متعالی می‌اندیشند و برای رسیدن به این هدف تلاش می‌کنند.

به این ترتیب تمدن غرب اساساً تمدنی غیرفرجامی و غیرغایی است، عقل حاکم بر این تمدن، عقل غایت‌اندیش نیست و بر همین اساس رفتارهای برآمده از این عقل نیز

۱. هاشمی، حمید، «هدف زندگی در قرآن»، نشریه گلستان قرآن، نیمه دوم دی ۱۳۸۲، ش ۱۶۷، ص ۱۱.

معطوف به غایت متعالی و معنوی نمی‌باشد و به همین دلیل نگاه به پایان تاریخ در وجه مطلوبش یا در انسان مدرن غربی کاملاً از بین رفته و یا در وجه بسیار نازلش ناکجا آبادی است بی‌ریشه و بی‌تاریخ که نه زمان دارد و نه مکان.

شهید آوینی در این باره می‌گوید:

همه این اوتوپیاها، بلا استثنا در جستجوی لا مکان و لا زمانی هستند که در آنجا خدا وجود ندارد، مرگی اتفاق نمی‌افتد و انسان می‌تواند جاودانه و بدون اینکه از مرگ و معاد هراس داشته باشد، به کامجویی و تمتع پردازد. این آرمان واحد در قرن‌های مختلف صورت‌های متفاوتی یافته و ایده‌آل توسعه یافتگی آخرین صورتی است که به خود گرفته است.^۱

اما آموزه‌های مهدوی برای خانواده‌ها، حرکتی معنا دار و مفهومی روشن و چارچوب و روندی مشخص دارد. در این دیدگاه غایت تاریخ، کمال و تعالی زندگی بشری است. از نظر این آموزه‌ها سرنوشت و فرجام نهایی انسان تکامل همه‌جانبه است. شهید مطهری می‌گوید:

در فطرت و گوهر تاریخ، حرکت تکاملی وجود دارد... تحول و تکامل تاریخ تنها جنبه فنی و تکنیکی و ابزاری و آنچه بدان تمدن نام می‌دهند، ندارد؛ گسترده و همه‌جانبه است و همه شئون معنوی و فرهنگی انسان را در بر می‌گیرد.^۲

از دیدگاه قرآن نیز فرجام و غایت تاریخ، عبادت و بندگی خدا و رسیدن به کمالات اخلاقی و انسانی است. مکانیسم و محرک این حرکت، اراده انسان‌ها و تضاد و درگیری بین دو جبهه حق و باطل است که در نهایت با نابودی جبهه باطل به پایان خواهد رسید. مسیر و منازل این حرکت، دوران‌های حضور پیامبران و جانشینان آنان است. عصر هر پیامبری بستر و مرحله‌ای برای گذار تاریخ به مراحل بالاتر و کامل‌تر است.^۳ به این ترتیب

۱. آوینی، مرتضی، توسعه و مبانی تمدن غرب، ص ۱۹-۲۰.

۲. مطهری، مرتضی، قیام و انقلاب مهدی، ص ۳۶.

۳. کارگر، رحیم، مهدویت و آینده سیاست (دولت) از دیدگاه شیعه، ص ۷۱.

در گفتمان مهدویت شیعی، فرجام مشخص است؛ بنابراین امید و حرکت و برنامه‌ریزی برای رسیدن به یک فرجام متعالی، برای خانواده‌ها معنا می‌یابد.

بنابراین، شرط زندگی متعالی و مستحکم، در انتخاب راه درست و باور فرجام است و آن هم به دست نمی‌آید مگر با استفاده از اندیشه‌ها و آموزه‌های مهدوی که فرجام را برای خانواده‌ها مشخص می‌کند و این آشنایی به فرجام باعث می‌شود خانواده‌ها با تمام خوبی‌ها و ناخوشی‌هایی که دارند برای رسیدن به آن تلاش کنند و در تمام شرایط خود را از تزلزل، سستی و چیزهایی که باعث نرسیدن به فرجام نیکو می‌شود، دور کنند و امور بی‌هدف و سرگرم کننده‌های بیهوده را از خود دور کنند، چرا که نتیجه‌ای جز از دست رفتن تحکیم تعالی خانواد، سرمایه‌های مادی و معنوی و از کف رفتن فرصت‌ها و سرانجام عقب ماندگی و پشیمانی و تزلزل خانواده‌ها نخواهد داشت.

۴. آینده‌نگری

آینده‌نگری، به معنای توجه به آینده و دغدغه آنچه که در انتظار رسیدن به آن و رخدادهای آن هستیم می‌باشد و به همین خاطر، خانواده‌ها به آینده و فرجام زندگی حساس شده و سعی و تلاش می‌کنند تا از کیفیت آن آگاه شوند. مهم بودن آن نیز به این سبب است که با شناخت و تحلیل آن، می‌توان زمان کنونی و حال را بهتر بشناسند. در واقع، دغدغه خانواده‌ها از زمان «حال» که زیستگاه آنان است، باعث شده به زمان گذشته و زمان فراسوی خویش بیشتر توجه کنند تا بتوانند زندگی مناسب و خوبی در «هم اکنون» برای خود فراهم کنند؛ زیرا خوب زیستن در زمان حال، بدون توجه به گذشته و آینده، قابل ترسیم نیست.

پس از آن جا که آینده برای بشر مهم بوده و از طرفی با علم محدودی که آنان دارند، نمی‌توانند به طور کامل به آینده دسترسی پیدا کنند، باعث پیدایش دیدگاه‌های مختلف و بعضاً متعارض در کم و کیف دیدگاه آنان شده است. همان‌گونه که می‌بینیم برخی چشم‌انداز آینده بشر را تاریک و ظلمانی دیده و فرجام بدی را در انتظار بشر می‌بینند؛ اما برخی دیگر آینده بشر را مثبت ارزیابی کرده و با امیدواری چشم به آینده‌ای روشن - که

همان جامعه ایده‌آل می‌باشد - دوخته‌اند.

در مقابل این دو دیدگاه، نظریه سومی مطرح است که تاریخ بشر را پایان یافته تلقی کرده و زمان آینده را در زمان حال خلاصه نموده است. این نظریه توجه مردم را از فراسو به هم اکنون معطوف داشته است. طبق این دیدگاه، جامعه ایده‌آل و موعودی که بشر از دیرباز برای رسیدن و تحقق آن لحظه‌شماری می‌کرده است، در مکتب لیبرالیسم با ایدئولوژی سکولار - که نخ‌نما شدن آن بر همه کس معلوم شده است - تبلور می‌یابد.^۱

باور به آینده در میان آموزه‌های اسلامی از جایگاه مهمی برخوردار است و از آن جا که دین اسلام، آخرین دین و نیز کامل‌ترین و جامع‌ترین ادیان آسمانی به شمار می‌آید، باید پاسخگوی همه مشکلات و دغدغه‌های بشری باشد. آگاه نبودن و اطلاع نداشتن بشر از آینده فرجام خویش، از مهم‌ترین نگرانی‌های او است که او را به خود مشغول کرده است. آیا سعادت و خوشبختی، چشم به راه او است یا شقاوت و بدبختی؟ دین اسلام به این نگرانی‌ها پاسخ داده و انسان را به ساحل نجات رهنمون می‌سازد؛ از این رو، دین اسلام، این مسئولیت مهم را بر عهده گرفته و انسان‌ها را به آینده و فرجام‌شان امیدوار کرده و مهدویت را سمبل آینده مثبت به بشر و جوامع بشری معرفی کرده است. متمایز بودن آینده‌نگری اسلام از آینده‌نگری ادیان دیگر این است که دین اسلام، علاوه بر معرفی کلی مهدویت به عنوان نماد آینده مثبت، به بیان جزئیات آن نیز پرداخته و با ارائه آموزه‌های روشن و معقول و نیز با تعریف صحیح و روشن از آینده‌نگری و مقوله مهدویت و از همه مهم‌تر با مشخص کردن مصداق منجی و زنده و حاضر بودن او در این دنیا و نیز نظارت ایشان بر اعمال و گفتار انسان‌ها، ایده آینده‌نگری را از مقام عقل نظری (ایده مطلق) به جایگاه عقلی عملی (مدینه فاضله مهدوی) سوق داده و آن را برای بشر و جوامع بشری عملی و کاربردی کرده است.^۲

۱. نظریه پایان تاریخ که دیدگاه فرانسیس و فوکویاما است در کتاب فرجام تاریخ و آخرین انسان آمده است.

۲. مطهری، مرتضی، فلسفه تاریخ، ج ۱، ص ۱۱.

اقسام آینده‌نگری

الف) آینده‌نگری مثبت

در نگرش مثبت، آینده و فرجام خانواده‌ها، به روشنی ترسیم شده است؛ یعنی آینده به منزله ظرفی است که خانواده ایده‌آل و مطلوب را در خود جای داده است، خانواده‌ها با نظر مثبت، برای رسیدن به آن، چشم به فراسو دوخته‌اند. پس نگرش مثبت به آینده در ساخت خانواده متعالی و جوامع انسانی سالم، نقش مهمی داشته و نیز برای معنا بخشیدن و هدفمند کردن زندگی خانواده‌ها، نقش تأثیرگذاری خواهد داشت. با توجه به تأثیرگذار بودن آینده‌نگری مثبت در زندگی خانواده‌ها، لازم است با بیان آیات و احادیث در این مورد، به تبیین و تثبیت آن بپردازیم.

۱. آینده‌نگری مثبت در قرآن

الف) ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ لَسَنَظُرُ نَفْسُ مَا قَدَّمْتُمْ لِغَدٍ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید تقوای الهی را پاس دارید و هر کس بنگرد تا برای فردایش چه چیز از پیش فرستاده است و تقوا را رعایت کنید که خداوند از آنچه انجام می‌دهید آگاه است.^۱

آنچه می‌توان از این آیه در مورد آینده و آینده‌نگری پیام گرفت عبارت است از:

۱. محاسبه و برنامه‌ریزی و آینده‌نگری از اصول ضروری یک زندگی خردمندانه و آمیخته به موفقیت است.

۲. آخرت‌گرایی هر خانواده به آینده‌نگری او بستگی دارد، چون دنیا مزرعه آخرت می‌باشد.

۳. تلاش و دقت و برنامه‌ریزی برای ساختن آینده‌ای سرشار از آرامش و امنیت و رهایی و رستگاری وظیفه هر خانواده بالیمان است. ایمانی که نتواند صاحبش را به چنین آینده درخشان و باشکوهی برساند و در حد زبان و برخی از اعمال عبادی و اخلاقی

۱. سوره حشر، آیه ۱۸.

خودنمایی داشته باشد نیازمند به تجدیدنظر جدی است.

۴. استمداد از تقوای الهی و ایجاد مصونیت برای خود در مسیر حرکت به سوی چنین آینده‌ای شرط موفقیت و کامیابی است.
۵. خداوند بر آنچه انسان‌ها انجام می‌دهند آگاه است و هیچ ذره‌ای از صحنه نامتناهی از آگاهی او خارج نیست.

خانواده مهدوی با چنین باوری، می‌تواند با آرامش خاطر و آسودگی خیال یقین کند هر تلاش و کوششی که می‌کند و هر سختی که می‌کشد پاسخ و پاداشش را دقیق دریافت خواهد کرد، و می‌تواند آینده‌اش را آنگونه که خدای هستی و امام زمان راضی است بسازد. (ب) «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُم جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَىٰ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَتِمِّمْ لَنَا نُورَنَا وَاغْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید به سوی خدا توبه کنید، توبه‌ای خالص؛ امید است با این کار پروردگارتان گناهانتان را ببخشد و شما را در باغ‌هایی از بهشت که نهرها از زیر درختانش جاری است وارد کند. در آن روزی که خداوند پیامبر اکرم ﷺ و کسانی را که با او ایمان آوردند خوار نمی‌کند. این در حالی است که نورشان پیشاپیش آنان و از سوی راستشان در حرکت است و می‌گویند پروردگارا نور ما را کامل کن و ما را ببخش که تو بر همه چیز توانایی.^۱

پیام آیه:

۱. ایمان، انتخابی است آگاهانه برای حرکت به سوی کمال مطلق و خیر و پاکی و زیبایی نامتناهی.
۲. توبه کردن و پاک زندگی کردن در شرایط زندگی دنیای امروز و شرایط حاکم بر جسم و روح انسان کاری دشوار و آمیخته با مشکلات و موانع و آفات بی‌شماری می‌باشد.
۳. خانواده با ایمان ممکن است در هر لحظه و هر صحنه از مسیری که برگزیده است

۱. سوره تحریم، آیه ۸.

غفلت کند و یا از آن منحرف شود.

۴. پیشگیری از این آفت غفلت و نیز درمان این مشکل با توجه همیشگی به هدفی که برگزیده ممکن است؛ یعنی پیوسته متوجه باشد که اگر از مسیر تعالی غافل شد از غفلت خویش آگاهانه برگردد و اگر به تزلزل و سستی و بیراهه رفت، از بیراهه به شاهراه بیاورد و اگر منحرف شد مجدداً مسیر را درست طی کند. آنچه این فرصت و موقعیت را پیشگیری و درمان را در اختیار انسان باایمان قرار می‌دهد توبه نام دارد.

۵. البته باید خانواده‌ها متوجه باشند که توبه‌ای کارساز و تأثیرگذار است که خالص و ناب باشد و در آن ناخالصی وجود نداشته باشد، زیرا نمی‌شود از آنچه به عنوان ابزار درمان استفاده می‌شود انتظار داشت که اگر خودش نیز آفت داشت اثربخش باشد.

۶. تمام تلاش خانواده‌های باایمان رسیدن به تعالی و رهایی از عوارض و پیامدهای نافرمانی و معصیت‌های احتمالی و دستیابی به نعمت بهشت است و اگر توبه راستین را در متن زندگی‌شان قرار دهند و همواره لذت و شیرینی بازگشت به خدا را در کام جانشان احساس کنند ره‌آورد تلاش‌هایشان را خواهند یافت.

۲. آینده‌نگری مثبت در احادیث

بی‌تردید، باورداشت مهدویت، میان باورهای مسلمانان، باوری اصیل و دارای جایگاهی مهم است. در این باره، روایات بسیاری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت او نقل شده است. کثرت این روایات به حدی است که برخی اندیشوران و متخصصان مباحث مهدویت ادعای تواتر کرده و تعداد آن‌ها را بیش از دو هزار روایت برشمرده‌اند.^۱ از آنجا که مقوله مهدویت برای مسلمانان نماد و سمبل آینده مثبت و درخشان است، همه روایاتی که درباره مهدویت در کتاب‌های حدیثی آمده است، به نحوی در راستای آینده و آینده‌نگری است. اکنون به دلیل کثرت و فراوانی آن‌ها، برای نمونه به روایاتی چند اشاره خواهیم کرد.

۱. صافی گلپایگانی، لطف‌الله، منتخب‌الائمه، ص ۸۷

حضرت رسول اکرم ﷺ فرمود: «افضل اعمال امتی انتظار الفرج؛^۱ برترین اعمال امت من، انتظار فرج است».

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نیز فرمود:

اَنْتَظِرُوا الْفَرَجَ وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ اَنْتَظَارُ الْفَرَجِ؛^۲ منتظر فرج و گشایش کار باشید و از رحمت خدا مأیوس نشوید که به یقین، محبوب ترین اعمال نزد خداوند بزرگ انتظار فرج است.

پس ایده ظهور منجی بزرگ و تحقق جامعه ایده‌آل و آفتابی بودن آینده تاریخ، عقیده‌ای است که پیروان ادیان سه‌گانه ابراهیمی و بخش چشم‌گیری از سایر ملل، بدان ایمان داشته و خانواده‌ها در طول زندگی‌شان امیدوار به آینده و در برابر مشکلات مأیوس نیستند.

آینده‌نگری نوعی تدبیر است که هر خانواده‌ای به آن نیاز دارد؛ زیرا هر خانواده‌ای برای اینکه به تعالی و تحکیم برسد باید برای زندگی آینده خود تدابیر لازم را بیندیشد، فراز و نشیب کار را بسنجد و مشورت‌های لازم را انجام دهد، سپس با توجه به همه اینها برنامه‌ای جامع و قابل عمل را طرح نماید و در اجرای آن کوشش کند. آینده‌نگری و برنامه‌ریزی برای آینده به انسان آرامش و به زندگی امید داده و نشاط روحی و روانی را به دنبال دارد.

ب) آینده‌نگری منفی

در نگرش منفی، آینده و فراسوی خانواده‌ها، تاریک و ظلمانی فرض شده و یأس و ناامیدی، سر تا پای خانواده‌ها و جوامع انسانی را فرا گرفته است. ایده نگرش منفی، غالباً از آن خانواده‌هایی است که به ماوراء اعتقاد ندارند و جهان و جهانیان و ارتباط میان آن‌ها را مادی محض می‌پندارند. به تعبیر دیگر، دیدگاه ماتریالیستی دارند؛ از این رو «بعضی فیلسوفان به جهان و به انسان، هر دو بدبین هستند؛ جهان را در

۱. ابن شعبه، حسن بن علی، تحف العقول، ص ۳۷؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲.

۲. همان، ص ۱۲۳.

مجموع خودش، یک امر نبایستی، یک شیء نامطلوب و انسان را هم در میان مخلوقات این عالم، بالخصوص یک موجود شریر و یک موجودی که اسیر یک سلسله غرایز پست و پلید است و از وجود این موجود، در واقع جز شرّ چیزی بر نمی‌خیزد، می‌دانستند. آنان معتقد بودند جهان شرّ است و انسان هم شریرترین موجودات^۱. طبیعت انسان، خاستگاه خیلی از رذایل اخلاقی نظیر تکبر، خودخواهی، خشم، برتری‌طلبی، استثمارگری و... است و انسان‌ها، از زمانی که پا به عرصه زمین گذاشته‌اند، پیوسته صفات فوق، همراه آن‌ها بوده و در آینده نیز همراه آن‌ها خواهد بود. از طرفی اختلافات و چالش‌های میان انسان‌ها به دلیل تفاوت‌های فرهنگی، نژادی و جغرافیایی هر روز عمیق‌تر و بحرانی‌تر می‌شود. بی‌شک وقتی عوامل فوق را در کنار یکدیگر قرار می‌دهیم، نتیجه‌ای جز نابودی نسل بشر و جوامع بشری را نمی‌توان استنباط کرد.

آثار آینده‌نگری برای خانواده‌ها

۱. درست اندیشی: یکی از نتایج سودمند توجه به آینده، درست اندیشی و تشخیص درست راه و مسائل است. خانواده آینده‌نگر، چون فراسوی امروز را به نظاره می‌نشیند، می‌تواند با ژرف‌نگری، از زوایای گوناگون یک پدیده، آگاهی یافته، درباره آن با دقت بیشتری رفتار کند.

امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید:

عاقبت اندیشی و توجه نمودن به پایان کارها، به عقل یاری می‌رساند و به تشخیص درست امور، کمک می‌کند.^۲

۲. آمادگی رویارویی با مشکلات: آینده‌نگری و توجه به آنچه در آینده، احتمال وقوع آن می‌رود، موجب خواهد شد تا خانواده‌ها، خود را برای روبرو شدن با دشواری‌های پیش‌رو، آماده سازد. در مقابل، خانواده‌ای که هیچ‌گونه اهمیتی برای آینده قائل نیست و یا

۱. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۱۵، ص ۹۹۹؛ هگل، فیلسوف آلمانی (۱۷۷۰-۱۸۳۱ م).

۲. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۱۹۷.

بدون توجه به آن گام برمی‌دارد، به هنگام پدید آمدن برخی مشکلات، قافیه را باخته، دچار نابسامانی‌های فراوانی خواهد شد. در یکی از سخنان امام علی (علیه السلام) - که به عنوان نمونه‌ای از توجه به آینده ذکر شده - می‌خوانیم:

انسانی که در تمام شرایط زندگی، میانه‌روی را ترک نکند و با توجه به آینده، از امکانات موجود به صورت متعادل بهره‌مند گردد، خود را برای روزهای دشوار، آماده ساخته است.^۱

۳. پیش‌روی به سوی هدف: خانواده‌های آینده‌نگر، همواره در بزرگراه زندگی به سوی اهداف و برنامه‌هایی که پیشاپیش مشخص کرده‌اند حرکت می‌کنند؛ چنین افرادی، بسان کوه استوارند که هیچ توفانی را یارای جابه‌جا کردن آن نیست. برخلاف خانواده‌هایی که فقط و فقط به امروز خود می‌نگرند و برای فردای خود، هیچ برنامه‌ای ندارند که احتمال لغزش و دورماندن از مسیر اصلی، برای این گروه، احتمال بیهوده‌ای نیست. بارها دیده‌ایم که در آسمان، تنها چیزهای سبک و بی‌ارزش و بدون هدفند که توسط کوچک‌ترین وزش، به هر جایی منتقل می‌شوند و بر بام هر خانه‌ای، لحظه‌ای می‌نشینند و دوباره سرگردانی!

۴. آرامش خاطر: یکی از آثار آینده‌نگری برای خانواده‌ها، با توجه به آنچه در سخنان نورانی بزرگان و پیشوایان دینی آمده است، «یافتن آرامش خاطر و بیگانه شدن با رنج و اندوه» است.^۲

پس ایده ظهور منجی بزرگ و تحقق جامعه ایده‌آل و آفتابی بودن آینده تاریخ، عقیده‌ای است که می‌توان از آموزه‌های مهدوی به دست آورده و خانواده خود را به اهداف عالی و آینده‌ای روشن هدایت کرد و در سایه این رفتار خانواده خود را از تزلزلی که ممکن است در اثر بی‌هدفی و نامشخص بودن آینده به وجود آمده باشد رهایی داده و به تحکیم و تعالی رسانید.

۱. آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم، حدیث ۹۰۴۸.

۲. اخوی، ابراهیم، «در اندیشه فردا آثار آینده‌نگری از نگاه دین و روانشناسی»، مجله حدیث زندگی، ص ۱۸، بهمن و اسفند ۱۳۸۲، شماره ۱۵.

۵. مسئولیت‌شناسی

به طور کلی انسان، در برابر خود، خانواده و جامعه مسئول می‌باشد و خود را نسبت مسئولیتی که برعهده گرفته متعهد می‌داند و بر این مسئولیت ارزش قائل است. مسئولیت؛ در لغت به معنای موظف بودن و یا متعهد بودن به انجام امری می‌باشد.^۱ موارد مسئولیت عبارتند از:

الف) مسئولیت در برابر خود: انسان در مقابل خود مسئول دو چیز است: اولاً؛ مسئول حفظ و نگهداری سرمایه‌هایی که به او داده شده است که آنها را تضییع نکند.

ثانیاً؛ مسئول بهره‌برداری و حداکثر استفاده از نعمت‌هایی که به او داده شده است. مسئولیت‌هایی که انسان در برابر خویش دارد به مسئولیت در برابر نفس، عقل، امور فطری، غرایز و شهوات و اعضا و جوارح، تقسیم می‌شود. انسان در برابر نفس خویش مسئول است که آن را در راه اطاعت خداوند به کارگیرد.

امام سجاد (علیه السلام) در رساله حقوق می‌فرماید: «وَحَقُّ نَفْسِكَ أَنْ تَسْتَعْمِلَهَا بِطَاعَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛^۲ حقّ نفست این است که درطاعت خدا به کارش بندی».

عقل نیز بر انسان حقوقی دارد، از جمله اینکه قرآن دربسیاری از آیات، ما را به تفکر در آفرینش آسمان‌ها و زمین و آمد و شد شب و روز دعوت می‌کند و آن را از نشانه‌های خردمندان می‌شمارد و می‌فرماید:

«إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ؛^۳ همانا در آفرینش آسمان‌ها و زمین و آمد و شد شب و روز، برای خردمندان، نشانه‌هایی است».

ب) مسئولیت در برابر خانواده: ازدواج، مبادرت به یک خدمت مقدّس و تحمّل یک مسئولیت است. در این بنیاد مقدّس، هر یک از زن و مرد و همچنین فرزندان و پدر و

۱. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، ج ۳۴، ص ۴۴۷.

۲. صدوق، محمد، من لا یحضره الفقیه، ص ۴۵۹.

۳. سوره آل عمران، آیه ۱۹۰.

مادر، به طور متقابل، حقوقی بر یکدیگر دارند که این حقوق، مسئولیت‌هایی را برای طرف مقابل به وجود می‌آورد:

۱. حقوق زن بر شوهر: برخی از حقوق واجب و مستحب زن بر شوهر عبارتند از: تهیه لوازم زندگی، احترام به زن، آراسته و پاکیزه بودن شوهر، گشایش در زندگی و
 ۲. حقوق شوهر بر زن: برخی از این حقوق عبارتند از: اطاعت، تمکین، ترک نکردن خانه بدون اذن شوهر، عدم تصرف در اموال شوهر بدون اذن او، آراسته نکردن خویشان برای غیر شوهر، احترام به شوهر و خوشرفتاری با او، خدمت در خانه و
 ۳. حقوق پدر و مادر بر فرزند: برخی از این حقوق عبارتند از این که: فرزندان در همه حال از آنان تشکر کنند، در غیر معصیت خدا امر و نهی آنان را بپذیرند، در پنهان و آشکار خیرخواه آنان باشند، با آنها برخورد نیکو داشته باشند، نیاز آنان را قبل از این که بیان کنند برآورده سازند، باگفتار کریمانه با آنها سخن گویند، با دیده رأفت به آنها بنگرند و
 ۴. حقوق فرزند بر پدر و مادر: برخی از این حقوق عبارتند از: تعلیم حلال و حرام، تربیت دینی، انتخاب نام نیکو، حق اکرام، تحسین آداب، تأمین روزی پاک و حلال، فنون تیر اندازی و شنا، تزویج، حق کتابت و
 ۵. حق اقوام و خویشاوندان: مهم‌ترین حق اقوام و خویشاوندان، صله رحم است و چه بسا در ورای این حق عظیم، بسیاری از حقوق دیگر نیز رعایت شده و با عدم رعایت آن، بسیاری از حقوق، ضایع شود.
- ج) مسئولیت در برابر اجتماع: انسان موجودی اجتماعی است و در طول زندگی، ناگزیر از معاشرت با دیگران می‌باشد؛ در همین راستا دین مبین اسلام، وظایفی را برای افراد، نسبت به یکدیگر، تعیین کرده است که همان مسئولیت‌های اجتماعی می‌باشد.

موانع مسئولیت‌شناسی در خانواده

۱. شیوه تربیت استبدادی - که در آن والدین به نظر اعضای خانواده اهمیت نمی‌دهند و تنبیه در این شیوه رواج دارد - موجب می‌شود مهارت‌هایی مانند صله‌رحم، شرکت در فعالیت‌های اجتماعی و مسئولیت‌شناسی در اعضای خانواده کم‌رنگ بشود.

۲. سرزنش و نکوهش، عامل دیگری است که اعضای خانواده را خاطی می‌کند و موجب می‌شود که آتش لجبازی و عدم مسئولیت‌شناسی در آنها شعله‌ور گردد.
 ۳. عدم هماهنگی والدین، موجب می‌شود فرزندان نیز با دیگران روابط سردی داشته باشند؛ بنابراین روحیه ناسازگاری در فرزندان درونی شده و مسئولیت‌شناسی در قبال هم و روحیه تعاون آن‌ها دچار آسیب می‌شود.
 ۴. نداشتن تجربه گروهی بین اعضای خانواده موجب می‌شود روحیه همکاری و تعاون و اشتراک مساعی - که یکی از ابزارهای مهم مسئولیت‌شناسی است - در آنان رشد نکند.
 ۵. فقدان محبت در خانواده موجب می‌شود اعضا، در تعامل با جامعه دچار مشکل شوند و همواره فاصله خود را با دیگران حفظ کنند و از همکاری با آن‌ها اجتناب ورزد و این جزء رفتارهایی است که با روحیه مسئولیت‌شناسی و مشارکت‌جویی ناسازگار است.^۱
- ایده مهدویت عمدتاً ناظر به مقوله آینده‌نگری و تضمین سعادت نسل‌های آینده بشری می‌باشد. والدین و افرادی که مسئولیت افرادی را بر عهد دارند مبشر آینده‌ای روشن برای زیر مجموعه خود هستند؛ آینده‌ای زیبا با مؤلفه‌های عدالت، محبت، امنیت، تربیت و شکوفایی استعدادها. اندیشه مهدوی، یعنی احساس مسئولیت نسبت به انسان‌ها و دغدغه اصلاح بشریت داشتن، رنج بشریت را احساس نمودن و از قالب «من» در آمدن و به «ما» اندیشیدن و به عبارت ساده‌تر، اندیشه مهدوی یعنی طرحی جهانی برای شکوفایی انسانیت؛ بر این اساس ارتباطی تنگاتنگ بین فرهنگ و ایده مهدویت و انسجام، استحکام، اصالت و رسالت خانواده وجود دارد، زیرا یکی از مهم‌ترین اهداف خانواده مسئولیت‌پذیری نسبت به نسل آینده با تشکیل خانواده، تربیت نسل آینده، بسترسازی و ایجاد کانون پذیرایی برای نسل آینده همراه با سعادت، سلامت، عدالت، امنیت و دیانت است. در خانواده اساساً انسان از قالب تنگ «خودگرایی» درآمده و به دنیای بزرگ «دگرگرایی» پا

۱. رحیمی، عزیز الله، پرورش حس مسئولیت‌پذیری و مشارکت‌جویی در نوجوانان و جوانان، ص ۱۳.

می‌گذارد. کانون خانواده «من» پرور نیست، بلکه جمع محور و «ما» پرور است.^۱

شهید مطهری رحمه‌الله درخصوص این ویژگی و رسالت خانوادگی می‌فرمایند:

ازدواج و تشکیل خانواده تنها برای این نیست که زن و مرد از مصاحبت یکدیگر لذت بیشتری ببرند، ازدواج و تشکیل کانون خانوادگی ایجاد کانون پذیرایی نسل آینده است. سعادت نسل‌های آینده بستگی کامل دارد به وضع اجتماع خانوادگی. دست توانای خلقت برای ایجاد و بقاء و تربیت نسل‌های آینده، علایق نیرومند زن و شوهری را از یک طرف و علایق پدر و فرزندی را از طرف دیگر به وجود آورده است.^۲

تشکیل خانواده اولین مرحله خروج از خود طبیعی فردی و توسعه پیدا کردن شخصیت انسان است. بعد از ازدواج وقتی می‌خواهیم کار کنیم، برای من تنها نیست، آن «من» تبدیل به «ما» می‌شود به طوری که انسان به سرنوشت خانواده، بیش از سرنوشت خود علاقه‌مند است و رنج می‌برد تا آنها در آسایش باشند. این یک درجه از «خود» است.^۳

مسئولیت‌شناسی از چنان اهمیتی برخوردار است که در بسیاری از تفاسیر از امانت الهی، به همان تعهد و قبول مسئولیت یاد شده است و علت اینکه این امانت عظیم، به انسان سپرده شد این بود که او این قابلیت را داشت و می‌توانست ولایت الهی را پذیرا گردد؛ یعنی در جاده عبودیت و کمال به سوی معبود لایزال سیر کند؛^۴ چنان که خداوند در قرآن می‌فرماید:

﴿إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا﴾^۵ ما امانت را بر آسمانها و زمین و کوهها

۱. نیلی پور، مهدی، خانواده مهدوی، ص ۹۱.

۲. مطهری، مرتضی، اخلاق جنسی، ص ۳۵.

۳. همو، تعلیم و تربیت از نگاه اسلام، ص ۱۶۸.

۴. نیلی پور، مهدی، خانواده مهدوی، ص ۹۲.

۵. مکارم، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۴۰۹.

۶. سوره احزاب، آیه ۷۲.

عرضه داشتیم. آنها از حمل آن ابا کردند و از آن هراس داشتند؛ اما انسان، آن را بر دوش کشید، او بسیار ظالم و جاهل بود».

مسئولیت‌شناسی درلسان روایات نیز همواره از اهمیت بالایی برخوردار بوده است. امام علی علیه السلام آنچنان خود را در پیشگاه خدا مسئول می‌داند که حتی دربارہ آنچه می‌گوید وجود خویش را ضامن قرار داده و می‌فرماید: «ذِمَّتِي بِمَا أَقُولُ رَهْنَةً وَأَنَا بِهٍ زَعِيمٌ»^۱ عهده‌ام در گرو درستی سخنم قرار دارد و نسبت به آن ضامن و پایبندم». و همین احساس مسئولیت بود که ایشان را به قبول خلافت وادار کرد؛ چنانکه می‌فرمایند:

هان به خدایی که دانه را شکافت و انسان را به وجود آورد؛ اگر حضور حاضر و تمام بودن حجت بر من به خاطر وجود یاور نبود و اگر نبود عهده‌ی که خداوند از دانشمندان گرفته که در برابر شکمبارگی هیچ ستمگر و گرسنگی هیچ مظلومی سکوت ننمایند دهنه شتر خلافت را بر کوهانش می‌انداختم و پایان خلافت را با پیمانه خالی اولش سیراب می‌کردم. آنوقت می‌دیدید که ارزش دنیای شما نزد من از اخلاط دماغ بز کمتر است.^۲

امام علی علیه السلام بارها پیروان خود را به تقوا درقبال مسئولیتهایی که بر دوش گرفته‌اند سفارش کرده و حتی آنان را در مقابل زمین و حیوانات نیز مسئول دانسته و می‌فرماید:

إِتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَبِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّى عَنِ الْبِقَاعِ وَالْبَهَائِمِ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَلَا تَعْصُوهُ؛^۳ از خدا نسبت به بندگان و شهرهایش پروا کنید؛ زیرا دارای مسئولیت هستید، حتی نسبت به زمینها و حیوانات و خداوند را اطاعت کنید و از نافرمانی او بپرهیزید.

۱. سید رضی، نهج البلاغه، خطبه ۱۶.

۲. همان، خطبه ۳.

۳. همان، خطبه ۱۶۶.

۶. معرفی خانواده متعالی

خانواده به عنوان اولین کانونی که فرد در آن قرار می‌گیرد دارای اهمیت شایان توجهی است. چون اولین تأثیرات محیطی که فرد دریافت می‌کند از محیط خانواده است و حتی تأثیرپذیری فرد از سایر محیط‌ها می‌تواند نشأت گرفته از همین محیط خانواده باشد. خانواده، پایه‌گذار بخش مهمی از سرنوشت انسان است و در تعیین سبک و خط‌مشی زندگی آینده، اخلاق، سلامت و عملکرد فرد در آینده، نقش بزرگی بر عهده دارد؛ بنابراین لازم است خانواده‌ها با استفاده از آموزه‌های مهدوی از جمله «خداگرایی» و «ولی‌گرایی» که در مطالب پیشین نوشتیم، استفاده کرده تا بتوانند از تزلزل و سستی دوری کرده و به دنبال آن به تعالی در خداشناسی و اخلاقی رسیده و خانواده خود را به استحکام و تعالی برسانند.

خداوند در بیان مصادیق خانواده متعالی در قرآن کریم اغلب به ذکر خانواده پیامبران پرداخته است و از میان غیر پیامبران^۱ فقط به لقمان حکیم اشاره کرده است. شاید بتوان علت مسأله را این گونه عنوان کرد که اولاً؛ رهبر جامعه باید الگوی مناسبی برای عموم مردم باشد، چنانچه آیاتی نیز در این زمینه در مورد الگو بودن حضرت ابراهیم علیه السلام^۲ و حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم^۳ آمده است.

ثانیاً؛ می‌تواند تأکیدی بر این مطلب باشد که خانواده خوب در تصمیم‌گیری درست رهبر جامعه موثر و ضروری است؛ چنانکه در مورد فرزند نااهل حضرت نوح علیه السلام وجود

۱. در روایتی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در باره پیامبر بودن لقمان چنین آمده است: «روی عن نافع عن ابن عمر قال: سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم يقول: حقا أقول لم يكن لقمان نبيا و لكن كان عبدا كثير التفكير حسن اليقين أحب الله فأحبه و من عليه بالحكمة؛ به حق می‌گویم که لقمان پیامبر نبود، ولی بنده‌ای بود که بسیار فکر می‌کرد، ایمان و یقینش عالی بود، خدا را دوست می‌داشت و خدا نیز او را دوست داشت و نعمت حکمت بر او ارزانی فرمود» (قمی مشهدی، محمد، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۰، ص ۲۳۶).

۲. سوره ممتحنه، آیه ۴.

۳. سوره احزاب، آیه ۲۱.

فرزند باعث شد که نوح علیه السلام دعایی به درگاه خدا نماید که مستجاب نشود و خطاب آید که او اهل تو نیست.^۱

ثالثاً؛ می‌توان به این موضوع اشاره کرد که برای رسیدن به مقام‌های والای معنوی باید خانواده متعالی داشت یا اینکه می‌توان گفت حداقل وجود خانواده متعالی می‌تواند کمک بزرگی برای رسیدن به این اهداف متعالی باشد.

ذکر خانواده متعالی لقمان حکیم نیز بیان می‌کند که داشتن خانواده متعالی تنها منحصر به پیامبران نیست و سایر مردم نیز می‌توانند چنین خانواده‌هایی داشته باشند فارغ از اینکه زندگی ائمه معصومان علیهم السلام و به ویژه زندگانی علوی و فاطمی حضرت علی و حضرت زهرا و فرزندان رشید آنها نمونه‌هایی از مصادیق متعالی خانواده‌ها می‌باشند.

همچنین در قرآن کریم از برخی خانواده‌های ناهل در میان همسر و فرزندان پیامبران نیز سخن گفته شده است؛ نظیر فرزند نوح^۲ و زن لوط^۳ تا راه‌های برخورد با این خانواده‌ها را روشن نماید. همچنین دلیلی باشد برای همه مردم که وجود فرزندی ناهل یا زن ناشایست دلیل بر ضلالت فرد نمی‌تواند باشد و دلایل دیگری دارد که جای بحث فراوان می‌طلبد.

پس می‌توان گفت برای رسیدن به خداوند و شناخت امام به نحو احسن، تشکیل یک خانواده متعالی لازم و ضروری است و یک خانواده مهدوی هم می‌تواند با الگوگیری از خانواده‌های معرفی شده در قرآن و با استفاده از آموزه‌های مهدوی، یک خانواده متعالی با معیارهای مورد پسند امام زمان علیه السلام تشکیل دهد تا به تعالی رسیده و از تزلزل و سستی به دور بوده و به عنوان یک خانواده نمونه و متعالی برای جامعه و دیگر خانواده‌ها معرفی گردد تا آنان با الگوگیری از این خانواده متعالی به رشد و تعالی رسیده و از تزلزل و از هم پاشیدن جلوگیری کنند.

۱. سوره هود، آیه ۴۶.

۲. سوره هود، آیات ۴۲-۴۳.

۳. سوره تحریم، آیه ۱۰.

فصل سوم:

مؤلفه‌های هیجانی و عاطفی

اثرگذار مهدویت در تحکیم خانواده

۱. ارتباط قلبی با امام زمان علیه السلام
۲. امیدوار بودن به آینده
۳. دعا برای تعجیل فرج
۴. محبت به امام
۵. پرورش روحیه انتظار
۶. عزت‌مندی و عزیزپروری

مقدمه

انسان تنها موجودی است که دارای اختیار و تاثیر پذیری مثبت از محیط و اطرافیان است و هرگاه در مشکلاتی قرار گیرد با نیروی عقل می‌تواند راه درست را انتخاب کند، ولی همیشه اینگونه نیست. بسیاری از انسان‌های عاقلی که زمانی در شرایط بیرونی زندگی و در مکان‌های خاصی قرار می‌گیرند و به طور ناخودآگاه متاثر می‌شوند و در آن مکان و زمان متاثر شده تاثیر می‌گیرند، پس نمی‌توانند از تاثیر محیط فارغ شوند و ناخودآگاه محیط تاثیر خود را بر روی افراد خواهد گذاشت.

گفتنی است تاثیر عوامل بیرونی بر روی تمام انسان‌ها یکسان نیست؛ بسیاری از افرادی که در شرایط مشابه قرار می‌گیرند، ولی هر کدام عکس العمل متفاوتی از خود نشان می‌دهند که این موضوع بستگی به پایداری به ارزش‌ها و هنجارها، نوع تربیت، محیط، ویژگی‌های فردی و... دارد.

برای اینکه افراد در مکان‌های معنوی تاثیرات مثبتی بگیرند وظیفه خانواده‌ها است که با پیوند دادن و آشنا کردن آنان و گوشزد کردن دوستی و محبت حضرت، آنان را در جهت پیوند معنوی با امام زمان علیه السلام متعهد و پای‌بند به هنجارهای دینی گردانند و از هنجارشکنی و کجروی دست بردارند. خانواده مهدوی باید به خودسازی پردازد و معارف، ارزش‌ها و محبت ایشان را نشر داده و به دیگران بیاموزد تا مکتب اهل بیت، احیا شود. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا اجْتَرَّ مَوَدَّةَ النَّاسِ إِلَيْنَا فَحَدَّثَهُمْ بِمَا يَعْرِفُونَ وَ تَرَكَ مَا يَنْكُرُونَ؛^۱ خداوند رحمت کند بنده‌ای را که مودت مردم را به سوی ما کشاند و به آن‌چه می‌شناسند با آنان سخن بگوید و آن‌چه را منکرند واگذارد.

بنابراین، خانواده‌های مهدوی براساس شفقت بر بشر، احسان به خلق و مهرورزی و رعایت قوانین اجتماعی، به وحدت انسانی در سطح جهانی با انسان‌ها می‌اندیشند. آنان تکیه‌گاه مردمند و دیگران به ایشان امیدوارند. مردم برای حل معضلات فردی و اجتماعی خویش، به خانواده‌های مهدوی چشم امید دارند و به آنان اعتماد می‌کنند.

امام عسکری علیه السلام می‌فرماید:

أَوْلَى النَّاسِ بِالْمَحَبَّةِ مِنْهُمْ مَنْ أَمَلُوهُ؛^۲ سزاوارترین شخص به دوستی کسی است که مردم به او امید دارند.

از بین عوامل بی‌شمار بیرونی تاثیر گذار، به چند مورد اشاره می‌کنیم:

۱. ارتباط قلبی با امام زمان علیه السلام

یکی از وظایف خانواده‌ها در زمان غیبت امام زمان علیه السلام برقراری ارتباط بین خود و امامشان است.

حدیثی شریف در این مورد از امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه شریفه: «اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا»^۳ نقل شده که فرمودند:

اصْبِرُوا عَلَى أَذَاءِ الْفَرَايِضِ وَ صَابِرُوا عَذُوكُمْ وَ رَابِطُوا إِمَامَكُمْ الْمُنتَظَرُ؛^۴ در مقابل انجام واجبات صبور و شکیبا باشید و در مقابل دشمن پایدار و ثابت قدم و بین خود و امام زمان خود رابطه برقرار کنید.

این حدیث شریف و عقل هر انسانی حکم می‌کند که پیروان حضرت باید با امام خود

۱. صدوق، محمد، *الأمالی*، ص ۹۹.

۲. دیلمی، حسن بن محمد، *أعلام الدین فی صفات المؤمنین*، ص ۳۱۴.

۳. سوره آل عمران، آیه ۲۰۰.

۴. ابن ابی زینب، محمد، *غیبت نعمانی*، ص ۱۹۹.

ارتباط داشته باشند و بر خانواده‌ها لازم است در عصر غیبت یک پل ارتباطی بین خود و امام زمان خود برقرار کنند. ممکن است این پرسش پیش آید که این پل ارتباطی را چگونه و با چه عملی می‌توان برقرار کرد. در پاسخ به این پرسش به چند مورد از راه‌هایی که کمک می‌کند تا خانواده‌ها با امام ارتباط قلبی برقرار کنند، اشاره می‌کنیم.

اول. دعا

در مواقعی که به دعا سفارش شده و مخصوصاً بعد از نماز و هر وقتی که به یاد امام علیه السلام می‌افتند، برای سلامتی و فرج آن حضرت دعا کنند. چنانکه در مطالب پیشین عرض کردیم احادیث زیادی در مورد دعا برای فرج وجود دارد، زیرا فرج خانواده‌ها نیز در سایه فرج امام زمان انجام می‌گیرد. امام سجاد علیه السلام در بسیاری از دعاها و مناجات‌های خود، دعا به امام عصر علیه السلام را مورد توجه قرار داده است و از جمله در دعای روز عرفه از خداوند چنین درخواست می‌کند:

بار خدایا، به ولیّ خود الهام کن که شکر نعمتی را که به او ارزانی داشته‌ای به جای آرد و به ما نیز الهام ده که شکر نعمت هدایت او را به جای آریم و او را از جانب خود سلطه و توانایی ده و به آسانی راه پیروزی بر او بگشای و به نیرومندترین ارکان قدرت خود یاری‌اش فرمای و پشتش محکم و بازوانش را توانا گردان و زیر نظر مراقبت خویش قرار ده و در سایه حفظ خود حفظش کن و به ملایکه خود یاری‌اش ده و به شکر پیروزمند خود مددش رسان.^۱

نقش دعا

با توجه به روایت، می‌توان گفت با دعا کردن برای امام، می‌توان با ایشان ارتباط برقرار کرد و در اثر این دعا و ارتباط ایجاد شده برکاتی را نصیب خانواده کرد. شواهد نشان می‌دهد نقش دعا در سلامت روان افراد و خانواده‌ها را می‌توان در محورهای زیر طبقه‌بندی کرد:

۱. مفاتیح‌الجنان، دعای روز عرفه.

الف) رفع اضطراب؛

ب) رفع افسردگی؛

ج) رفع دیگر اختلال‌های روانی.

الف) رفع اضطراب

زندگی خانواده‌ها در جوامع کنونی، چنان می‌باشد که احساس سردرگمی، پوچی‌های ناشی از دور شدن از فطرت اصیل خویش، زندگی ماشینی و شیوع انواع انحراف‌های اخلاقی، خانواده‌ها را دچار مشکلات روحی و روانی کرده است. خانواده امروزی، چنان سرخورده و سرگردان است که همگان به گونه‌ای آن را احساس می‌کنند. در این شرایط، ضرورت به کارگیری دعا، نماز، عبادت و حضور در محافل و مکان‌های مذهبی به شدت احساس می‌شود.

اگر خانواده‌ها در هر شرایطی، از جمله موقعیت‌های دشوار زندگی با امام زمان علیه السلام از طریق دعا ارتباط قلبی داشته باشند، هرگز دچار سراسیمگی و نگرانی و اضطراب نخواهند شد. پژوهش‌های صورت گرفته نشان می‌دهد دعا در پیش‌گیری و کاهش اضطراب مؤثر است.^۱

ب) رفع افسردگی

بر اساس بررسی‌های انجام شده، دعا و نیایش در پیشگیری و درمان افسردگی نیز مؤثر است. افسردگی، امروزه شایع‌ترین اختلال روانی است که در همه جوامع و همه گروه‌های سنی دیده می‌شود. این اختلال بر جنبه‌های گوناگون زندگی مردم تأثیر می‌گذارد. تزلزل رفتاری، احساس خستگی، غمگینی، ناامیدی و احساس درماندگی، از نشانه‌های مهم افسردگی است.^۲

۱. فقیهی، علی نقی، *جوان و آرامش روان*، مجموعه مقالات، ص ۱۰۷.

۲. همان، ص ۱۹-۳۲.

ج) دیگر اختلال‌های روانی

پژوهش‌ها نشان داده است که برای درمان اسکیزوفرنی‌های حاد، حملات مانیک، موارد قصد خودکشی، واکنش مرگ، جامعه‌ستیزی و الکلیسم، درمان از راه دعا و نیایش در حد بسیار بالایی مؤثر است.^۱ ایدلر (۱۹۸۷) نیز در تحقیق بر روی ۲۸۱۱ فرد سال خورده، به این نتیجه رسید که افسردگی و دیگر اختلال‌های روانی مشابه، در میان کسانی که به کلیسا می‌رفتند و به عبادت و نیایش می‌پرداختند، کمتر بود.^۲

ارتباط میان دعا و تحکیم و تعالی خانواده

احساس آرامش حاصل شده از دعا باعث می‌شود خانواده‌ها، احساس امیدواری و امنیت و احساس نزدیکی به همدیگر نمایند و این احساس، حالتی خوشایند ایجاد می‌کند و خانواده در آن حالت، به آرامش جسمی و روحی می‌رسد. اما خانواده‌هایی که احساس ناامیدی و ناامنی می‌کنند، نامتعادلند و از بیرون و درون خود همواره احساس ناامنی، ترس و خطر می‌کنند (دل شوره و اضطراب دارند)، نمی‌توانند خانواده متعالی و سالمی باشند و در برابر مشکلات جزیی اضطراب و واکنش‌های نامعقولی نشان می‌دهند و در دنیای ذهنی خود مدام در حال دفع کردن خطرهای احتمالی هستند.

برای سلامت جسمی و روانی، احساس امید و امنیت، لازم و ضروری است. احساس ناامنی همیشگی، شخص و خانواده را در حال بسیج کردن مداوم نیرو و تلاطم و به هم ریختگی متابولیسم بدن قرار می‌دهد و ادامه چنین وضعیتی منجر به اختلال‌های روانی خواهد شد. به تصریح قرآن،^۳ اهل ایمان به برکت وجود ارتباط سازنده با پروردگار، در آرامش و امنیت روانی کامل به سر می‌برند.^۴ بنابراین، با دعا کردن برای امام که ارتباط

۱. حبیب‌وند، علی‌مراد، «رابطه جهت‌گیری مذهبی با اختلالات روانی و پیشرفت تحصیلی»، فصلنامه روان‌شناسی

و دین، مؤسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی (ره) ش ۳، ص ۶۵

۲. مایکل آرگایل، روان‌شناسی شادی، ص ۲۶۵-۲۶۶.

۳. سوره فتح، آیه ۴.

۴. شاملو، سعید، بهداشت روانی، ص ۹۰-۹۱.

قلبی با ایشان ایجاد می‌کند، می‌توان بر این ناامنی غلبه و به سلامت روحی و بهداشت روانی خانواده کمک کرد.

دوم. صدقه دادن از طرف امام علیه السلام

گاهی از طرف حضرت، صدقه بدهیم؛ چنان که برای سلامتی خود و خانواده خود صدقه می‌دهیم و بدین وسیله از برخی امراض و حوادث ناگوار در امان می‌مانیم. مرحوم حاج شیخ عباس قمی در کتاب خودش^۱ به وظایف بندگان در زمان غیبت پرداخته و از جمله آن وظایف، صدقه برای حفظ وجود مقدس آن حضرت و نیز حج به نیابت آن حضرت اشاره کرده و نوشته است: این عمل (حج نیابتی) انجام می‌گرفته و مورد تقدیر حضرتش واقع شده است.

سید اجل، علی بن طاووس به فرزندش چنین سفارش کرده است:

پس در پیروزی و وفاداری و تعلق خاطر و دلبستگی نسبت به آن حضرت علیه السلام به گونه‌ای باش که خداوند و رسول او صلی الله علیه و آله و پدران آن حضرت و خود او از تو می‌خواهند و (هنگامی که نماز حاجت به جای می‌آوری) حوائج آن بزرگوار را بر خواسته‌های خود مقدم بدار و صدقه دادن از سوی آن جناب را پیش از صدقه دادن از سوی خودت و عزیزانت قرار ده و دعا برای آن حضرت را مقدم بدار که سبب می‌شود به سوی تو توجه کند و به تو احسان نماید.^۲

در اثر توجه معنوی امام به سوی خانواده صدقه دهنده باعث خواهد شد این خانواده در این دنیای مدرن و صنعتی و بی‌خدایی از مسیر هدایت دور نشود و عوامل منفی که سبب اختلال، ناهنجاری و آفت برای خانواده‌ها است از ایشان دور گردد و همیشه این خانواده کانون گرم و مقدس خود را داشته باشد و به رشد و تعالی برسد و خود را از تزلزل حفظ کند.

۱. قمی، عباس، *منتهی الآمال*، فصل ششم، ص ۵۶۹.

۲. ابن طاووس، علی، *کشف المحجّة*، ص ۱۵۱-۱۵۲.

سوم. زیارت

هر زمانی که به یکی از مشاهد مشرفه و اماکن مقدسه می‌رویم، لااقل یک نوبت به نیابت از طرف امام عصر، داخل حرم شویم و اگر به مکه مشرف هستیم از طرف آن بزرگوار یک عمره و یا لااقل یک طواف انجام دهیم. بعضی از صاحبان ایمان و عاشقان امام زمان فردی را اجیر می‌کنند که از طرف حضرت مهدی علیه السلام به حج برود و مناسک را تماماً انجام دهند. این کارها که گاهی کوچک به نظر می‌آید، ارتباط روحی و باطنی ما را با امام عصر برقرار می‌سازد.^۱

به جا آوردن زیارت برای امام زمان علیه السلام مانند زیارت کردن سایر ائمه، به خانواده‌ها و زیارت کنندگانش، نوعی آرامش و اطمینان می‌بخشد. در این عصر که انسان را موجودی مضطرب می‌نامند و پیوسته دست به گریبان با پدیده‌هایی چون تردید، ناکامی، تشویش، ترس و ناسازگاری با محیط و زندگی ماشینی و محرومیت و جنگ و حتی کنار نیامدن با خود است و هر روز شاهد کاهش‌ها و فرسایش‌ها است و نمی‌تواند از اضطراب در امان بماند، این زیارت است که به خانواده‌ها آرامش خاطر می‌دهد و آنان را به امام نزدیک کرده و یک نوع ارتباط قلبی می‌دهد و از گسستگی و تزلزل نجات داده و آنان را در مسیر تعالی که در پیش گرفته‌اند به پیروزی می‌رساند.

چهارم. دوری از گناه

البته نباید تصور کرد به صرف اینکه در دل خود احساس علاقه نسبت به برقراری ارتباط با حضرت را حس کردیم، راه هموار شده و مراد به زودی حاصل خواهد شد، بلکه باید در این راه نهایت تلاش و کوشش را کرد تا رضایت خاطر آن حضرت به دست آید؛ زیرا قلب مبارک ایشان بارها و بارها از دست ما و اعمالمان شکسته است؛ لذا اولین قدم انجام واجبات الهی و پرهیز از محرمات است و قدم بعدی این است که در صدد جبران گناهان و انجام واجباتی که ترک کرده‌ایم باشیم، چون عدم دوری از گناه تاثیر مخربی بر

۱. اوسطی، حسین، دوازده گفتار درباره حضرت مهدی، ص ۱۹۸.

قلب می‌گذارد؛ یعنی مرکز ادراکی و اعتقادی انسان و جایگاه محبت الهی و جایگاهی که می‌خواهیم از آن طریق با امام زمان علیه السلام ارتباط برقرار کنیم تخریب و باعث می‌شود تا فرد به هیچ وجه نتواند با امام خود ارتباط قلبی داشته باشد و از این طریق از امام خود کمک گیرد.

آثار گناه بر قلب را می‌توان چنین بیان کرد:

۱. باعث فساد و سرنگون شدن قلب می‌گردد. استمرار بر گناه باعث ایجاد حالاتی در انسان می‌شود که منشأ این حالات، تحول و دگرگونی قلب است.

۲. باعث جبهه‌گیری در مقابل حق و اهل حقیقت و دفاع از باطل و اهل باطل است؛ گرچه نمی‌توان در همه افراد این حکم را جاری کرد، ولی گاهی دیده می‌شود که شخص گناه‌کار به امام معصوم و افعال وی اشکال دارد، اما از دشمنان وی دفاع می‌کند و بدتر از آن این که در قلبش، نسبت به دشمنان اهل بیت، محبت دارد! گاهی هم می‌فهمد و از این نوع محبت‌ها در قلبش به ترس می‌افتد، ولی نمی‌داند ریشه آن از کجاست و چه باید بکند؛ در اثر عدم درمان مشکل در بین اعضای خانواده دودسته‌گی و اختلاف با هم‌دیگر پیش خواهد آمد و این عمل منجر خواهد شد تا از هم جدا و به تزلزل پیش بروند.

پس یکی از راه‌هایی که می‌شود از آن طریق در زندگی به آرامش رسید و یک خانواده مستحکم از حیث روحی و روانی داشت همین ارتباط قلبی با امام است، پس لازم است در زمان غیبت خانواده‌های مهدوی از طریق دعا و زیارت کردن و دوری از گناه و کارهایی که امام را از آنان دور می‌کند پرهیزکنند تا ارتباط بین خود و امام خود را بیش از پیش مستحکم‌تر کنند و امام هم آنان را در رسیدن به اهدافی که در نظر دارند یاریشان فرمایند.

۲. امیدواری به آینده

نقش شگفت‌انگیز امید به آینده در سعادت و موفقیت فرد و خانواده بر کسی پوشیده نیست. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «اگر امید نبود مادری فرزند خود را شیر

نمی‌داد و کسی درختی نمی‌کاشت».^۱

امیدی که ما از آن گفت‌وگو می‌کنیم، امیدی را کد نیست که سکون را توصیه کند. در این‌جا امید به امامی پیوند می‌خورد که نور و تلاش و تحکیم و تعالی را به خانواده‌ها عرضه می‌کند. تشیع با ارایه اعتقادات خود به امام مهدی علیه السلام ابتکار عمل را در رفع این عطش انسانی به عهده گرفته است؛ یعنی، اعتقاد به رهبری امامی که آرمان‌های حقیقی انسان را لباس واقعیت می‌پوشاند.

قال الصادق علیه السلام :

مَنْ عَرَفَ هَذَا الْأَمْرَ فَقَدْ فُرِّجَ عَنْهُ لِإِنْتِظَارِهِ؛^۲ هر کس این مقصد را شناخته باشد برای او به واسطه انتظارش فرج حاصل شده است.

آری، آن‌چه در طول تاریخ تشیع، با آن همه دشمنی و توطئه و مکر و نیرنگ، رمز پایداری شیعه بوده است، چیزی جز امید به آینده نیست. گفتنی است اهل سنت نیز اعتقاد به حضرت مهدی علیه السلام دارند، اما اعتقاد به مهدی موجود با اعتقاد به یک مهدی که هر وقت خداوند بخواهد به دنیا می‌آید و در وقت مناسبی ظهور می‌کند، هرگز قابل مقایسه نیست.

وجود شریف امام عصر علیه السلام می‌فرمایند:

إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَ لِنَاسِئِنَ لَذِكْرِكُمْ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ الْأَلَوَاءُ وَ اصْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ؛^۳ ما هرگز شما را به حال خود رها نکرده‌ایم و هرگز شما را از یاد نبرده‌ایم و اگر نبود (عنایت پیوسته ما) حتماً سختی‌ها و بلاهای فراوانی به شما می‌رسید و دشمنان شما را نابود می‌کردند.

چه امیدی بالاتر از این که امام زمان علیه السلام ما را فراموش نمی‌کنند و چه شرمساری بالاتر از این که ما امامان را فراموش کنیم. اندیشه مهدی پر از پیام امید است و به بشر

۱. پاینده، ابوالقاسم، نهج النصاحه، ص ۱۸۹، کلمه ۹۳۶.

۲. کلینی، محمد، اصول کافی، ج ۲، ص ۱۹۸.

۳. طبرسی، احمد، احتجاج، ج ۲، ص ۳۲۳.

سرخورده امید می‌بخشد و می‌گوید روزی، یک مرد الهی، آن چه را آرزوی تو است، یقیناً، برآورده خواهد کرد.

یکی از ویژگی‌های خانواده‌های مهدوی و آنهایی که از آموزه‌های مهدوی در زندگی خود بهره می‌برند، امیدواری و نگرش مثبت به آینده است و امیدوار بودن به آینده باعث می‌شود تا خانواده‌ها توجه بیشتری به آینده داشته باشند چون که امید به آینده همزاد انسان است و اگر امید را از او بگیرند سرنوشتی جز سکون و مرگ و تزلزل نخواهد داشت. از همین رو در کلام پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله آمده است:

امید برای امت من مایه رحمت است و اگر امید نبود هیچ مادری فرزندش را شیر نمی‌داد و هیچ باغبانی درختی نمی‌کاشت.^۱

با پذیرش امید به آینده، خانواده‌ها از حالت امری محدود، سطحی و فردی خارج شده و تبدیل به یک امری گسترده، عمیق و اجتماعی می‌گردند و در راستای تعمیق و توسعه بخشیدن به گرایش درونی و فطری، خطاب به همه خانواده‌ها باید گفت:

اولاً؛ فقط منتظر بهبود وضعیت معنوی و مادی خود و اطرافیان نشده و تنها سعادت نزدیکان خود را طلب نکنند، بلکه این امید را نسبت به همه افراد جامعه گسترش دهند و چشم به امید روزی باشند که معنویت، عدالت و رفاه نه در شهر و دیار خود، بلکه در همه جهان گسترده شود.

ثانیاً؛ امید نباید متوجه امور ظاهری، سطحی و محدود زندگی گردد، بلکه باید امید را تعمیق بخشیده و چشم به راه آینده‌ای باشند که حقیقت و عدالت و معنویت مطلق در جهان حاکم شود.^۲

پس یکی از سازوکارهای حیات و زندگی متعالی امیدواری است. از نظر جهان‌بینی توحیدی، امید تحفه الهی است که چرخ زندگی را به گردش در می‌آورد و موتور تلاش و

۱. پاینده، ابوالقاسم، نهج‌النصاحه، ص ۱۸۹، کلمه ۹۳۶.

۲. شفیعی سروستانی، ابراهیم، «انسان موجود منتظر»، فصلنامه موعود، خرداد و تیر ۱۳۸۲، شماره ۳۸، ص ۳۲.

انگیزه را پرشتاب می‌کند. اگر روزی امید از انسان گرفته شود، دوران خمودگی و ایستایی او فرا می‌رسد. امیدوار بودن هنری است که باید همگان آن را فرا گیرند. مجموع باورهای شیعی، با استفاده از اندیشه مهدوی همواره با تفکرامید به آینده آمیخته شده است و در واقع، شیعیان در طول تاریخ پس از ائمه علیهم‌السلام و آغاز دوره غیبت کبرا، با الهام گرفتن از آموزه‌های مهدوی، چشم به راه آینده‌ای روشن بوده‌اند.

امیرالمومنین علیه‌السلام می‌فرماید:

اَنْتَظِرُوا الْفَرَجَ وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ اَنْتَظَارُ الْفَرَجِ الْآخِذُ بِأَمْرِنَا مَعَنَا غَدًا فِي حَظِيرَةِ الْقُدْسِ وَالْمُنْتَظَرُ لِأَمْرِنَا كَالْمُتَشَحِّطِ بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛^۱ منتظر فرج باشید و از آسایش خدا نومید نشوید، زیرا محبوبترین کارها در پیشگاه خدای عزوجل انتظار فرج است. عمل کننده به فرمان ما در بهشت با ما خواهد بود و کسی که منتظر فرج باشد همانند کسی است که در راه خدا به خون خود بتپد.

اینجاست که خانواده‌های مهدوی با آموزه‌های بسترسازی همچون آموزه «انتظار» بهتر از هر آیین و سنت دیگری می‌توانند امید پر برکت، سازنده، ایمان‌زا، جهت‌بخش، آرمان‌ساز، شورآور و مجاهدپرور ایجاد کنند. بهره‌مندی از آموزه‌های مهدوی در محیط خانواده باعث نگرش مثبت و امیدوارانه به آینده دور و نزدیک، لازمه سلامت روان و مانع ابتلا به ناامیدی و یاس است. مطلوب اندیشی در شرایطی که ابرهای تیره و تاریک بدبینی، افق تاریک و مبهمی را ترسیم می‌کند یک ضرورت است. اندیشه مهدویت، آینده درخشان و سعادت‌مندانه انسان‌ها را نوید داده است. خانواده‌های مهدوی با اعتقاد به مهدویت و انتظار صبح سپید، در افق‌های دور، نشانه‌های ساحل نجات می‌بینند و از فراگیری ظلم و ستم در جهان پر آشوب مأیوس نمی‌شوند.

قرآن، مهم‌ترین اثر و کارکرد امید در زندگی بشر را، آسان شدن سختی‌ها و تقویت روحیه انسان می‌داند. به این معنا که انسان برای هر عملی می‌بایست انگیزه‌ای داشته

باشد و هرچه کار سخت‌تر و دشوارتر باشد باید امید به بهره‌وری و بهره‌مندی نیز بیش‌تر باشد. امید، موجب می‌شود تا روحیه خانواده‌ها از نظر روحی و روانی تقویت شود و عاملی برای انجام کارهای سخت و دشوار گردد.

روحیه خانواده‌ها با امید به رسیدن به هدف تقویت می‌شود و در برابر سختی‌ها واکنش مثبتی از خود نشان می‌دهند و امیدوار می‌شوند تا با تحمل آن به مقصد خویش دست یابند. این بدان معنا نیست که خانواده‌ها قطعاً به هدف خویش می‌رسند، بلکه تنها امیدوار هستند که شاید به آن دست یابند؛ و همین، انگیزه‌ای می‌شود تا سختی‌های جانکاه را تحمل کنند.

در حقیقت امید به دستیابی اهدافی خاص موجب می‌شود تا خانواده‌ها دست به تلاش بزنند. اگر خانواده‌ای، امیدی به دست‌یابی نداشته باشد، هرگز به تلاشی دست نخواهد زد و کوششی برای رفع مشکلات از خود بروز نخواهد داد.^۱

آثار ناامیدی در فرد و خانواده

الف) آثار ناامیدی در فرد

۱. افتادن در فساد؛ ۲. احساس بیهودگی و پوچی؛ ۳. عدم توانایی اصلاح خویش؛ ۴. حل شدن در فساد محیط؛ ۵. کوری دل؛ ۶. مردن قلب؛ ۷. قساوت قلب؛ ۸. ناآرامی روحی.^۲

ب) آثار ناامیدی در خانواده

۱. فساد جامعه؛ ۲. تزلزل و سستی خانواده‌ها؛ ۳. دوری از مدینه فاضله. بنابراین، آموزه‌های مهدوی به خانواده‌ها می‌آموزد که معتقد به مصلح جهانی باشیم و این اعتقاد از نظر روانی برای جامعه بشری، ارزش عظیم و فراوان دارد؛ زیرا اگر ناامیدی و

۱. سوره یوسف، آیه ۸۷

۲. مکارم، ناصر، حکومت جهانی مهدی، ص ۱۰۵.

یاس، در خانواده‌ای زنده شود، سعادت و خوشبختی آن خانواده در معرض سقوط حتمی قرار خواهد گرفت و خانواده هر چه سریع‌تر به تزلزل و از هم گسستگی پیش خواهد رفت.

۳. دعا برای تعجیل فرج

مرحوم ابن فهد حلی در تعریف دعا می‌گوید:

الدعاء طلب الدانی للفعل من الاعلی جهة الخضوع والاستكانة؛^۱ دعا درخواست کاری از مقام عالی در حال خشوع و خضوع است.

دعا از ماده «دعو» به این معنا نیز آمده است:

الرغبة الى الله تعالى فيما عنده من الغير والابتهاال اليه بالسؤال؛^۲ دعا درخواست متواضعانه از خداوند متعال برای رسیدن به خیر و نیکی است.

طبق این تعریف، دعا در لغت به معنای خواندن و دعوت است. اهتمام به دعا در اندیشه اسلامی نشان می‌دهد دعا در معرفت‌زایی و پرورش بصیرت فرد، خانواده و جامعه، نقش بسیار زیادی دارد. از دیگر سو، اندیشه‌های مهدویت از معدود آموزه‌هایی است که مورد عنایت همه اهل بیت علیهم‌السلام واقع شده و بر انس و الفت و اهتمام به ادعیه، به خصوص دعا برای تعجیل فرج تأکید داشته‌اند.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند:

برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید؛ پس به درستی که این دعا موجب فرج شما است.^۳

در اینکه چگونه دعای فرج موجب گشایش کار مردم می‌شود، دو احتمال دارد:

اولاً؛ دعا موجب تعجیل ظهور می‌شود و بدین وسیله در کار مردم گشایش می‌آفریند.

ثانیاً؛ دعا برای فرج، موجب می‌شود که امام زمان علیه‌السلام نیز برای آنان دعا کند و بدین

وسیله گره از کار خانواده‌ها بگشاید.

۱. حلی، احمد بن فهد، *عده الداعی*، ص ۹.

۲. واسطی زبیدی، محمد مرتضی الحسینی، *تاج العروس*، ج ۱۹، ص ۴۰۵.

۳. ابن بابویه، محمد بن علی، *کمال الدین و تمام النعمة*، ج ۲، ص ۴۸۵.

آثار دعا برای امام در خانواده‌ها

ثمرات و فایده‌های مهمی در دعای تعجیل فرج مولی صاحب الزمان علیه السلام برای خانواده‌های دعاکننده مترتب است که ما در اینجا به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. تقرب به خداوند؛ ۲. زیاد شدن نعمت؛ ۳. اظهار محبت قلبی؛ ۴. نشانه انتظار؛ ۵. زنده کردن امر ائمه اطهار؛ ۶. رنجش و وحشت شیطان؛ ۷. نجات از فتنه‌های آخرالزمان و ایمنی از دام‌های شیطان؛ ۸. ادا کردن بعضی از حقوق آن حضرت علیه السلام؛ ۹. دعا کردن امام علیه السلام در حق او؛ ۱۰. رستگاری به شفاعت آن حضرت علیه السلام در قیامت؛ ۱۱. رستگاری به شفاعت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله؛ ۱۲. عمل به فرموده امام علیه السلام در توقیع؛ ۱۳. مستجاب شدن دعا؛ ۱۴. ادای اجر رسالت پیغمبر صلی الله علیه و آله؛ ۱۵. دفع بلا؛ ۱۶. وسعت روزی؛ ۱۷. آمرزش گناهان؛ ۱۸. مبدل شدن سیئات به حسنات؛ ۱۹. تشرّف به دیدار آن حضرت علیه السلام در بیداری یا خواب؛ ۲۰. بازگشت به دنیا در زمان ظهور؛ ۲۱. برادری پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله؛ ۲۲. تعجیل در امر فرج صاحب الزمان علیه السلام؛ ۲۳. پیروی از پیغمبران و امامان علیهم السلام؛ ۲۴. وفا به عهد الهی؛ ۲۵. آثار نیکی به والدین برای دعا کننده؛ ۲۶. رعایت و ادای امانت؛ ۲۷. اشراق نور امام علیه السلام در دل دعا کننده؛ ۲۸. مایه طول عمر؛ ۲۹. تعاون در نیکی‌ها و تقوا؛ ۳۰. یاری خداوند متعال؛ ۳۱. هدایت به نور قرآن مجید؛ ۳۲. شناخته شدن نزد اصحاب اعراف؛ ۳۳. ایمنی از عقوبت‌های اخروی؛ ۳۴. بشارت و مدارا هنگام مرگ؛ ۳۵. محبوب‌ترین خلائق نزد خداوند؛ ۳۶. گرامی‌ترین خلائق نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله؛ ۳۷. داخل شدن به بهشت به ضمانت رسول خدا صلی الله علیه و آله؛ ۴۰. دفع عقوبت از اهل زمین؛ ۴۱. ثواب خونخواهی امام حسین علیه السلام؛ ۴۲. اطاعت اولی الامر و...^۱

در این قسمت به توضیح مختصر بعضی از آثار دعا بر امام زمان علیه السلام که برای خانواده‌ها دارد می‌پردازیم:

۱. موسوی اصفهانی، محمد تقی، مکّیال المکارم، ص ۴۱۵-۴۱۹.

الف) تقرب به خداوند

خدا فرمان داده که به سوی او وسیله گرفته شود؛ آن‌جا که فرموده: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾^۱ ای کسانی که ایمان آورده اید تقوای الهی پیشه کنید و به سوی او وسیله بگیرید و در راه او جهاد کنید باشد که رستگار شوید.

در این آیه سه چیز سبب رستگاری و نجات معرفی شده که هر سه در دعا برای حضرت صاحب‌الزمان علیه السلام جمع است؛ زیرا اولین مراتب تقوا ایمان است و بدون تردید دعا برای آن حضرت نشانه ایمان و سبب کمال آن است و نیز از اقسام جهاد با زبان است، همچنین وسیله به سوی پروردگار رحمان می‌باشد.^۲

ب) بی حساب داخل بهشت شدن

از آثار دعای بر فرج امام زمان علیه السلام بی حساب داخل بهشت شدن است. امام صادق علیه السلام به عبدالله بن جندب فرمود:

پس باقی نمی ماند احدی از کسانی که مؤمنی از دوستان ما را با یک کلمه کمک کرده باشد مگر این که خداوند او را بدون حساب داخل بهشت گرداند.^۳
دعا هم از جمله اقسام یاری کردن به زبان است؛ بنابراین دعا برای تعجیل فرج مولای ما صاحب‌الزمان علیه السلام در کامل ترین افراد این عنوان داخل می‌باشد.^۴

ج) مشمول دعای رسول خدا شدن

از آثار دیگر دعای بر فرج امام زمان علیه السلام مشمول دعای رسول خدا شدن است. در احتجاج آمده که رسول اکرم صلی الله علیه و آله پس از یاد کردن ائمه اطهار علیهم السلام دست‌های خود را به دعا برداشت و گفت: «خدایا! دوست بدار هر کس خلفای مرا دوست بدارد و ولای امامان امتم را پس از من داشته باشد و دشمن بدار هر آن که با آن‌ها دشمنی کند و هر که آن‌ها را

۱. سورة مائده، آیه ۳۵.

۲. موسوی اصفهانی، محمد تقی، مکیال المکارم، ص ۴۲۰.

۳. بحرانی، حسن بن علی، تحف العقول، ص ۲۲۶.

۴. موسوی اصفهانی، محمد تقی، مکیال المکارم، ص ۴۲۰.

یاری کند یاری‌اش کن و هر کس خواریشان را بخواهد خوارش گردان»^۱ و بدون شک دعا برای مولی صاحب الزمان علیه السلام موالات و یاری آن حضرت و تمام امامان بر حق است و چنین کسی مشمول دعای خیر رسول خدا صلی الله علیه و آله قرار می‌گیرد.

د) تعاون در نیکی‌ها و تقوا

دعا کردن برای تعجیل فرج حضرت قائم علیه السلام کمک و تعاون بر نیکی و تقوا است که خداوند متعال به آن امر فرموده است: «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى»^۲ در نیکی و تقوا یکدیگر را یاری کنید.

ه) دعا کردن امام علیه السلام در حق او

امام زمان علیه السلام در نامه‌ای به شیخ مفید می‌فرماید:

ما پشت سر مومنان شایسته کردار، یا نیایش و دعایی که از فرمانروای آسمان‌های دوستانمان پوشیده نمی‌ماند، آنان را حفاظت و نگه‌داری می‌کنیم. بنابر این، قلب‌های دوستانمان با دعای ما به بارگاه الهی، آرامش و اطمینان یابد و با کفایت آن آسوده خاطر گردند، گرچه درگیری‌های هراس‌انگیز، آنان را به دلهره افکند.^۳

اکنون باید گفت، بی‌تردید دعا برای تعجیل فرج مولایمان صاحب الزمان علیه السلام از والاترین وسایلی است که خانواده‌ها را به خداوند متعال نزدیک و در مسیر خداپرستی قرار داده و آنان را رستگار و بهره‌مند از نعمت‌های دنیا نموده است و باعث می‌شود در اثر تقرب به خداوند ایمانشان کامل و نسبت به آینده امیدوارتر و از افتادن در فتنه‌های آخرالزمان و دام شیطان خود را حفظ کنند و این کار موجب تقویت و تحکیم آنان در مسیر زندگی شود.^۴

۴. محبت به امام

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

طُوبَى لِشِيعَتِنَا الْمُتَمَسِّكِينَ بِحُبِّنَا فِي غِيَبَةِ قَائِمِنَا الثَّابِتِينَ عَلَى مُوَالَاتِنَا وَ الْبِرَاءَةِ مِنْ

۱. طبرسی، احمد بن علی، احتجاج، ج ۱، ص ۹۸.

۲. سوره مائده، آیه ۲.

۳. طبرسی، احمد بن علی، احتجاج، ج ۲، ص ۵۹۶.

۴. موسوی اصفهانی، محمد تقی، مکیال المکارم، ص ۴۲۱.

أَعْدَائِنَا أَوْلِيكَ مِنَّا وَ نَحْنُ مِنْهُمْ قَدْ رَضُوا بِنَا أَيْمَةً وَ رَضِينَا بِهِمْ شِيعَةً وَ طُوبَى لَهُمْ هُمْ وَ اللَّهُ مَعَنَا فِي دَرَجَتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛^۱ خوشا به حال شیعیان ما که در غیبت قائم ما بر محبت و ولایت ما و بیزاری از دشمنان ما پایدار ماندند، آنها از ما و ما از آنها ایم و همانا آنان امامت ما را پذیرفته‌اند، ما هم آنها را به عنوان شیعیان خود پذیرفته‌ایم. خوشا به حال آنها، آنها به خدا قسم در درجه ما و در کنار ما روز قیامت‌اند.

محبت و عشق نسبت به امام زمان علیه السلام و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام خالی از لطف نیست و این عشق به امام تنها از نوع ارتباط هادی و هدایت شونده نیست، بلکه ارتباط با امام زمان از جنس محبت، مودت و عشق‌ورزی است. خداوند نیز بر این مسأله تأکید داشته و مودت و محبت اهل بیت و حضرت مهدی علیه السلام را بر همگان واجب نموده و اجر رسالت نبی اکرم معرفی می‌نماید و می‌فرماید: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»؛^۲ بگو که برای رسالتم اجری نمی‌خواهم مگر مودت و دوستی خاندانم.

دوستی و علاقه به اهل بیت علیهم السلام و امام زمان علیه السلام به عنوان اجر رسالت، نه منفعتی برای پیامبر دارد و نه بهره‌ای را نصیب امام زمان و اهل بیت علیهم السلام می‌سازد، بلکه تنها به نفع ایمان آورندگان است و بهره‌های بی پایان برای آنان در دنیا و آخرت به همراه دارد: «قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ»؛^۳ بگو هر اجر و پاداشی از شما خواسته‌ام برای خود شماس.

گرچه به ملاک توحید در محبت، دوستی بالأصالة از آن خداوند متعال است؛ زیرا همه خوبی‌ها به او بازمی‌گردد، ولی پیامبر و اهل بیت او علیهم السلام را به خاطر خدا باید دوست داشته باشیم. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

أَحِبُّوا اللَّهَ لِمَا يَغْذُوكُمْ بِهِ مِنْ نِعَمِهِ وَ أَحِبُّونِي لِحُبِّ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَحِبُّوا أَهْلَ بَيْتِي لِحُبِّي؛^۴ خداوند را از آن جهت دوست بدارید که به شما روزی می‌دهد و مرا به خاطر خدا دوست بدارید و اهل‌بیتم را به خاطر من دوست داشته باشید.

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۱.

۲. سوره شوری، آیه ۲۳.

۳. سوره سباء، آیه ۳۷.

۴. صدوق، محمد، الامالی، ص ۳۶۴.

از جمله اهل بیت پیامبر ﷺ امام زمان ﷺ است. در حدیثی از امام رضا ﷺ از پدرانش از امام علی ﷺ نقل شده که حضرت فرمود:

قال لي أخى رسول الله ﷺ: «وَمَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ وَهُوَ مِنَ الْفَائِزِينَ فَلْيَتَوَلَّ الْحَسْنَ الْعَسْكَرِيَّ وَمَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ وَقَدْ كَمَلَ إِيْمَانُهُ وَحَسُنَ إِسْلَامُهُ فَلْيَتَوَلَّ الْحُجَّةَ صَاحِبَ الزَّمَانِ الْمُتَنَزِّلَ...»^۱ برادرم رسول خدا به من فرمود: و کسی که دوست دارد خدا را ملاقات کند در حالی که ایمانش کامل و اسلامش نیکوست؛ پس باید تحت ولایت حجت صاحب الزمان قرار گرفته و او را دوست بدارد....

در حقیقت همین مودت‌ها و محبت‌ها و علاقه و ارتباطهای روحی و معنوی است که راه سیر به سوی خدا را فراهم می‌آورد و سلوک خانواده‌ها را در راستای اراده حق شکل می‌دهد. «قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا»^۲ بگو من از میان شما این اجر رسالت را نمی‌طلبم، مگر از آن کسان که بخواهند راهی به سوی پروردگار خویش بیابند.

با محبت‌های امام زمان ﷺ است که زمینه‌های اطاعت از او فراهم می‌آید و با اطاعت از او است که راه کمال خانواده‌ها به سوی خدا هموار می‌شود. نه تنها دوستی و محبت حضرت ولی عصر تکلیف و وظیفه است که دوستی با دوستانش و دشمنی با دشمنانش نیز در همان راستاست و دشمنی با دوستان آن حضرت و دوستی با دشمنانش در جهت دشمنی با آن بزرگوار است. رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمُ أَهْلِ بَيْتِي وَهُوَ يَأْتُمُ فِي غَيْبَتِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ وَ يَتَوَلَّى أَوْلِيَاءَهُ وَيَعَادِي أَعْدَاءَهُ^۳ خوشا به حال کسی که «قائم اهل بیت» مرا درک کند در حالی که در زمان غیبتش و قبل از قیامش اقتدای به او نموده و دوست بدارد دوستانش را و دشمنی کند با دشمنانش.

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۲۹۶، ح ۱۲۵.

۲. سوره فرقان، آیه ۵۷.

۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۲، ح ۱۴.

محبت، اساس و پایه دین، بلکه مساوی دین است. دین خدا جز با تکیه بر محبت و ولایت اهل بیت علیهم السلام استقرار نمی‌یابد، تا آنجا که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ؟^۱ آیا دین چیزی غیر از محبت است؟».

دین در جهان به نوعی انتظار جهانی شدن محبت و ولایت امام زمان علیه السلام است و شاید به همین خاطر باشد که امام زمان علیه السلام می‌فرماید:

فَيَعْمَلُ كُلُّ امْرِئٍ مِنْكُمْ بِمَا يَقْرُبُ بِهِ مِنْ مُحِبَّتِنَا؛^۲ هر یک از شما باید به آنچه که او را به مقام محبت ما نزدیک می‌کند عمل نماید.

دل‌بستگی و محبت به امام گرچه از نظر روانی در اختیار ما نیست، ولی شرایط و مقدماتی که سبب تحقق آن امر غیر اختیاری است تحت اراده ماست. اگر ما واقعاً در حق امام معرفت پیدا کنیم و ارزش راستین وی را درک نماییم قطعاً دوستدار وی خواهیم شد و نمی‌توانیم نسبت به او که در سعادت ابدی ما سهیم بوده است بی‌تفاوت باشیم.

محمد بن فضیل گوید: از امام رضا علیه السلام معنای آیه زیر را پرسیدم: «بگو: به فضل و رحمت خداست که (مؤمنان) باید شاد شوند و این از هر چه گرد می‌آورند بهتر است».^۳ حضرت فرمود: «به دوستی پیامبر و خاندان او باید شادمان باشند که آن بهتر است از دنیایی که آن‌ها جمع کنند».^۴ همچنین فرمود: جذم رسول خدا فرموده است:

هر کس دوست می‌دارد به دین من دست یازیده و پس از من بر کشتی نجات سوار بشود، باید که به حضرت علی علیه السلام اقتدا کند و با دشمنش دشمنی نماید و با دوست او پیوند دوستانه برقرار کند، زیرا که او وصی من و جانشینم بر امتم در زندگانی و پس از وفاتم می‌باشد و اوست امیر (امام) هر مسلمان و امیر هر مؤمن بعد از من؛ گفته‌اش گفته من و امرش امر من و نهی او نهی من است و پیرو او پیرو من و یاری کننده‌اش اش یاور من و خوار کننده‌اش خوار کننده من است.

۱. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج ۱، ص ۵۰۳.

۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵، حدیث ۷.

۳. سوره یونس، آیه ۵۸.

۴. کلینی، محمد، اصول کافی، کتاب الحجّه، حدیث ۵۵.

سپس رسول خدا ﷺ فرمود:

هر کس بعد از من از علی جدا شود روز قیامت مرا نخواهد دید؛ من نیز او را نخواهم دید و هر که با علی علیه السلام مخالفت کند، خداوند بهشت را بر وی حرام نماید و عاقبتش را جهنم قرار دهد (و بد جایگاهی است) و هر آن که حضرت علی را خوار نماید، خداوند او را خوار سازد، روزی که او بر خداوند عرضه شود. و هر کس علی را نصرت دهد خداوند او را نصرت نماید، روزی که او را ملاقات کند و به هنگام سؤال و جواب دلیلش را به وی تلقین نماید.

آن گاه آن حضرت فرمود:

(و) امام حسن و امام حسین دو امام امت من بعد از پدرشانند. دو سید جوانان اهل بهشت و مادرشان بهترین زنان عالمیان، نهمین‌شان قائم علیه السلام از فرزندان من است. اطاعتشان اطاعت از من است و معصیتشان معصیت من می‌باشد، به خداوند شکوه می‌کنم از منکران فضیلت ایشان و تضييع کنندگان حق (حرمت) آنان. پس از من و خداوند بس است که ولی و یاور عترت من و امامان امتم باشد و از منکران حق ایشان انتقام کشد.^۱

امام رضا علیه السلام از جد بزرگوارش علی علیه السلام نقل کرده که فرمود:

هر که دوست دارد، خدای را ملاقات کند در حالی که ایمانش کامل و اسلامش نیکو باشد، محبت حجت صاحب الزمان را پیشه خود قرار دهد که او و دیگر پیشوایان، چراغ‌های روشن در تاریکی‌های زندگی و امامان هدایت و نشانه‌های تقوایند. هر کس آنان را دوست بدارد ولایتشان را دارا شود، برای او از خدای تعالی ضمانت بهشت می‌کنم.^۲

آنچه در مورد تحصیل محبت به اهل بیت حائز اهمیت می‌باشد این است که باید زمینه‌ها و بستر پیدایش و پرورش گوهر محبت اهل بیت را در محیط خانواده خود فراهم نمائیم و زنگارهای جدایی و دوری از خاندان نور را از چهره فطرت الهی خود پاک کنیم و با

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۶۰.

۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۲۹۶.

تلاش در جهت کسب بصیرت و معرفت بیشتر، محبت ایشان را تا قلّه‌های عشق بالا بکشیم تا ان شاء الله سرانجام خود را در زمره عاشقان و محبتین حقیقی اهل بیت بیابیم. نکته دیگر این است که تلاش خانواده‌ها در مسیر کسب عشق و محبت واقعی به امام زمان علیه السلام خانواده‌ها را محبوب آن حضرت می‌کند و در واقع اهل بیت دوستداران خود را دوست دارند و دلسوز آنها هستند. محبت یک خانواده به امامش محبت طرفینی است و می‌دانیم که برکات لطف و محبتی که از جانب امام زمان ابراز می‌گردد، انکار ناشدنی است.

۵. پرورش روحیه انتظار

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

طُوبَى لِلصَّابِرِينَ فِي غَيْبَةِ طُوبَى لِلْمُقِيمِينَ عَلَى مَحَبَّتِهِمْ؛^۱ خوشا به حال صبر کنندگان در ایام غیبتش، خوشا به حال پایداران بر دوستی آنها.

همچنین از امام جواد علیه السلام نقل شده است که فرمودند:

إِنَّ الْقَائِمَ مِنَّا هُوَ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَجِبُ أَنْ يُنْتَظَرَ فِي غَيْبَتِهِ؛^۲ همانا قیام کننده از ما (اهل بیت) علیه السلام همان مهدی علیه السلام است که انتظار او در (زمان) غیبتش واجب است.

تعبیر وجوب، در فرمایش حضرت جواد علیه السلام نشان دهنده ضرورت روحیه انتظار در زمان غیبت امام علیه السلام می‌باشد؛ اما اشکالی که مطرح می‌شود این است: مگر روحیه و حالت انتظار یک حالت اختیاری است که بتواند متعلق وجوب قرار گیرد؟ آیا اساساً امر به انتظار داشتن صحیح است؟ هر کس حال انتظار را در خودش وجدان کرده باشد، تصدیق می‌کند و این حال بدون وجود مقدماتش در انسان ایجاد نمی‌شود و اگر مقدمات آن به طور کامل موجود شود، «انتظار» قهراً حاصل می‌شود و نیاز به امر و دستوری در مورد آن نیست؛ بنابراین می‌توان گفت: اصل روحیه انتظار داشتن بسان افعالی چون خوردن و آشامیدن، اختیاری انسان نیست و اگر کسی طالب ایجاد این روحیه باشد، باید مقدمات آن را در

۱. همان، ص ۳۰۶.

۲. ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۷۷، باب ۳۶، ح ۱.

خودش فراهم کند و در صورت تحقق آن مقدمات، روحیه انتظار خودبخود به وجود می‌آید؛ پس امر به انتظار و وجوب آن، در حقیقت به ایجاد آن مقدمات برمی‌گردد.

البته انتظار دارای شدت و ضعف می‌باشد و هر درجه‌ای از آن، مقدمات خاص خود را دارد. پایین‌ترین درجه انتظار وقتی است که انسان احتمال وقوع چیزی را بدهد. شدت انتظار بستگی به قوت این احتمال دارد. احتمال بالاتر، انتظار قوی‌تری را موجب می‌گردد و قوت انتظار منشأ پیدایش آثاری همچون آینده‌نگری، امید، عزتمندی، تعالی و ... در خانواده منتظر می‌شود که این آثار در مراتب پایین‌تر انتظار به چشم نمی‌خورد.

بر این اساس، مقدماتی که روحیه انتظار را در خانواده منتظر به درجه قابل توجه و مؤثری می‌رساند، در چهار عامل خلاصه می‌کنیم:

۱. یقین داشتن به وقوع چیزی؛ ۲. نزدیک دانستن وقوع آن چیز؛ ۳. دوست داشتن آن وضعیتی که به وقوع آن علم دارد؛ ۴. دوست داشتن آن کسی که خبر از آمدنش داده‌اند. اگر این چهار عامل در مورد وقوع چیزی موجود باشد، قهراً و قطعاً انتظار وقوع آن هم قابل توجه خواهد بود و هیچ نیازی به دستور نسبت به آن نیست. به خانواده‌ای که این مقدمات برایش حاصل شده، لازم نیست گفته شود که: «منتظر باش!»، چون او قطعاً منتظر هست. حتی نمی‌توان گفت: «منتظر نباش!»، زیرا با وجود این عوامل، او نمی‌تواند منتظر نباشد. در مورد انتظار ظهور امام عصر علیه السلام هم مطلب از همین قرار است. برای آنکه روحیه انتظار ایشان در کسی پیدا شود، باید مقدماتش فراهم شود؛ اگر مقدمات محقق باشد، انتظار هم هست و نیازی به امر نسبت به آن نیست و اگر آن مقدمات نباشد، انتظار حاصل شدنی نیست. مهم‌ترین این مقدمات همان چهار عامل مذکور است:

اول، یقین به ظهور حضرت: هر قدر علم و یقین خانواده‌ای به ظهور امام علیه السلام بیشتر و عمیق‌تر باشد، روحیه انتظارش نسبت به آن بیشتر است و اگر خدای ناکرده شک و تردیدی در اصل وقوع آن داشته باشد، یا اعتقادش به آن سست و ضعیف باشد، انتظارش هم به همان اندازه کم و ضعیف و سست خواهد بود و چه بسا به صفر برسد. یقین قوی و محکم در این مسأله رابطه مستقیم با ایمان و اعتقاد شخص به وعده قرآن و سنت دارد و هر قدر

این ایمان و اعتقاد راسخ‌تر و عمیق‌تر شود، خودبخود روحیه انتظارش نسبت به وقوع آن هم شدیدتر خواهد شد.

دوم، نزدیک دانستن امر ظهور: ممکن است خانواده‌ای به اصل ظهور حضرت یقین داشته باشد، ولی وقوع آن را در آینده‌ای دور ببیند؛ در این صورت انتظارش نسبت به آن سست و ضعیف می‌شود، ولی اگر آن‌چنان که در احادیث اهل بیت علیهم‌السلام آمده است، امر ظهور را دور نپنداریم، بلکه آن را نزدیک ببینیم، آنگاه روحیه انتظار خانواده‌ها نسبت به آن شدیدتر می‌گردد. اینکه فرموده‌اند: «إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيداً وَ يَرَاهُ قَرِيباً»^۱ آنها (کافران و ناباوران) ظهور امام علیه‌السلام را دور می‌بینند، ولی ما آن را نزدیک می‌بینیم. چنین اعتقادی خودبخود روحیه انتظار را در خانواده منتظر بالاتر می‌برد. البته نزدیک دانستن ظهور با «استعجال» که در روایات مذمت شده کاملاً متفاوت است و لازمه آن پیشگویی در مورد زمان ظهور هم نیست.^۲

سوم، دوست داشتن ظهور امام علیه‌السلام: خانواده‌ای که صددرد به ظهور امام زمان علیه‌السلام معتقد است و وقوع آن را هم نزدیک می‌بیند، هر قدر آن وضعیت موعود را بیشتر دوست بدارد، انتظارش نسبت به آن بیشتر خواهد بود؛ و اگر آن را خوش نداشته باشد، روحیه-انتظارش ضعیف و سست می‌شود. این دوست داشتن تنها زمانی به وجود می‌آید که خانواده‌ها با استفاده از آموزه‌های حضرت بنای فکری و ایمانی خود را تقویت کرده باشند و تصویر روشنی از زمان ظهور حضرت داشته باشند تا اینکه نه تنها از آن ترسند بلکه برای وقوعش لحظه شماری کنند. اعتقاد و باور محکم نسبت به این بشارت‌ها، خودبه‌خود روحیه انتظار خانواده‌ها را نسبت به ایشان بالاتر می‌برد.

چهارم، دوست داشتن خود امام عصر علیه‌السلام: هر خانواده‌ای که آشنایی، محبت و علاقه-اش به امام زمان علیه‌السلام بیشتر باشد، ظهور ایشان را بیشتر دوست می‌دارد و قهراً انتظارش

۱. کلینی، محمد، اصول کافی، ج ۸، ص ۲۹۵.

۲. توضیح بیشتر در این زمینه را می‌توانید در کتاب ابراهیم شفیع سروستانی «معرفت امام عصر (عج) و تکلیف منتظران» صفحات ۲۷۴ تا ۲۷۶ ملاحظه کنید.

نسبت به قدوم ایشان بیشتر و قویتر خواهد بود.

با وجود این چهار عامل، روحیه‌انتظار نسبت به ظهور امام علیه السلام خودبه‌خود به وجود می‌آید و در صورت نبود یا ضعف این عوامل، روحیه انتظار هم ضعیف و کم‌اثر می‌شود. هرچه این مقدمات قویتر باشد روحیه انتظار هم شدیدتر می‌شود. خانواده‌های مهدوی، حیات و بالندگی خود را مدیون آن روحیه انتظار منجی می‌دانند، با آن زندگی و رشد می‌کنند، نفس می‌کشند، امید و آرزو و رستگاری دارند، نور و روشنایی می‌گیرند، هدایت و راهنمایی می‌شوند و... . خانواده‌ها همواره به خاطر عواملی به انحراف و تزلزل کشیده می‌شدند و حیات دینی و معنویشان در معرض خطر بود؛ از این رو باید به جایی اتکا می‌داشتند، فرهنگ و مذهب خود را حفظ می‌کردند، اندیشه‌ها و تفکرات خود را تعالی می‌بخشیدند و در طوفان حوادث باقی می‌ماندند. به طور قطع می‌توان گفت: انتظار یک نقطه اتکا و مرکز الهام بخش فرهنگ زنده مهدویت است.

شاخصه و ویژگی عمده اعتقاد به مهدویت انتظار و آمادگی مداوم و آگاهانه برای ظهور امامی است که از دیدگان همه غایب است و در صدد نابودی ظلم، ستم، فساد، تباهی، بی‌دینی و انحراف از جهان است.

شهید سید محمد باقر صدر می‌نویسد:

مهدویت، تبلور یک الهام فطری است که مردم، از دریچه آن... روز موعود را می‌بینند. مهدی علیه السلام تنها یک اندیشه نیست که ما در انتظار ولادت او باشیم و یک پیشگویی نیست که به امید مصداق آن نشسته باشیم؛ بلکه مهدی یک واقعیت خارجی و آماده باش است که ما منتظر عملیات او هستیم. تفکر نفی هر نوع ظلم و ستم، اینک در شخص پیشوای منتظر - که به زودی ظهور خواهد کرد - تجسم یافته است؛ شخصیتی که به همه قدرت‌ها، نه می‌گوید و تعهدی نسبت به هیچ حاکم ستمگری ندارد.^۱

نظریه بی‌بدیل انتظار، به عنوان نقطه محوری مباحث کلامی و اعتقادی شیعه، بنیان

۱. صدر، محمدباقر، رهبری بر فراز قرون، گفت و گو در باره امام مهدی، ص ۵۳.

مستحکم علوم دینی (فقه، حدیث و...)، روح حیات سیاسی - اجتماعی شیعیان، اساس باورهای آنان، الهام بخش حرکت‌های دینی و تحکیم بنیان خانواده‌ها به شمار می‌رود.

مفاهیم و مؤلفه‌های انتظار

انتظار دارای مفاهیم و مؤلفه‌های زیادی است که به روشنی، مکتوب و مضبوط می‌باشد؛ از جمله:

۱. نفی وضع موجود (فساد، ظلم، بی عدالتی و تباهی)؛
 ۲. طرد و عدم پذیرش حکومت‌های سیاسی (نامشروع دانستن آنها)؛
 ۳. اصلاح‌طلبی و امید به زندگی بهتر (فرج و گشایش)؛
 ۴. تلاش و کوشش برای پیشرفت و ترقی؛
 ۵. قیام، انقلاب و نهضت مداوم و فعال؛
 ۶. تشکیل حکومت‌های مشروع و دینی؛
 ۷. عدم انقیاد و سازش در برابر ظالم و مفسدان و
- با توجه به این امور، به صراحت می‌توان گفت که از بهترین رازهای نهفته خانواده‌های مهدوی، همین روح انتظاری است که کالبد آنان را آکنده ساخته و پیوسته آنان را به تلاش، کوشش، تحرک، جنبش آفرینی، مقاومت، ایثار، قیام، حرکت مستمر و تعالی بخشی خانواده وا می‌دارد.^۱ و با بودن روحیه انتظار حماسه و پیکار در خانواده‌ها زنده نگه داشته می‌شود و خانواده منتظر همواره در آمادگی اعتقادی، رفتاری، نظامی و تدارک نیرو و کسب نیرومندی و سلحشوری به سر می‌برند و با داشتن روحیه عالی انتظار از انحراف و تزلزل به دور هستند و در زندگی دارای امید و هدف متعالی می‌باشند.

۶. عزت‌مندی و عزیزپروری

یکی از مختصات خانواده متأثر از آموزه‌های مهدوی، روی آوردن بر فضائل انسانی و

۱. هاشمی‌شهیدی، اسدالله، ظهور حضرت مهدی از دیدگاه اسلام، ص ۲۰۷.

اخلاقی است که از آن جمله عزت‌مندی و عزیزپروری است. در همین زمینه در دعای افتتاح می‌خوانیم:

اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَرْغِبُ اِلَيْكَ فِيْ دَوْلَةٍ كَرِيْمَةٍ تُعْزِى بِهَا الْاِسْلَامَ وَ اَهْلَهُ؛^۱ خدایا، مشتاقانه مسألت داریم که دولتی باشکوه برانگیزی که در آن اسلام و اسلامیان را عزت‌بخشی. یکی از القاب امام عصر علیه السلام معز (عزت‌بخش) می‌باشد، چنانچه در دعای ندبه می‌خوانیم: «أَيْنَ مِعْزُ الْأَوْلِيَاءِ؛ کجاست عزت دهنده دوستان».

عزت‌نفس همان احساس ارزشمند بودن و احساس کرامت و بزرگواری و شرف و آبرو است. همان گونه که پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «إِنِّي بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ؛^۲ من برانگیخته شدم تا روح بزرگواری را در وجود شما کامل کنم». انسان کریم انسانی است که عزت‌نفس دارد و از پستی‌ها و زشتی‌هایی مثل دروغ، تهمت، غیبت، فحش و صفات ناپسند دیگر گریزان است. در حالات امام حسن علیه السلام می‌خوانیم که در ساعات آخر عمرش هنگامی که یکی از یارانش (جناده بن ابی سفیان) از او اندرز خواست، در نصیحتی ارزنده و مؤثر به او فرمودند:

وَإِذَا أَرَدْتَ عِزًّا بِلاَ عَشِيرَةٍ وَهَيْبَةً بِلاَ سُلْطَانٍ فَأَخْرُجْ مِنْ ذُلِّ مَعْصِيَةِ اللَّهِ إِلَى عِزِّ طَاعَةِ اللَّهِ؛^۳ هرگاه بخواهی بدون داشتن قبیله عزیز باشی و بدون قدرت حکومت، هیبت داشته باشی، از سایه ذلت معصیت خدا به در آی و در پناه عزت اطاعت او قرار گیر.

عزیز به معنای نفوذناپذیر است و انسان عزتمند هرگز به خود اجازه نمی‌دهد که زشتی‌ها در شخصیت وی نفوذ کند. انسان مؤمن دارای جایگاه والا و ارزشمندی است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «الْمُؤْمِنُ يَكُونُ عَزِيزًا وَلَا يَكُونُ ذَلِيلًا».^۴

۱. کلینی، محمد، اصول کافی، ج ۳، ص ۴۲۴.

۲. دیلمی، حسن بن محمد، إرشاد القلوب، ترجمه: هدایت الله مسترحمی، ج ۱، ص ۱۷۵.

۳. نوری، حسین، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۵۸.

۴. کلینی، محمد، اصول کافی، ج ۵، ص ۶۳.

عوامل عزت آفرین

خداوند شرافت و عزت نفس را در نهاد آدمی قرار داده است و باید خانواده‌ها به پاس شکرانه این نعمت کاری کنند تا این ثروت خدادادی به کمال اوج خود برسد و این ممکن نمی‌شود مگر این که خانواده‌ها، آن را بر پایه و اساس محکمی همچون آموزه‌های اسلام و مهدویت استوار کنند. در این جا به برخی از عوامل عزت آفرین اشاره می‌کنیم:

۱. توجه به خلقت و آفرینش انسان: اگر انسان پی به ارزش وجودی خود ببرد و بداند که خداوند به هنگام آفرینش آدم، از روح خود در کالبد او دمیده و برای چنین آفرینشی به خود مباحثات کرده است، پی به عزت و عظمت خود می‌برد.

چنانچه قبلاً هم اشاره کردیم، حضرت مهدی علیه السلام می‌فرمایند:

خداوند متعال، خلق را بیهوده نیافریده و آنان را مهمل نگذاشته است، بلکه آنان را به قدرتش آفریده و برای آنها گوش و چشم و دل و عقل قرار داده است.^۱

پس خداوند با خلقت خود، هدف مقدسی را در نظر داشته و انسان، تنها موجود با اراده و انتخاب‌گر جهان است که مورد توجه و هدف آفریدگار می‌باشد؛ بنابراین، خود انسان که انتخاب‌گر است و از قدرت عقل برخوردار است، هرگز نباید ذلت‌مند زندگی کند و کاری کند که توجه عزتمندانه خداوند به انسان زیر سؤال برود.

۲. قناعت و احساس بی‌نیازی: قناعت چیزی است که از حس زیاده‌طلبی در انسان جلوگیری می‌کند. حضرت علی علیه السلام بالصراحة عزت را با قطع طمع همراه می‌دانند. امام صادق علیه السلام نیز عزت را تنها در خانه‌ای می‌دانند که اهل آن خانه چشم طمع به مردم نداشته باشند.

همچنین امام باقر علیه السلام چشم نداشتن به دست مردم را موجب عزت دینی مؤمن می‌دانند.

۳. تقویت ایمان: از آن جا که سرچشمه بسیاری از ذلت‌ها و شکست‌های روحی و روانی از ضعف ایمان به شمار می‌رود، تقویت آن نیز موجب پیدایش شوکت و شرافت است.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

۱. طوسی، محمد، الغیبه، ص ۲۸۸، ح ۲۴۶؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۹۴، ح ۲۱.

قَالَ الْمُؤْمِنُ يَكُونُ عَزِيزًا وَلَا يَكُونُ ذَلِيلًا إِنَّ الْمُؤْمِنَ أَعَزُّ مِنَ الْجَبَلِ^۱؛ مؤمن همواره عزیز است و هیچ‌گاه تن به خواری نمی‌دهد. مؤمن از کوه بلندپایه‌تر و عزیزتر است.

۴. صبر: بسیاری از شکست‌ها و تن به ذلت دادن‌ها از بی‌حوصلگی و بی‌صبری خانواده‌ها سرچشمه می‌گیرد. خانواده مهدوی باید با استفاده از روحیه انتظار و امید به آینده‌ای روشن، صبور و متین باشند و در مقابل مشکلات عزت خود را حفظ و عنان صبر را از دست ندهد.

نقش خانواده در شکوفایی عزت‌نفس

چنان که بیان شد، عزت‌نفس، یکی از تمایلات عالی انسانی است که در نهاد انسان‌ها به ودیعت گذاشته شده و ریشه در ذات فطرت دارد. خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ»^۲ و به تحقیق انسان‌ها را گرامی و بزرگ داشتیم». روشن است که استعداد عزت‌نفس در وجود انسان نهفته است، اما در شکوفا ساختن و به فعلیت رساندن آن، خانواده‌ها نیز می‌توانند دخیل باشند. از آنجایی که بشر به عزت‌نفس متمایل است و از هرگونه ذلت و فرومایگی متنفر می‌باشد درصدد است تا این تمایل درونی را از قوه به فعل تبدیل کند. در این خصوص، محیط خانواده و به خصوص دامن پر مهر پدر و مادر است که هرکدام نقش خاصی در تعلیم و تربیت فرزندان خویش، به ویژه در شکوفا ساختن عزت‌نفس آنان دارند. از آن جا که در مکتب اسلام به عزت‌نفس اهمیت شایانی داده شده است، یکی از بهترین ارث‌هایی که پدر و مادر می‌توانند برای فرزندان خود باقی بگذارند، پرورش روحیه عزت‌نفس در فرزندان است. پدر و مادر باید با ارزشمند دانستن شخصیت فرزندان از طریق آموزه‌های مهدوی و اخلاق نیک و صفات پسندیده، در ارتقای عزت-نفس و عزیز شمردن آنان بکوشند.

وسعت دیدی که با پرورش روحیه بزرگواری و کرامت‌نفس حاصل می‌شود موجب می‌گردد خانواده‌ها آبرو و اعتبار و ارزش والایی برای خود قائل شوند. هرگاه به آنان ضربه‌ای

۱. کلینی، محمد، اصول کافی، ج ۵، ص ۶۳

۲. سوره اسراء، آیه ۷۰.

حقارت آمیز وارد شود، عکس العمل و مقاومت نشان داده و هرگز تن به ذلت تحقیر شخصیت خویش نمی‌دهند. رفتار خوب و کارهای خیر انجام می‌دهند و احساس کرامت و ارزشمندی می‌کنند. طی شناخت ارزش‌های والا و انس با آن‌ها، خانواده‌ها شخصیتی بالنده و سعه وجودی گسترده‌ای پیدا می‌کنند و به مرحله‌ای می‌رسند که تنها در ارتباط با مبدأ آفرینش احساس آرامش و رضایت‌مندی و ارزش‌مندی می‌نمایند و خود را کم‌کم به کانون عزت نزدیک می‌بینند. این امر، گرایش به کارهای خیر را در آنان تقویت کرده و تحمل سختی‌ها و مشکلات را برای دستیابی به ارزش‌های متعالی سهل و ساده می‌گرداند.^۱

پس می‌توان نتیجه گرفت که عزتمندی باعث:

۱. عدم تزلزل در برابر سختیها: خانواده با عزت از روح و نفس مطمئن‌های برخوردار است که مسایل و مشکلات نمی‌تواند آنها را دچار تزلزل و ناراحتی روحی و روانی گرداند و در اصطلاح روان‌شناسی آستانه تحمل آنها بالا است و با کوچکترین مشکل از جا در نمی‌روند و بنابراین حلم و سعه صدر و بالا بردن آستانه تحمل در برابر مشکلات در سایه عزت نفس حاصل می‌شود.

۲. عدم ارتکاب معصیت: یکی دیگر از پیامدهای عزت نفس در خانواده‌ها عدم انجام معصیت است. حضرت علی علیه السلام در این مورد می‌فرماید:

من شرفت نفسه نزهها عن زله المطالب؛^۲ کسانی که شرافت نفسانی دارند، دامن خود را به خواهش‌های پست آلوده نمی‌کنند.

یک خانواده مهدوی و متعالی، هدفی جز عزیزپروری و ایجاد روحیه عزتمندی ندارد و با این روحیه از خضوع و تسلیم و سازش در برابر طاغیان و یاغیان دوری می‌کند، قدرتی که با داشتن آن هرگز اسیر شهوات نمی‌شوند و در برابر هوا و هوس سر فرود نمی‌آورند، قدرتی که آنان را به مرحله نفوذناپذیری در مقابل زر و زور ارتقا می‌دهد.^۳

۱. فرهادیان، رضا، والدین و مربیان مسئول، ص ۳۰۸.

۲. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۶۲۷.

۳. نیلی پور، مهدی، خانواده مهدوی، ص ۸۸.

فصل چهارم:

مولفه رفتارک اثرگذار مهدویت

در تحکیم خانواده

۱. آمادگی
۲. برگزاری ادعیه خاص حضرت
۳. توجه به اماکن ویژه حضرت
۴. تربیت دینی فرزندان
۵. جلوگیری خانواده از ناهنجاری‌های رفتاری
۶. الگوگیری اعضای خانواده از مهدویت
۷. مبارزه با انحرافات و آسیب‌های مهدوی
۸. ایثارگری و شهادت‌طلبی
۹. فروتنی و تواضع

مقدمه

رفتار عبارت است از یک سلسله خصلتها و سجایا و ملکات اکتسابی که بشر آنها را در خارج، در شرایط مختلف پیاده می‌کند و شکل‌گیری آن پدیده‌ای خلق الساعه نیست که یکباره ظهور یابد، بلکه امری فراینده است که در گذر زمان متولد می‌شود و در گذر زمان با تأثر از آموزه‌های مختلف تغییر پیدا می‌کند.

در این میان آموزه‌های مهدوی - که در مباحث رفتاری برای تعالی و تحکیم بیان شده‌اند - به طور یقین بسیارند. در این فصل چند نمونه از مهم‌ترین آموزه‌های مهدوی در این مورد را توضیح می‌دهیم که عبارتند از: ۱: آمادگی؛ ۲: برگزاری ادعیه خاص حضرت؛ ۳: توجه به ایام و اماکن ویژه حضرت؛ ۴: تربیت دینی فرزندان؛ ۵: جلوگیری خانواده از ناهنجاری‌های رفتاری؛ ۶: جلوگیری خانواده از افراط و تفریط؛ ۷: ایشارگری و شهادت طلبی؛ ۸: مبارزه با انحرافات و آسیب‌های مهدوی؛ ۹: فروتنی و تواضع و نقش هر یک از این آموزه‌ها در پیش‌گیری از آسیب‌های رفتاری خانواده‌ها.

۱. آمادگی

مهدی یاوران، آماده برای هر گونه مجاهدت هستند.

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

لِيَعِدَّنَا أَحَدُكُمْ لِيَخْرُجَ الْقَائِمُ وَلَوْ سَهْمًا فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِذَا عَلِمَ ذَلِكَ مِنْ نِيَّتِهِ رَجَوْتُ
لَأَنْ يَنْسِيَ فِي عُمْرِهِ^۱ هر یک از شما باید خود را برای ظهور قائم عجل الله فرجه آماده نماید، اگر
چه به فراهم سازی یک تیر. هر گاه خداوند متعال کسی را دارای چنین نیتی بداند،
امیدواریم عمر او را طولانی گرداند! [تا زمان ظهور را دریابد و به خدمت‌گزاری
مولایش توفیق یابد].

خانواده‌ای که خود را پیرو و دوست‌دار واقعی امام زمان می‌داند و منتظر واقعی و چشم
به راه ظهور و قیام جهانی او است، باید خود را با استفاده از اندیشه‌های مهدوی، از نظر
عملی، فکری و اعتقادی رشد دهد و تنها با لقلقه زبان و ادعای دوستی نمی‌تواند خود را
پیرو واقعی بداند! و برای رسیدن به این مرحله باید مقدماتی را طی کند که مرحله نخست
آن، باور به وجود منجی و اعتقاد به ظهور او و برپاداشت انقلاب جهانی به دست او است؛
سپس نوبت به اصلاح و همسوسازی رفتارها، گفتارها و پندارها با این اعتقاد و باور است.
خانواده مهدوی، خانواده‌ای است که با استفاده از اندیشه مهدوی و درک حضور ولی خدا
در متن زندگی سعی دارد رفتار خویش را با رضایت ولی خدا انطباق داده و خود را در مسیر
اهداف آن امام همام به شکوفایی برساند تا نه تنها در مقابل اهریمنان انس و جن مقاوم
باشد، بلکه آن‌ها را نیز در مسیر حق راهبری نماید.

آمادگی خانواده‌ها برای تعالی و تحکیم با استفاده از آموزه‌های مهدوی عبارت است از:
بی‌اعتنایی به علایق دنیوی، تسلط بر هواهای نفسانی، التزام عملی به دین، پذیرش
مسئولیت‌های دینی، خودسازی و اصلاح اعضای خانواده، ایجاد محیط سالم، امر به معروف
و نهی از منکر، ترک غفلت، عشق به امام عصر، ایثار و فداکاری و استواری ایمان.^۲
در رابطه با آماده سازی خانواده‌ها و اعضای آن توجه به امور زیر لازم است:

۱. ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم، *الغیة*، ص ۳۲۰.

۲. مجموعه مقالات مهدوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل، *در انتظار خورشید مغرب*، ص ۴۹۸ - ۴۹۹.

الف) سنخیت با امام

خانواده‌ای که خود را پیرو حضرت مهدی می‌داند و آموزه‌های آن حضرت را سرمشق زندگی خود قرار داده، باید وضعیت فکری، روحی و عملی خود را به گونه‌ای سامان بخشد که سنخیت کاملی با امام زمان عجله تعالی فرجه داشته باشد. به طور کلی هر انسانی دارای سه مرتبه وجودی (افکار، صفات و اعمال) است و هیچ انسانی از این قاعده مستثنا نیست. اگر خانواده‌ای بخواهد به حضرت نزدیک شود، چاره‌ای ندارد جز اینکه بکوشد نوع اعتقاد، باورها، صفات و رفتار خود را به ایشان نزدیک سازد تا از این طریق پیرو واقعی او باشد و بهتر بتواند آموزه‌های حضرت را باور کرده و در زندگی به کار بگیرد؛ زیرا خانواده بدون هم سنخ شدن از حیث افکار و صفات با امام خود، نمی‌تواند در عمل خود را با اندیشه و افکار حضرت هم سو کند.

ب) پرهیزکاری و تزکیه نفس

یکی از وظایف و بایسته‌های مهم خانواده‌ها در آماده سازی خود، آراستن درون با فضایل انسانی و چنگ زدن به مکارم اخلاقی است؛ یعنی، همان طور که قرآن می‌فرماید: «اگر می‌خواهید محبوب خدا باشید، تقوا پیشگی کنید»^۱ نیز از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

برای صاحب الامر، غیبتی طولانی است؛ در این دوران هر کس باید تقوا پیشه سازد و به دین خود چنگ زند.^۲

ج) یاد یار

خانواده مهدوی، کسی است که از یاد و نام محبوب خود غافل نمی‌شود و پیوسته در فکر و اندیشه او است.

۱. سوره آل عمران، آیه ۲۰۰.

۲. ابن ابی زینب، محمد، *الغیبة*، ص ۲۵۰، باب ۱۴، ج ۵.

روایت شده است: وقتی امام موسی بن جعفر علیه السلام از امام غایب و نعمت باطنی خدا یاد کرد، فردی پرسید: آیا از امامان کسی غایب می‌شود؟ فرمود:

نعم یغیبُ عن أبصارِ الناسِ شخصُهُ و لا یغیبُ عن قُلُوبِ المؤمنینِ ذِکْرُهُ و هو الثَّانی عَشْرَ مَنّا؛^۱ بلی، شخص او از دیدگاه‌های مردم غایب می‌شود؛ ولی یاد او از دل‌های مؤمنان نهان نمی‌شود و او دوازدهمین نفر از ما است.

(د) شناخت و معرفت امام

یکی از وظایف و بایسته‌های مهم خانواده‌ها در آماده سازی خود، شناخت امام علیه السلام و آشنایی و ارتباط هر چه بیشتر با آن حضرت است. شناخت امام علیه السلام به حدی ضرورت دارد که در روایات معتبر شیعه و سنی آمده است: «هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلی مرده است».^۲ این معرفت هم شامل نام و نسب و هم شامل اوصاف و ویژگی‌ها و هم اهداف و برنامه‌ها می‌باشد.

به همین جهت در یکی از دعا‌های معتبر و معروف می‌گوییم:

اَللّٰهُمَّ عَرِّفْنِیْ نَفْسَکَ فَإِنَّکَ اِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِیْ نَفْسَکَ لَمْ اَعْرِفْ نَبِیَّکَ؛ اَللّٰهُمَّ عَرِّفْنِیْ رَسُوْلَکَ فَإِنَّکَ اِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِیْ رَسُوْلَکَ لَمْ اَعْرِفْ حُجَّتَکَ؛ اَللّٰهُمَّ عَرِّفْنِیْ حُجَّتَکَ فَإِنَّکَ اِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِیْ حُجَّتَکَ ضَلَلْتُ عَنْ دِیْنِیْ؛^۳ خدایا خود را به من بشناسان، زیرا اگر خود را به من شناسانی فرستاده‌ات را نشناختم؛ خدایا فرستاده‌ات را به من بشناسان، زیرا اگر فرستاده‌ات را به من شناسانی حجت را نشناختم؛ خدایا حجت را به من بشناسان، زیرا اگر حجت را به من شناسانی، از دین خود گمراه می‌شوم.

بنابراین، خانواده‌ای که خود را هم سنخ امام کرده و راه تقوا را در پیش گرفته و شناخت کامل به امام خود دارد سعی و تلاش خواهد کرد تا رفتار و اخلاقی خلاف گفته-

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۶۹؛ مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۰.

۲. ابن بابویه، محمد، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۷۱؛ مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۶۰.

۳. کلینی، محمد، اصول کافی، ج ۱، ص ۳۳۷، ح ۵؛ ابن بابویه، محمد، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۵۱۲.

های امام نداشته باشد و اعمالی که باعث تنش در خانواده می‌شود را انجام ندهد و بنیان خانواده را از حیث اخلاقی به اعمال الهی آراسته کند و این آمادگی باعث خواهد شد تا خانواده را از تزلزل و افتادن در مسیر انحراف و غیرالهی حفظ کند.

۲. برگزاری ادعیه خاص حضرت

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

بَادِرُوا إِلَى رِيَاضِ الْجَنَّةِ؛ فَقَالُوا: وَمَا رِيَاضُ الْجَنَّةِ؟ قَالَ: خَلَقَ الذُّكْرُ^۱ به باغ‌های بهشت بشتابید. عرض شد: ای رسول خدا! باغ‌های بهشت کدامند؟ فرمود: حلقه‌های یاد خدا.

علامه مجلسی در بیان این حدیث شریف می‌فرماید: حلقه‌های ذکر مجالسی است که خدا و علوم اهل بیت علیهم السلام و فضایل اهل بیت علیهم السلام در آنها بیان شود.^۲ بنابراین سفارش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر تشکیل این حلقه‌ها مبنی بر معرفت‌دهی می‌باشد و این راهکار از این جهت بسیار اهمیت دارد؛ زیرا اگر معرفت حاصل شد، غفلت برکنار شده و یاد حضرت تداوم پیدا می‌کند. ضمن اینکه این جلسات مورد توجه و عنایت حضرت مهدی علیه السلام نیز می‌باشد.

برگزاری مجالس دعای حضرت آثار مثبت و گران‌قدر بسیاری برای خانواده‌ها به ارمغان می‌آورد و موجب می‌شود تا خانواده‌ها با انس گرفتن با این مجالس و استفاده از مضامین عالی دعاها، خود را به حضرت نزدیک و در مسیر تعالی قرار دهند و زیربنای فکری خود را از حیث اعتقادی و رفتاری تحکیم بخشند، حضور در مکان‌های برگزاری دعا و سوز و گداز حاصل شده از این مراسم‌ها زمینه‌ساز رشد معنوی آنان است.

بعضی از آثار دعا برای خانواده‌ها عبارت است از: ۱. خداشناسی؛ ۲. امام‌شناسی؛ ۳.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۰۹؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۱، ص

۲۰۲.

۲. همان، ص ۲۰۲.

تجدید عهد با امام؛ ۴. گسترش افق دید خانواده‌ها؛ ۵. آرام بخشی دل و تسکین دهنده آلام روحی و روانی؛ ۶. هدف‌سازی و جهت‌بخشی؛ ۷. امید بخشی.

یکی از دغدغه‌های جدی خانواده‌ها این است که زندگیشان رنگ و بوی زندگی مهدوی بگیرد. خانواده‌ها همیشه به دنبال این هستند که بدانند زندگی مهدوی چه نوع زندگی است؟ در این جا با بیان قسمتی از دعای عهد - که یکی از دعا‌های وارده در مورد امام زمان است - خانواده‌ها را به آموزه‌های مهدوی نزدیک کرده و آشنا می‌کنیم؛ می‌شود گفت که بهترین مسیر زندگی مهدوی در این دعا ترسیم شده است.

در دعای عهد، فضیلت‌های مختلفی وجود دارد و ابعاد مختلف زندگی مهدوی رقم خورده است. به فرموده امام صادق (ع) کسی که ۴۰ صبح دعای عهد را بخواند از یاران حضرت می‌شود. در حقیقت خواندن این دعا توفیق یاری حضرت را فراهم می‌کند. توفیق رجعت، یکی دیگر از فضیلت‌های این دعاست. این دعا به قدری فضیلت دارد که در هر کلمه دعای عهد به انسان هزار حسنه داده می‌شود و به هر کلمه‌ای هزار سیئه از انسان بخشیده می‌شود.

دعای عهد، اول مسیری را که برای زندگی رقم می‌زند، خداشناسی است. شروع این دعا با اوصاف خداست. کسی که می‌خواهد امام زمان و زندگی ایشان را بشناسد اول باید خدا را بشناسد. در دوران غیبت نیز سفارش شده که دعای «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ رَسُولَكَ؛ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ؛ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي؛^۱ خدایا خودت را به من بشناسان که اگر تو را نشناسم پیامبرت را نمی‌شناسم و اگر پیامبر را نشناسم حجتت را نمی‌شناسم و اگر حجت خدا را نشناسم از دین گمراه می‌شوم» را زیاد بخوانید.

خداشناسی، مقدمه امام‌شناسی است. خانواده‌ای که دنباله‌رو امام عصر (ع) است باید خانواده‌ای توحیدی و خداشناس باشد. در ابتدای دعای عهد ۱۶ وصف از اوصاف خدا بیان

۱. قمی، عباس، مفاتیح الجنان، دعای عصر غیبت.

شده. در بخش دوم دعای عهد وارد مرحله درود و سلام به امام می‌شویم. در این بخش از دعا می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا الْإِمَامَ الْهَادِيَ الْمَهْدِي الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ...»^۱ خدایا برسان مولای ما را، آن امام راهنمای راه یافته و قیام کننده به فرمان تو که درود خدا بر او و پدران پاکش باد». واژه «مولا» یعنی نزدیکترین. «ولی» در لغت یعنی اوج قرب، به حدی که هیچ حائلی بین تو و او نباشد. خانواده‌ای که هر صبحگاه این جمله را به امامش بگوید، حرکتش تا شب جهت‌دار و هدفدار می‌شود. در این دعا به امام می‌گوییم که تو پیشوای مایی، یعنی در هر قدم باید بنگریم امام چه گفته و چه چیز مرضی رضای آن حضرت است. امام زمان علیه السلام هادی و هدایت کننده است و علاوه بر اینکه دغدغه هدایت ما را دارد، خودش هدایت شده است.

دعای عهد به خانواده‌ها، افق جهانی می‌بخشد. در این دعا می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا الْإِمَامَ الْهَادِيَ الْمَهْدِي الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ...»^۲ دروذهای خداوند بر او و پدران پاکش باد از طرف همه مردان و زنان با ایمان در مشرقهای زمین و مغربهای هموار آن...».

خانواده‌ها با قرائت این دعا در ابتدای صبح از طرف همه مؤمنان سراسر جهان به امام سلام می‌دهند. این فراز از دعا نشان می‌دهد که دغدغه شخصی داشتن و امام را تنها برای خود خواستن، غلط است. خانواده مهدوی دغدغه جهانی دارد و چنین خانواده‌ای با افق دید وسیع‌تر، خود را از تنگ نظری و کوتاه فکری دور کرده و برای خود آینده‌ای هدف‌دار در نظر می‌گیرد و خود را به تحکیم و تعالی می‌رساند و در اثر مشکلات و تنگنا-های موجود در زندگی به سخت‌گیری و ناراحتی و ناامیدی روی نمی‌آورد که همه اینها منجر به تزلزل خانواده می‌شود.

سلام به امام زمان علیه السلام در این دعا از حیث کمیت، جهانی و از حیث کیفیت به اندازه عرش خداست. کیفیت سلام به امام در این دعا بلندنظری خانواده‌های مهدوی را می-

۱. همان، دعای عهد.

۲. همان.

رساند. خانواده مهدوی بلند نظر است و اندیشه جهانی دارد و وقتی خواسته‌ای هم دارد با نگاهی عمیق و طولانی آن را مطرح می‌کند. برخی امام را برای رفع مشکلات خود طلب می‌کنند، اما خانواده‌های مهدوی، دغدغه جهانی دارند و وقتی مشکلی در جهان اتفاق می‌افتد، نگران می‌شوند.

عهد و پیمان و میثاق با امام از دیگر مضامین این دعاست. عهد و پیمان در زندگی خانواده مهدوی باید همیشگی باشد. وقتی زندگی بر مبنای آموزه‌های مهدوی شکل گرفت؛ عهد، دائمی و همیشگی می‌شود. خانواده مهدوی هرگز از عهدش با امام رویگردان نمی‌شود. قرائت صبحگاهی این دعا موجب می‌شود فراموش نکند که پیش از هر کس با امام خود عهد بسته و اولویت عهد با امام را باید بر همه پیمان‌های دیگر حفظ کند. عهد با امام زمان عجله تعالی فرجه یعنی زندگی بر اساس رضایت حضرت مهدی و کسی که دست بیعت با امام زمان می‌دهد فقط رضایت حضرت را در نظر می‌گیرد نه کس دیگری را. عمل بر اساس دغدغه و خواسته امام باید اولویت خانواده‌های مهدوی باشد.

در دعای عهد بعد از تجدید عهد با امام، هشت مقام را از خدا طلب می‌کنیم. در این فراز از دعا می‌خوانیم: «خدایا قرار ده ما را از یاران و کمک یارانش و دفاع کنندگان از او و شتابندگان به سوی او در برآوردن خواسته‌هایش و انجام دستورها و اوامرش و مدافعین از آن حضرت و پیش گیرندگان به سوی خواسته‌اش و شهادت یافتگان پیش رویش». در این دعا از خدا می‌خواهیم که یار امام زمان عجله تعالی فرجه و کمک کار امام شویم و از آن حضرت دفاع کنیم، در انجام مقاصد و حوایج امام سرعت بگیریم، اوامر آن حضرت را گوش دهیم، از امام حمایت کنیم، به اراده امام زمان عجله تعالی فرجه سبقت بگیریم و در رکاب امام به درجه رفیع شهادت برسیم. زندگی خانواده‌های مهدوی باید بر مبنای یاری امام شکل بگیرد.

در بخش دیگری از دعای عهد از خدا می‌خواهیم که اگر در طول زندگی ما ظهور رخ نداد و ما از دنیا رفتیم هنگام ظهور، دوباره برگردیم: «خدایا اگر حایل شد میان من و او آن مرگی که قرار داده ای آن را بر بندگان حتمی و مقرر، پس بیرونم آر از گورم؛ کفن به خود پیچیده با شمشیر آخته و نیزه برهنه، پاسخگویان به ندای آن دعوت کننده بزرگوار در شهر و بادیه».

در رجعت، خوبان خوب و بدان بد به دنیا برمی گردند. خانواده‌ای که این خواسته را در دعایش مطرح می‌کند افق زندگی‌اش بر مبنای رجعت شکل می‌گیرد. کسی که با افق رجعت زندگی می‌کند، خود را برای زندگی در رکاب حضرت و سایر اهل بیت علیهم‌السلام آماده می‌سازد تا امام، رهبری و او تبعیت کند. کسی که این مقامات عالی را از خدا بخواهد، شیدای ظهور می‌شود. در این مرحله است که به طور جدی برای فرج امام دعا می‌کند و از خدا تعجیل در فرج را طلب می‌کند. با این حال یک خانواده مهدوی در اثر استفاده از مجالس دعا از حیث معنوی و مضامین عالی دعاها _ که در بر گیرنده مطالب پرمغزی است _ به خصوص دعای عهد که بیان کردیم، به یک خانواده متعالی تبدیل می‌شود. اما از حیث رفتار، کارکردهای برگزاری مراسم‌های دعا در رفتار افراد و خانواده‌ها می‌تواند به صورت زیر باشد:

۱. فراهم آوردن زمینه تقویت و تایید دوباره پابندی جامعه به یک رشته ارزش‌ها و باور داشت‌های خاص که ممکن است فراموش یا کم رنگ شده باشند؛
۲. ارائه حمایت‌های روانی و کاهش اضطراب، ترس و دلهره در میان اعضای جامعه؛
۳. کاهش کشمکش‌های اجتماعی در بین اعضای جامعه؛
۴. تحکیم نظارت اجتماعی از طریق نهادهای مدنی و سازمان‌ها و تشکل‌های غیر دولتی و گروه‌های نخبگان و آگاهان؛
۵. انتقال غیر مستقیم ارزش‌ها و آداب و رسوم از نسلی به نسل دیگر در جریان برگزاری مراسم؛
۶. ایجاد تعادل اخلاقی در سطح جامعه.^۱

۳. توجه به ایام و اماکن ویژه حضرت

یکی از وظایف شیعیان نسبت به حضرت بقیه الله علیه‌السلام تکریم و بزرگداشت ایام و

۱. عابدی، حمید، «رسوم آیینی و ارزش‌های اخلاقی»، ص ۲۶، مجله حدیث زندگی، خرداد و تیر، ۱۳۸۵.

مکان‌هایی است که به آن حضرت، منتسب است. خانواده‌ها با تجلیل و تکریم ایام و اماکن منسوب به وجود مقدس حضرت بقیه الله، می‌توانند یکی از خانواده‌های مهدوی باشند که امام زمان توجه ویژه به آنها دارد. خانواده‌ها با تجلیل و تکریم ایامی چون نیمه شعبان _ که منسوب به وجود مقدس حضرت بقیه الله می‌باشد _ می‌توانند با درک معنوی از این روز به یکی از خانواده‌های متعالی تبدیل شوند.

۳-۱. جمکران

مسجد جمکران از مواهب الهیه بر کشور ما و جهان شیعی است. مکانی بسیار مبارک که عاشقان حضرت مهدی (عج) مخصوصاً خانواده‌ها را از دور و نزدیک به سوی خود جذب کرده و می‌کند.

هنگامی که خانواده‌ها به این مکان وارد می‌شوند، همه چیز جز خدا و ولی او، یعنی حضرت مهدی (ارواحنا فداه) را فراموش می‌کنند. وقتی خانواده‌ها با کوله باری از اندوه، غم و مشکلات روحی به این مکان می‌آیند و به راز و نیاز خالصانه خود با خدا و حجت او در این مکان مقدس می‌پردازند، انسان به یاد زوار خانه خدا در سرزمین عرفات می‌افتد. این خانواده‌ها بعد از راز و نیاز، موقع برگشت با دلی پر از صفا، پاکی، امید و عشق به زندگی باز می‌گردند و مطمئن هستند خود و اعضای خانواده‌شان در برابر سیل تهاجم فرهنگی دشمن و مشکلات روحی _ که آنها را از هم دور کرده _ بیمه می‌کند. به هر حال مسجد جمکران این استعداد را دارد که تبدیل به یک «قطب فرهنگی فعال» برای خنثی کردن شبیخون فرهنگی دشمنان اسلام و اهل بیت (علیهم‌السلام) باشد.

۳-۲. شب قدر

شب قدر از شب‌های مقدس و بابرکت اسلامی است. خداوند در قرآن مجید از آن به بزرگی یاد کرده و سوره‌ای نیز به نام «سوره قدر» نازل فرموده است. در تمام سال، شبی به خوبی و فضیلت شب قدر نمی‌رسد. این شب، شب نزول قرآن، شب فرود آمدن فرشتگان و روح نیز نام گرفته است. عبادت در شب قدر برتر از عبادت هزار ماه است. در این شب، مقدرات یک سال انسان‌ها و روزی‌ها، عمرها و امور دیگر مشخص می‌شود.

فرشتگان در این شب بر زمین فرود آمده، نزد امام زمان می‌روند و آنچه را برای بندگان مقدر شده، بر ایشان عرضه می‌دارند.

بد نیست برای درک بیشتر شب‌قدر و شب‌زنده داری در این شب، آن هم در کنار خانواده به روایتی اشاره کنیم؛ روایتی از بحار الانوار که به شب زنده‌داری پیامبر ﷺ در کنار خانواده در شب قدر اشاره دارد:

أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ كَانَ يَطْوِي فِرَاشَهُ وَيَشْدُ مِثْرَةً فِي الْعَشْرِ الْآخِرِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَكَانَ يُوقِظُ أَهْلَهُ لَيْلَةَ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ وَكَانَ يَرُشُّ وَجْهَهُ النَّيَامِ بِالْمَاءِ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ؛^۱ رسول خدا [این چنین] بود که رخت‌خواب خویش را جمع می‌کرد و کمر بند [همّت برای عبادت] را در دهه آخر از ماه رمضان محکم می‌بست و همیشه این گونه بود که اهل و عیالش را در شب بیست و سوم بیدار نگه می‌داشت و بر روی خواب‌رفتگان در آن شب آب می‌پاشید تا از درک شب قدر و درک شب زنده‌داری محروم نشوند.

با توجه به روایت و ارزش این شب لازم است خانواده‌ها در این شب در کنار هم و استفاده بردن از این شب بر روابط و استحکام خانواده خویش توجه نمایند.

۳-۳. روز جمعه

جمعه، روز حضرت صاحب الزمان ﷺ و به نام آن حضرت است و همان روزی است که ایشان در آن روز ظهور خواهند فرمود.

در خصوص روز ظهور امام زمان ﷺ روایت‌های مختلفی وجود دارد: برخی از روایات دلالت دارند که امام زمان ﷺ روز جمعه ظهور می‌کند؛ امام جعفر صادق ﷺ فرمود: «قائم ما اهل بیت در روز جمعه قیام می‌کند».^۱ در مورد ندای آسمانی در روز ظهور اخباری رسیده است: «اول روز گوینده‌ای از آسمان صدا می‌زند، به طوری که همه آن را

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۹۵، ص ۱۰.

۱. دوانی، علی، مهدی موعود، ص ۱۰۶.

می‌شنوند...»^۱ در اخبار آمده که آن روز، روز جمعه خواهد بود.

چنان که گفتیم روز جمعه متعلق به امام زمان است و ایشان به این روز توجه خاصی دارند و می‌شود در این روز مبارک که روز خاصی برای مسلمین است برای تحکیم خانواده از این روز استفاده کرد و به حدیث امام رضا علیه السلام عمل نمود که فرمودند: «بَرُّوا أَهْلَیْکُمْ وَ أَوْلَادَکُمْ جُمُعَةً إِلَى جُمُعَةٍ»^۲ در روزهای جمعه به همسر و فرزندان خویش نیکی کنید.

گرچه در روایت مذکور «اهالیکم» به معنای همسرانتان آمده، اما تفسیر آن به صورت «خانواده‌هایتان» منعی ندارد؛ در این صورت با توجه به آنکه «اولادکم» (فرزندانتان) از اعضای خانواده هستند و زیرمجموعه «اهالیکم» قرار دارند، اما به دلیل اهمیت از باب ذکر خاص بعد از عام دوباره مورد توجه قرار گرفته‌اند.

از جمله نکته‌هایی که از حدیث اشاره شده می‌توان به دست آورد، این است که پدر و مادر باید روزی چون روز جمعه - که از روزهای مهم مسلمانان و به خصوص یاران امام زمان علیه السلام است - را برای توجه عاطفی و معنوی ویژه خانواده قرار دهند و موجب نشاط و شادمانی آنها شوند و از سوی دیگر، برای توجه به ارزش‌های دینی به جمعه توجه خاص کنند، زیرا این امر در ایجاد صمیمیت و استحکام کانون خانواده اهمیت دارد.

برای این که بتوانیم روز جمعه را در نظر اعضای خانواده خوشایند، زیبا و دوست داشتنی جلوه دهیم می‌توانیم در آن روز به آن‌ها بیشتر توجه کرده و با تامین نیازهای مادی و معنوی و عاطفی آنان به این خواسته تربیتی اسلامی به طور غیر مستقیم نائل شویم.

البته نیکی کردن به خانواده همیشه خوب است، اما امام هشتم علیه السلام که به نیکی کردن در روز جمعه تاکید و تصریح می‌کند، برای این است که روز جمعه یکی از اعیاد مسلمین و روز متعلق به امام زمان علیه السلام است و خانواده یک فرد مسلمان باید خاطره خوش و با

۱. طوسی، محمد بن حسن، غیبت، ص ۳۴۴.

۲. صدوق، علی بن بابویه، فقه الرضا، ص ۸۵.

نشاطی از آن روز داشته باشد و با رسیدن جمعه ناخودآگاه مسرور و شادمان گردد. پدر و مادر یک خانواده می‌تواند غیر مستقیم با نیکی کردن و استفاده از ظرفیت‌های مهدوی در این روز _ که متعلق به امام زمان علیه السلام است _ به استحکام خانواده در روز جمعه، این شادی و نشاط را به کانون گرم و صمیمی خانواده خویش به ارمغان آورد.

۳-۴. روز نیمه شعبان

بزرگداشت تولد امام زمان علیه السلام در این روز یکی از مهم‌ترین فرصت‌های ایجاد ارتباط خانواده‌ها با امام زمان به عنوان مربی حقیقی انسان و بهترین بستر برای بهره‌برداری از سرچشمه معارف ناب ایشان است و تأثیر بزرگداشت روز تولد امام زمان علیه السلام را می‌توان در ساختهای تربیتی خانواده‌ها مورد بررسی قرارداد.

الف) اعتقادی

یکی از ارتباطاتی که خانواده‌ها در این روز برقرار می‌کنند، ارتباط فکری و معرفتی با امام است؛ این امر که به واسطه فیض بردن از معارف اهل بیت علیهم السلام که در غالب سخنرانی‌ها و مولودی‌ها ارائه شده و یا با مطالعه و تفکر بر ادعیه و زیارات مهدوی حاصل می‌شود، فکر و اندیشه خانواده‌ها را سیراب نموده و باعث می‌شود جایگاه خداوند متعال و امام در عالم هستی و عرصه تربیت خانواده‌ها مشخص شود، ارزش‌های حاکم بر نظام تربیتی شناخته شده و خانواده‌ها کرامت و جایگاه خود را در عرصه هستی در پرتو این معارف باز یابند.

ب) عاطفی

اعیاد مبارک امام زمان به صورت جمعی و آن هم در مکان‌های مقدس و منتسب به حضرت مبتنی بر اظهار محبت و عشق و ارادت نسبت به امام علیه السلام است که به گونه‌های مختلف بروز و ظهور می‌نماید. شادی و شغف جمعی در تولد امام علاوه بر اظهار محبت به امام، باعث ایجاد همدلی و دوستی بین اعضای خانواده‌ها و جامعه گردیده و زمینه مهرورزی نسبت به همدیگر را فراهم می‌کند؛ چه کینه‌ها و کدورت‌هایی که به برکت

این اعیاد در این مکان‌های مقدس کنار گذاشته می‌شود و چه روابط قطع شده‌ای که با رد و بدل پیامک تبریک در فضای معنوی این اعیاد از سرگرفته می‌شود و چه بسیار خانواده‌هایی که شروع زندگی خود را _ که حساس‌ترین لحظات عمر آنهاست _ از این اعیاد و از این مکان‌ها شروع می‌کنند.

ج) رفتاری

رفتار انسان در اندیشه و عواطف او ریشه دارد و اعیاد با تعمیق بینش‌ها و معارف خانواده و با جهت‌دهی به عواطف و احساسات خانواده آنها را به رفتاری مناسب در جهت تربیت صحیح سوق می‌دهد که به برخی از آن‌ها در زیر اشاره می‌گردد.

ج-۱. اطاعت از دستورهای ائمه علیهم‌السلام

یکی از آثار بزرگ داشت تولد امام زمان علیه‌السلام پذیرش فرامین ائمه اطهار علیهم‌السلام و اطاعت از آنان است. انسان موجودی دارای اختیار است و تربیت دقیق و کامل او و رسیدن به سعادت واقعی ایشان در گرو اطاعت از ائمه اطهار است. با توجه به همین حقیقت است که در دعای ندبه می‌خوانیم: «أَرَادَ مِنْ عِبَادِهِ عِبَادَتَهُ، فَشَقِيَ وَ سَعِيدٌ، قَدْ شَقِيَ مَنْ خَالَفَكُمْ وَ سَعِدَ مَنْ أَطَاعَكُمْ».

ج-۲. الگوپذیری در عمل

یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در تربیت انسان داشتن الگویی جامع و کامل است؛ با توجه به همین نیاز اساسی است که در قرآن شریف، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم به عنوان الگو و اسوه مسلمانان معرفی شده است: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا»^۱. در اندیشه مهدویت این اسوه و الگو در پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم و در زمان بعثت ایشان منحصر نمی‌شود، بلکه در هر زمان حجت‌الهی را به عنوان الگوی زندگی فرد می‌شناسد.

۱. سوره احزاب، آیه ۲۱.

ج-۳. مراقبه در اعمال

بزرگداشت تولد امام در واقع تذکر و توجه به وجود امام زنده‌ای است که هر لحظه برای اعمال و رفتار انسان نظارت دارد؛ چرا که امام مصداق بارز مؤمنون از آیه شریفه: «وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ...»^۱ است. اعتقاد به نظارت امام بر اعمال و نیز عرضه شدن پرونده اعمال در هر هفته یا در شب قدر بر امام از یکسو و عشق و علاقه انسان نسبت به امام و تلاش در جهت به دست آوردن رضایت ایشان یکی از مهم‌ترین عوامل بازدارنده ارتکاب اعمال ناشایست بوده و آثار تربیتی فراوانی بر آن مترتب است.

ج-۴. تمرین بندگی

هر یک از اعیاد، اعمال و اذکار مخصوص خود را دارد که از جانب ائمه اطهار بر آن تاکید شده و انجام آن اثر تربیتی بالایی دارد و به خاطر بالا بودن تاثیر این اعمال در روح و روان و فکر و اندیشه انسان و شکل‌دهی به شخصیت او، برای این اعمال ثواب و اجر زیادی در نظر گرفته شده است. انجام این اعمال علاوه بر اثر روحی و معنوی برای شخص انجام دهنده در واقع تمرین بندگی برای انسان است و زمینه چشیدن طراوت و شیرینی عبادت و بندگی را به وجود می‌آورد.

۴. تربیت دینی فرزندان

فرازی از زیارت امام زمان علیه السلام در روز جمعه: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ الَّذِي يَهْتَدِي بِهِ الْمُهْتَدُونَ»^۱ سلام بر تو ای نور خدا که هدایت یافتگان با آن نور هدایت یابند». آرزوی هر پدر و مادری داشتن فرزندان صالح بوده، دغدغه ذهنی آنها همین نکته و تلاش آنان برای فرزندان خویش نیز در همین جهت می‌باشد. هنگامی که ما جایگاه

۱. سوره توبه، آیه ۱۰۵.

۱. قمی، عباس، مفاتیح الجنان، زیارت امام زمان علیه السلام در روز جمعه.

اعتقاد به ولایت و معرفت امام زمان علیه السلام را در صحنه تفکر دینی دانستیم، لازم است تا اهمیت ویژه‌ای به معرفت و تربیت فرزندان خویش در جهت تولی و تبری داده، آن را محور تربیت دینی فرزندان خویش قرار دهیم؛ یعنی، با فراهم آوردن زمینه‌های معرفت دینی، آنان را با اصول ولایت آل محمد علیهم السلام و منطق شیعه آشنا سازیم. تلاش‌های دشمن در طول قرون متمادی را برای نابودی اهل بیت علیهم السلام و اخفاء فضائل و مناقب آل محمد علیهم السلام به آنان گوشزد کنیم. آنان را در مجالس سرور و عزای اهل بیت علیهم السلام شرکت دهیم و به این ترتیب، قلب آنان را از محبت اهل بیت و تنفر نسبت به دشمنانشان مالا مال گردانیم. باید به آنان بیاموزیم که وحدت سیاسی با اهل سنت در برابر دشمن مشترک، تعارضی با تفکیک مرزهای حق از باطل در مقام عقیده ندارد؛ رفتار امیرالمومنین علیه السلام در این جهت بهترین الگوی عصر ما است. باید به امر ولایت در اعتقادات فرزندان خویش و بروزات بیرونی آن بیشتر اهتمام کنیم که امیرالمومنین علیه السلام بارها فرمودند:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ دِينَكُمْ دِينَكُمْ فَإِنَّ السَّيِّئَةَ فِيهِ خَيْرٌ مِنَ الْحَسَنَةِ فِي غَيْرِهِ وَالسَّيِّئَةُ فِيهِ تُغْفَرُ وَالْحَسَنَةُ فِي غَيْرِهِ لَا تُقْبَلُ؛^۱ ای مردم! دینتان را مواظب باشید (مبادا کسی شما را از دینتان لغزانده و منحرف کند)؛ زیرا گناه اگر همراه با اعتقاد صحیح باشد، بهتر از حسنه‌ای است که با عقاید باطل انجام گیرد؛ زیرا گناهی که با دینداری همراه باشد بخشوده شده، و حسنه‌ای که با انحراف فکری قرین باشد، مورد پذیرش خدا قرار نمی‌گیرد.

یعنی پدر و مادر در عین پیگیری و توجه به نماز، تقوا، حجاب و دیگر فرائض فرزندان، باید به معرفت دینی آنان: خداشناسی، پیامبرشناسی، معادشناسی و بالاخص ولایت و امام زمان‌شناسی آنان بهای بیشتری داده و فرصت بیشتری بر آن بگذارند. در روایت دیگری که اهل سنت از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند، آمده است: جابر بن عبدالله انصاری، صحابی بزرگوار رسول خدا صلی الله علیه و آله در کوچه‌ها و محله‌های شهر مدینه می‌چرخید و می‌گفت:

۱. کلینی، محمد، اصول کافی، ج ۲، ص ۴۶۴.

«یا مَعَاشِرَ الْأَنْصَارِ أَدَّبُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى حُبِّ عَلِيٍّ^۱؛ ای گروه انصار، فرزندانان را بر محبت علی علیه السلام تربیت کنید»^۲.

یکی از رسالت‌های تربیتی خانواده‌های مهدوی تربیت نسل مستعد و مهیا از نظر علمی و عملی برای یابوری و اجرای منویات امام زمان است. خانه‌های نورانی به نور ولایت و امامت، کانون تربیت سربازان امام زمان و عهده‌دار پرورش دادن یاوران جان‌برکف برای حضرت هستند که تربیت دینی آنان بر اساس قرآن و عشق پیامبر و آل پیامبر می‌باشد و وجود فرزندان سالم و با ایمان موجب نشاط والدین و سلامت روانی آنها شده و وجود آنها در کنار والدین باعث دل گرمی به آینده می‌شود. والدین نیز ثمره تلاش و کوشش خود را از نزدیک احساس می‌کنند و به همدیگر نزدیک و متحدتر می‌شوند. بر خلاف خانواده‌هایی که تربیت دینی برای فرزندان خود ندارند؛ در این نوع خانواده‌ها کمتر حفظ مقام و شان پدر و مادر می‌شود و فرزندان احترام و حفظ و نگهداری والدین را برای خود وظیفه نمی‌دانند و این نوع تفکر در بین اعضای خانواده باعث دوری از همدیگر می‌شود و به مرور زمان موجب تزلزل و سستی بنیان خانواده می‌شود؛ بنابراین والدین زندگی خود را با وجود فرزندان معنادار می‌دانند و با وجود فرزندان با ایمان و مهدوی به آینده امیدوار و مسیر زندگی را هدفدار دنبال می‌کنند و هر چه جلوتر می‌روند احساس تحکیم بین اعضای خانواده بیشتر می‌شود و از تزلزل و سستی در خانواده خبری نیست.

۵. جلوگیری خانواده از ناهنجاری‌های رفتاری و افراط و تفریط

امیرالمومنین علیه السلام می‌فرماید:

إِنَّ مَنْ أَدْرَكَهَا مِنْ أَيْسَرِ فِيهَا بِسِرَاجٍ مُنِيرٍ وَ يَحْذُو فِيهَا عَلَى مِثَالِ الصَّالِحِينَ لِيَحُلَّ فِيهَا رِبْقًا وَ يَعْتِقَ فِيهَا رِقًا وَ يَصْدَعَ شَعْبًا وَ يَشْعَبَ صَدْعًا^۱ بدانید! آن کس از ما (اهل

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۱۸.

۲. قندهاری، هادی، آثار اعتقاد به امام زمان، ص ۸۱.

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۱۷.

بیت پیامبر (علیه السلام) که آن فتنه‌ها را در یابد، با چراغ روشنی بخش، در آن می‌نهد و به سیره و روش صالحان (پیامبر و ائمه اهل بیت) رفتار می‌کند. او می‌آید تا در آن میان گره‌ها را بگشاید، بردگان را آزاد سازد، ستمگران متحد را پراکنده کند و حق جویان متفرق را گرد هم آورد.

انحراف و ناهنجاری، سابقه دیرینه‌ای در زندگی بشر دارد. در قرآن و آیات خلقت آدم آمده است که فرشتگان، آفرینش موجود زمینی را مایه خون‌ریزی و فساد در زمین می‌دانستند،^۱ به گونه‌ای که پس از هبوط حضرت آدم ابوالبشر به زمین، تاکنون شاهد انواع جنایت، فساد، تباهی و انحراف هستیم. از سوی دیگر، پروردگار حکیم هنگام خلقت بشر، خوب و بد را به نفس او الهام کرد: «فَالْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا»؛^۲ خداوند در عین این‌که انسان را به وجدان و فطرت متنعم کرد (رسول باطنی)، رسولانی برای او فرستاد تا به واسطه آنان، سعادت دنیا و آخرتش را در دفتری به نام «دین» در دست وی قرار دهد تا بتواند رفتار فردی و اجتماعی خویش را سامان بخشد.^۳ بنی‌آدم به جای لیبک گفتن به ندای باطنی و فطری خویش، از نفس اماره پیروی کرد و راه انحراف را در پیش گرفت. روشن است که ساختار جامعه با این کژی‌ها و انحراف‌ها متزلزل می‌شود و نمی‌تواند سعادت و کمال بشر را تضمین کند. از این‌رو، کنترل و مراقبت در رفتار فردی و اجتماعی انسان‌ها، امری ضروری است.

بنابراین، یکی از تاثیرات مهم آموزه‌های مهدوی می‌تواند کنترل خانواده‌ها باشد که همواره آثار چشم‌گیر خود را در زمینه مهار جرم و کج‌روی برجا نهاده و توجه متفکران علوم اجتماعی را به خود جلب کرده است.^۴ این آثار می‌تواند نقش مهمی در کنترل ناهنجاری‌های خانوادگی داشته باشد و در واقع، نوعی آمادگی برای پاک شدن، پاک

۱. سوره بقره، آیه ۳۰.

۲. سوره شمس، آیه ۸.

۳. میر بحی، شمس‌الله، تبیین جامعه شناختی واقعه کربلا، صص ۳، ۵ و ۶.

۴. سلیمی، علی و محمد داودی، جامعه شناسی کج‌روی، ص ۶۹۲.

زیستن، پویش همیشگی همراه با خودسازی و ساختن دیگران باشد. به طور کلی، آموزه‌های مهدوی، با نظارت بر خانواده‌ها، سبب همبستگی بین اعضای خانواده و تشکیل یک خانواده اخلاقی می‌گردد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

مَنْ سُرَّ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ^۱ هر کس که دوست دارد و دلش می‌خواهد از اصحاب حضرت مهدی علیه السلام باشد؛ پس به دوری از گناه، تقوا و محاسن اخلاق عمل کند در حالی که منتظر است.

کنترل خانواده‌ها، سبب می‌شود فرد به واسطه تعلق به اعضای خانواده از ارزش‌های آنها پیروی کند.^۲ این کنترل، ادامه فرایند خانواده پذیری است. خانواده پذیری، هم‌نوایی داوطلبانه و اختیاری به شمار می‌آید؛ وقتی هم‌نوایی صورت نگیرد، مکانیسم‌های کنترل اجتماعی برای انتقال و تحمیل و اجرای هنجارها و انتظارات اجتماعی به کار می‌روند. در واقع، در خانواده، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی به فرد آموخته می‌شود و سپس رفتار او به وسیله این «کنترل» به جامعه انتقال پیدا می‌کند.^۳

یکی از پی‌آمدهای گسترش ناهنجاری و کج‌روی در جامعه، بی‌معنا شدن زندگی است. در جامعه‌ای که افراد به ارزش‌ها و هنجارها پای‌بند نباشند و سنت‌ها و مقررات خانه و جامعه به طور گسترده نادیده گرفته شود، نظم این دو مختل می‌گردد و زندگی کردن در آن محیط ناخوشایند می‌شود و یکی دیگر از پی‌آمدهای کج‌روی و ناهنجاری‌ها و عوامل تداوم و شیوع آنها در خانواده‌ها، ناامید شدن اعضای ناهنجار از بازگشت به زندگی سالم و به تعبیر دقیق‌تر، خانواده‌پذیر شدن مجدد و پذیرش عضویت آنها در خانواده است. معمولاً بعضی از افراد کج‌رو مثل معتادان پس از ترک اولیه و بعد از مدت کوتاهی، درمی‌یابند زندگی آبرومندانه برایشان مهیا نیست؛ بنابراین، برای رسیدن به زندگی متعادل، دچار سرخوردگی و در برابر سرنوشت جامعه، بی‌رغبت می‌شوند. این ناامیدی، آنها را به ادامه

۱. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۰.

۲. کوئن، بروسن، درآمدی بر جامعه‌شناسی، ص ۲۱.

۳. ستوده، هدایت‌الله، آسیب‌شناسی اجتماعی، ص ۱۳۶.

دادن به ناهنجاری گذشته تشویق می‌کند. در این میان، به تعبیر امام صادق علیه السلام، مهدویون، هدایت یافته‌گانند:

طوبی لمن تمسک بأمرنا فی غیبة قائمنا فلم یزغ قلبه بعد الهدایة؛^۱ خوشا به حال کسی که در زمان غیبت قائم ما، به امر ما چنگ زند؛ زیرا پس از هدایت شدن، قلبش نخواهد لغزید.

این گروه به وظیفه خود در مهرورزی عمل می‌کنند و با معرفی راه بازگشت کج‌روان به خانواده، امید به زندگی را در وجود آنها شکوفا می‌کنند و آنان را به «خودآگاهی»^۲ می‌رسانند. در این صورت، اعضای ناهنجار به دامن پر مهر خانواده برمی‌گردند و می‌فهمند که وجود و سرنوشتشان در خانواده، برای دیگران مهم است. این آگاهی از هویت خانواده که خود را عضوی از خانواده می‌دانند، آنان را در جبران اعمال گذشته یاری می‌کند و مانع از هنجارشکنی مجددشان می‌شود. بدین ترتیب اعضای خانواده با استفاده از آموزه‌های مهدوی از ناهنجاری‌های رفتاری جلوگیری کرده و شیوه زندگی صحیح را می‌آموزند و در پیوند مستحکم با خانواده، هنجارهای رفتاری را رعایت و به تحکیم و تعالی می‌رسند.

و یکی از خاصیت‌هایی - که دین مقدس اسلام بر آن تاکید دارد - اعتدال و میانه روی است. خود قرآن کریم امت اسلام را به نام امت وسط نامیده است و این تعبیر، تعبیر بسیار عجیب و فوق‌العاده‌ای است. امت و قوم و جمعیتی که واقعاً و حقیقتاً دست پرورده قرآن - کریم باشند، از افراط و تفریط، از کندروی و تندروی، از چپ روی و راست روی، از همه اینها برکنارند. قرآن می‌فرماید: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا»^۱ و بدین گونه شما را امتی میانه قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید و پیامبر بر شما گواه باشد».

۱. ابن بابویه، محمد، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۵۸؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۳.

۲. آنتونی گیدنز، جامعه‌شناسی، ص ۷۸۵.

۱. سوره بقره، آیه ۱۴۳.

پس لازم است برای حفظ خود و خانواده از افراط و تفریط از آموزه‌های مهدوی کمک گرفت و یکی از آموزه‌های تربیتی در اندیشه مهدویت، تعادل و اعتدال در روش‌ها و رویکردهای تربیتی و ایجاد خانواده‌ای متعادل، عادلانه و متوازن است؛ یعنی، سامان بخشی به رفتارها و گفتارهای نادرست، کژتابی‌ها و افراط و تفریط‌ها در زندگی فردی و اجتماعی. با استفاده از عدالت – که یکی از ویژگی‌های امام زمان است – می‌توان از افراط و تفریط جلوگیری کرد.

عدل بخش‌هایی دارد که بعضی نسبت به بعضی دیگر گسترده‌تر می‌باشد و درجات آن براساس میزان پیشرفت انسان تعیین می‌گردد:

۱. عدل با خود؛
 ۲. عدل با خانواده: «فانكحوا ما طاب لكم من النساء مثنى و ثلاث و رباع فإن خفتم ألا تعدلوا فواحدة»؛^۱
 ۳. عدل با نزدیکان: «وَ إِذَا قُلْتُمْ فَاعْدُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَى»؛^۲
 ۴. عدل در گستره ملت یا امت و اجتماعی که فرد یا گروه با آن سروکار دارد: «وَ إِن طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ... فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ»؛^۳
 ۵. عدل در حوزه تمام انسانها: «وَ إِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ» و...^۴
- عدل در جمیع حالات مطلوب است. شیوع عدل با دشمنان و دوستان، در هنگام دشمنی‌ها و بدرفتاری‌ها یا خوش‌رفتاری‌ها، نشان دهنده همبستگی، کمال و استقامت است.^۵ عدالت بیش از آنچه، آثار بیرونی و فیزیکی داشته باشد؛ آرام بخش، تنظیم کننده،

۱. سوره نساء، آیه ۳.

۲. سوره انعام، آیه ۱۵۲.

۳. سوره حجرات، آیه ۹.

۴. سوره نساء، آیه ۵۸.

۵. «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلَيْنِ أَحَدُهُمَا أَبْكَمُ لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ وَ هُوَ كُلُّ عَلَى مَوْلَاهُ أَيْنَمَا يُوَجِّههُ لَا يَأْتِ بِخَيْرٍ هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَ مَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ هُوَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»؛ (سوره نحل، آیه ۷۶).

متعادل و متوازن کننده انسان است؛ صفاتی که بشر برای داشتن یک زندگی ایده آل و متناسب با شئون مختلف خود به شدت نیازمند آنها می‌باشد. به همین جهت است که بین شکل گیری جامعه مطلوب جهانی و تحقق فراگیر و کامل عدالت، پیوند مستقیمی وجود دارد و همه اینها به دست امام زمان علیه السلام صورت می‌گیرد.

تعلیم و تربیت مهدوی، با رشد کاملاً هماهنگ و یکپارچه شخصیت سر و کار دارد و شامل امور معنوی، جسمانی، عقلانی، اجتماعی و قابلیت‌های اخلاقی که در برگیرنده کل وجود انسان است، می‌شود و در واقع بین همه این ابعاد، اعتدال و توازن و تناسب برقرار می‌کند.

خانواده مهدوی با تأسی از تعلیم و تربیت مهدوی می‌کوشد عدالت را به معنای واقعی و فراگیر آن بر همه رفتارها، برنامه‌ها و آرمان‌های خانواده خود حاکم کند و اعتدال و توازن واقعی را به زندگی برگرداند. ریشه بسیاری از کژروی‌ها و انحرافات، اعوجاج از خط و آرمان اصیل زندگی (خط توحید و پاکی) و گرفتار آمدن در دام افراط و تفریط و خروج از دایره عدل و توازن است. این حیات واقعی و متعادل را می‌توان از الگوی خانواده مهدوی به دست آورد و بعضی از نارسایی‌ها و ناهنجاری‌ها را در پرتو آن اصلاح کرد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

أُبَشِّرُكُمْ بِالْمَهْدِيِّ يَبْعَثُ فِي أُمَّتِي عَلَى اخْتِلَافٍ مِنَ النَّاسِ وَ زَلْزَالَ يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مِلْتُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ سَاكِنُ الْأَرْضِ؛^۱ «مژده می‌دهم شما را به مهدی علیه السلام که او در امت من به هنگام اختلاف و سختی‌ها بر انگيخته می‌شود؛ پس زمین را پر از قسط و عدل می‌سازد؛ همان طور که از جور و ستم پر شده باشد. ساکنان آسمان و زمین از او راضی می‌شوند.

با رستاخیز مهدی علیه السلام ظلم و ستم به دیار عدم سفر می‌کند و جای خود را به عدل و داد می‌سپارد و عدالت اجتماعی فراگیر می‌شود و ثمره تلاش و کوشش انبیا به پا می‌نشیند

۱. طوسی، محمد بن الحسن، کتاب الغیبه، ص ۱۷۸.

و همه طعم شیرین عدالت را می‌چشند:

و یحییها بالقائم ﷺ فیعدل فیها فیحیی الأرض بالعدل بعد موتها بالظلم^۱؛ زمین را به وسیله قائم زنده می‌کند، پس او در آن عدالت می‌ورزد. در نتیجه زمین با عدالت او حیات می‌یابد؛ بعد از آنکه با ظلم مرده بود.

با نبود عدالت در زندگی، مرگ اخلاقی متوجه خانواده می‌شود، ولی با تحقق آن، خانواده و در کنار آن جامعه از حیات و بالندگی واقعی برخوردار می‌شود و این بدان جهت است که اعتدال و تعادل، لازمه زندگی بشر، به خصوص در عرصه اخلاق و تربیت است. خروج و طغیان انسان از حدّ میانه اخلاق و رسوم و ارزش‌ها، او را در ورطه فساد، ظلم، حیوانیت و غیره می‌اندازد و از مسیر درست خارج می‌سازد. پس باید به این نکته توجه داشت که برای دستیابی به این هدف والا، می‌توان از روش‌ها و شیوه‌های متعادل و عدالت‌گرا در تعلیم و تربیت مهدوی بهره گرفت و از افراط و تفریط و کندروی و تندروی در این زمینه، دوری جست.^۲

۶. مبارزه با انحرافات و آسیب‌های مهدوی

هر امر مهمی به نسبت اهمیتش، در معرض خطرهای و آسیب‌هایی است؛ معارف مهدویت نیز از این قاعده مستثنی نیست و اندیشه مهدوی نیز همچون هر اندیشه و فرهنگی دیگر از طرف مخالفان و بدخواهان دچار آفت‌ها و آسیب‌هایی می‌شود که اگر به آن‌ها توجه نشود و به موقع برای برطرف ساختن آن‌ها اقدام نگردد، آثار منفی و مخربی به دنبال خواهد داشت. آسیب، عاملی است که سبب اختلال، ناهنجاری و آفت در پدیده‌ها می‌شود و آسیب‌شناسی به معنای بازشناسی اختلال‌های مفهومی و مصداقی بحث است. این اختلال‌ها ممکن است در اثر ناکارآمد بودن و ضعف روش‌های پیام‌رسانی یا محتوایی پیام باشد.

۱. خمینی، روح الله، صحیفه نور، ج ۲، ص ۱۸۰.

۲. کارگر، رحیم، تعلیم و تربیت در عصر ظهور، ص ۱۸۰.

در معارف مهدوی نیز هر گاه مفاهیم و آموزه‌ها با بدفهمی روبرو یا به صورت نابه‌جا برای خانواده‌ها القاء و یا خودشان برداشت نابه‌جایی داشته باشند، آسیب‌های چشم‌گیری خواهد داشت و باید کج‌روی و کج‌اندیشی‌هایی که تاکنون در این موضوع صورت گرفته است، بازشناسی شده و دیدگاه‌های مهدوی به دور از اختلال‌های مفهومی و مصداقی بیان شوند.^۱

مهم‌ترین آسیب‌های مهدویت

الف) امیدواری بدون عمل

برخی گمان می‌کنند که تنها اعتقاد به اهل بیت و محبت امام زمان علیه السلام کافی است؛ این افراد می‌پندارند که در قبال گناهشان عذابی نخواهد بود. این توهم که در قرآن و روایات مردود شمرده شده است، تمنی یا امید کاذب نام دارد. چنین کسانی چون اهل کتاب فکر می‌کنند و تصور می‌کنند همین که نام دین و مذهب را بر خود نهاده‌اند، اهل سعادت هستند و عذاب نخواهند شد. متأسفانه، برخی افراد در قالب سخن یا شعر و بدون توجه به جایگاه و ضوابط توسل و شفاعت اهل بیت ایجاد کننده یا تقویت کننده این آسیب و طرز تفکرند.^۱

پیامدهای این امید کاذب مواردی مهم همچون عمل نکردن به وظایف فردی و اجتماعی (واجبات، محرمات و...)، انتظار منفی و عدم اقدام عملی و انجام وظیفه در قبال امام علیه السلام و توهم بی‌جا (رضایت از خوشتن و عملکرد خود) می‌باشد.

ریشه این انحراف اجتماعی در عواملی مانند تفاوت نگذاشتن میان امید و رجای واقعی با خیال‌پردازی و آرزوگرایی و عدم شناخت جایگاه آن، هوای نفس به عنوان ریشه توجیهات، عدم شناخت خدای مهربان و حکیم که خداوند گرچه مهربان است، حکیم و

۱. معین الاسلام، مریم، «چشم‌اندازی به برخی از آسیب‌های تربیتی مهدویت»، فصلنامه علمی- پژوهشی

انتظار موعود، ش ۱۱-۱۲، ص ۲۱۷-۲۴۹.

۱. پور طباطبایی، محمد، در جستجوی قائم، ص ۱۵۵.

عادل هم هست و دیدگاه احساسی و غیر منطقی نسبت به ائمه و عدم درک قهر و مهر آنان می‌باشد.^۱

ب) نمایش چهره‌ای خشن از حضرت

این مطلب که با روح آیات و رسالت پیامبران و اوصیا سازگاری ندارد، دارای پیامدهایی همچون ایجاد دلزدگی و نفرت نسبت به امام، ترس و خوف از حضرت و عدم پذیرش امام به عنوان پدری مهربان و ناامیدی از انجام اعمال صالح به جهت ترس از عدم پذیرش توسط امام، با این تصور که اکثریت کشته خواهند شد و حضرت اعمال او را نیز نخواهد پذیرفت، می‌باشد. نتیجه اینکه نفرت و خشونت و یأس، باعث عدم انگیزه برای درک و حتی تأمل درباره حضرت و راه و مرام او می‌گردد. ریشه این انحراف خطرناک در عدم بصیرت کافی و نگاه خانواده به دین و عدم بررسی استدلالی و سندی روایات، قابل جستجو است.^۲

برخی از خانواده‌ها به علت نداشتن نگاه جامع به دین و بدون بررسی دقیق روایات و سند آنها، به شنیده‌ها اکتفا کرده و چهره‌ای خشن از امام عصر علیه السلام ارائه می‌دهند؛ در حالی که در روایتی امام رضا علیه السلام در این باره فرموده‌اند:

الْإِمَامُ الْأَنْبِيُّ الرَّفِيقُ وَالْوَالِدُ الشَّقِيقُ وَالْأَخُ الشَّقِيقُ وَالْأُمُّ الْبَرَّةُ بِالْوَلَدِ الصَّغِيرِ وَمَفْزَعُ الْعِبَادِ فِي الدَّاهِيَةِ النَّادِ؛^۱ امام همدمی سازگار، پدری مهربان، برادری تنی، مادری خوش‌رفتار با کودک خردسال و پناه مردم در پیش‌آمدها و کارهای بزرگ است.

ج) تعجیل و شتابزدگی

یکی دیگر از آسیب‌های مهدوی برای خانواده‌ها، عجله داشتن آنها در تحقق امر ظهور است. شتاب‌زدگی یا استعجال به معنی خواستن چیزی قبل از رسیدن وقت آن و قبل از

۱. همان، ص ۱۵۸-۱۶۱.

۲. طبسی، نجم‌الدین، درنگی در قتل‌های آغازین، ص ۷۳-۷۹.

۱. کلینی، محمد، اصول کافی، ج ۱، ص ۲۰۰.

تحقق زمینه‌ها و آمادگی خانواده‌ها و جامعه برای ظهور است. منشأ تعجیل در ظهور این است که خانواده‌های عجول نمی‌دانند ظهور از سنت‌های الهی است و مانند همه سنت‌ها باید پس از تحقق همه شرایط و زمینه‌ها، صورت گیرد؛ بنابراین برای وقوع آن عجله می‌کنند؛ در حالی که شتاب‌زدگی در این امر در روایات ما بسیار نکوهش شده است. امام جواد علیه السلام می‌فرمایند:

يَهْلِكُ فِيهَا الْمُسْتَعْجِلُونَ وَ يَنْجُوا فِيهَا الْمُسْلِمُونَ؛^۱ [در دوره غیبت]، شتاب‌زدگان در امر ظهور هلاک می‌شوند و اهل تسلیم نجات می‌یابند.

گرچه نزدیک شمردن ظهور، مہیای ظهور بودن و کوشش برای زمینه‌سازی ظهور، بسیار مفید و پر ثمر است؛ اما نباید در این راه شتاب‌زده بود. شتاب‌زدگی حاکی از درک نکردن حکمت و مصلحت خدا در این زمینه است.

(د) تعیین وقت برای ظهور

یکی دیگر از آسیب‌ها تعیین وقت برای ظهور است؛ اگر چه گسترش شور و شوق عمومی برای ظهور حضرت حجت علیه السلام پدیده مبارکی است، اما اگر این پدیده به تعیین زمان برای ظهور و امیدوار ساختن خانواده‌ها به ظهور ایشان در زمانی معین منجر گردد، جای تأمل بسیار دارد؛ زیرا بر اساس برخی روایات نقل شده از ائمه علیهم السلام هیچ کس جز خدای تبارک و تعالی از زمان ظهور آگاهی ندارد و از این رو تعیین وقت برای ظهور (توقیت) جایز نیست و حکمت الهی بر این است که وقت ظهور آن حضرت بر بندگان مخفی بماند؛ بنابراین احدی نمی‌تواند زمانی برای ظهور تعیین کند.

فضیل بن یسار از امام باقر علیه السلام پرسید: «هل لهذا الامر وقت؟ فقال: كَذَبَ الْوَقَاتُونَ، كَذَبَ الْوَقَاتُونَ، كَذَبَ الْوَقَاتُونَ؛^۱ آیا برای این امر وقتی معین است؟ آن حضرت سه مرتبه فرمودند: آنان که وقتی برای آن تعیین می‌کنند، دروغ می‌گویند».

۱. ابن بابویه، محمد، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۸.

۱. طوسی، محمد، غیبت، ص ۴۲۶.

و نیز در توقیعی که از ناحیه مقدسه صاحب‌الزمان علیه السلام در پاسخ به پرسش‌های اسحاق بن یعقوب صادر شده، چنین می‌خوانیم:

و ظُهُورُ الْقَرَجِ فَإِنَّهُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ وَ كَذَبَ الْوَقَّاتُونَ؛^۱ و اما آشکار شدن فرج، به اراده خداوند است و آنان که (برای ظهور) وقت تعیین می‌کنند دروغ می‌گویند.

بنابراین لازم است خانواده‌ها برای جلوگیری از تزلزل و به انحراف کشیده شدن، خود را از دام شیادان و نیز نادانان حفظ کنند و درباره زمان ظهور تنها منتظر اراده پروردگار باشند.

هـ) تطبیق نشانه‌های ظهور بر مصادیق خاص

آسیبی که پیوسته بعد از غیبت امام عصر علیه السلام وجود داشته، مطابقت دادن نشانه‌های ظهور بر وضعیت هر زمان است، به این معنا که عده‌ای با خواندن یا شنیدن چند روایت در علایم ظهور، آن‌ها را به افراد یا حوادثی خاص تطبیق می‌دهند؛ اما آن‌چه آسیب و آفت است، مطالب و ادعاهایی است که این افراد با خواندن یک یا دو روایت، بدون تشخیص صحیح بودن آنها و بدون بررسی آیات و روایات دیگر، مطرح می‌کنند؛ یعنی بدون داشتن تخصص به اظهار نظر می‌پردازند.

و) ملاقات‌گرایی

از آسیب‌هایی که در عصر غیبت برای خانواده‌ها ممکن است اتفاق بیفتد، مدعیانی هستند که بی‌دلیل یا به ساده‌ترین اتفاق، ادعای ملاقات می‌کنند، یا کسانی که تمام وظیفه خویش را رسیدن به دیدار حضرت می‌پندارند و از باقی وظایف غافل شده و افراد را تنها به این عمل، به عنوان برترین وظیفه، فرا می‌خوانند.

از پیامدهای این آسیب می‌توان به یأس و ناامیدی در اثر عدم توفیق دیدار، توهم‌گرایی و خیال‌پردازی، رویکرد به شیادان و مدعیان مهدویت، نیابت و مدعیان ملاقات، دور ماندن از انجام وظایف اصلی به دلیل اهتمام بیش از اندازه و غیر متعادل به دیدار و بدبینی

۱. ابن بابویه، محمد، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۸۳.

به امام علیه السلام به علت عدم دیدار اشاره کرد. متأسفانه این آسیب از نبود بصیرت و آگاهی نسبت به دین و شناختن وظایف اصلی و فرعی، توهم و خیال پردازی و هوای نفس نشأت می گیرد.

مهم ترین راه درمان این آسیب، توجه و رویکرد به منابع اصیل و معارف ناب دین در پرتو مراجعه به علمای دین است که در این صورت برای خانواده ها روشن می شود که بسیاری از امور مانند ملاقات حضرت ولی عصر علیه السلام، اگر چه مطلوب و خوب هستند، اما خدای متعال آن ها را به عنوان وظیفه بر دوش ما ننهاده یا این که در میان تکالیف و وظایف دینی رتبه بندی وجود دارد و در مقام عمل لازم است به درجه اهمیت و ضرورت آنها توجه شود. به راستی در میان وظایفی مانند تقوا، خودسازی، تکالیف اجتماعی، انتظار و... ملاقات چه جایگاهی دارد؟!

۷. ایثارگری و شهادت طلبی

ایثار در لغت به معنی برگزیدن، غرض دیگران را بر غرض خویش مقدم داشتن و منفعت غیر را بر مصلحت خود مقدم داشتن^۱ و در اسلام به معنای تلاش، فداکاری، بخشش و اخلاص در راه خدا آمده است که بیانگر رشد و معرفت الهی انسان است و با مفاهیمی همچون شهادت، خیرخواهی و دیگرخواهی همراه است و همینطور شهادت در لغت به معنی گواه و در اصطلاح کسی که در مورد مسئله ای گواهی و شهادت بدهد، مطرح گردیده است.^۲ ایثار و شهادت، به عنوان یک فرهنگ متعالی در زمره عالی ترین مفاهیم الهی و نتیجه والاترین ارزش هایی می باشند که یک انسان متعهد می تواند به آن مقام دست یابد. این مفاهیم اثرگذار و حرکت آفرین قادرند تا فضای یک خانواده را به صورت گسترده تحت تأثیر قرار داده و والاترین برکات را برای آن به همراه داشته باشند. فرهنگ ایثار و شهادت در بردارنده آثار و برکات عظیمی است که به شکل مستقیم و

۱. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، ص ۳۶۸۲.

۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ص ۲۲۵.

غیرمستقیم خانواده و جامعه را شامل می‌شود؛ چرا که ایثار و شهادت یکی از غنی‌ترین گنجینه‌های فرهنگ اسلامی و شیعی است که جلوه‌های اعجاب انگیز آن در طول قرن‌ها و به خصوص سالهای انقلاب و دفاع مقدس به روشنی آشکار گردید و شگرف‌ترین و عظیم‌ترین صحنه‌های از خود گذشتگی انسان‌ها در آن تبلور یافت.^۱ اما مسأله اساسی در این زمینه این می‌باشد که چنین گنج گران‌بهایی را نمی‌توان با نگرش‌های سطحی به دست آورد، بلکه به دست آوردن آن در گرو داشتن باور عمیق و اندیشه بلند است و می‌بایست چنین تفکری را به کمک آموزه‌های مهدوی به دست آورد و پر واضح است که شناسایی راه‌ها و اتخاذ شیوه‌هایی که بتواند این فرهنگ را به بهترین شکل ممکن در خانواده و جامعه مطرح ساخت، طبعاً نیازمند بررسی دقیق، همه‌جانبه و مستمر است و یقیناً در این زمینه باید به مسئله مهدویت و تاثیرگذاری اندیشه‌های مهدوی روی ایثار و شهادت طلبی خانواده‌ها توجه جدی داشت، چرا که در اثر توجه به اندیشه‌های مهدوی است که منجر به بیداری و آگاهی خانواده‌ها نسبت به مقوله ایثار و شهادت خواهیم شد.

آموزه‌های مهدوی، بزرگ‌ترین تحول بشری را در جامعه به وجود می‌آورد. عمق این معارف، از عمیق‌ترین معارف بشری است. منظور ما از (عمق)، بلندای اهداف و عظمت آرمان‌ها است که در عمل نیز به وقوع خواهد پیوست. این آموزه‌ها، به شعارهای پرزرق و برق و اهداف کم مایه نمی‌پردازند، بلکه خانواده‌ها را به سوی معنویت و رشد هدایت می‌کنند و تمام استعدادهای آنان را به سمت تعالی و شکوفایی جهت می‌دهند.

از عمق این معارف و اهداف بلند آن، می‌توان به عمق باورها و ژرفای نگاه‌ها رسید:

بینش عمیق

خانواده‌های مهدی علیه السلام در عصر غیبت در اثر آموزه‌های مهدوی از بینش‌هایی عمیق و ژرف، نسبت به خداوند، امام، انسان و هستی برخوردارند.

۱. اربابی، مهرداد، «بررسی راهکارهای اجرایی ترویج فرهنگ شهادت و ایثار در دانشگاه‌ها»، فصلنامه فرهنگی -

الف) بینش عمیق نسبت به حق تعالی

قال علی علیه السلام:

رجال عرفوا الله حق معرفته و هم أنصارالمهدی فی آخرالزمان؛^۱ مردانی که خدا را آن چنان که شایسته است شناخته‌اند و آنان، یاران مهدی علیه السلام در آخر الزمان‌اند.

ب) بینش عمیق نسبت به امام علیه السلام

یاران مهدی علیه السلام امام خود را می‌شناسند و به او اعتقاد دارند. امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «القائلین بامامته»؛^۲ اعتقادی که در ژرفای وجودشان ریشه دوانده و سراسر جانشان را فرا گرفته است.

ج) بینش عمیق نسبت به انسان و هستی

اگر یاران امام به کم‌ها قانع نیستند و در حرکت فراگیرشان، اهداف کم‌مایه را دنبال نمی‌کنند؛ به جهت ژرفای نگاهی است که نسبت به خود و جهان پیرامون خود دارند. نگاه‌های آنان، از آرمان‌های کم‌ارزش، برگرفته و به اوج‌های متعالی دوخته می‌شود. یاران امام، با تأمل در خویشتن و استعدادهای شگفت‌انگیزشان، عظمت قدر خود را درمی‌یابند و از اینکه دنیا و معبودهای دنیوی، آنان را اشیاع نمی‌کنند، مسیر بودن دنیا و سالک بودن خویش را می‌فهمند. آنان با این نگاه، به معبودی پیوند می‌خورند که از تمام کاستی‌ها و زشتی‌ها مبرا است و می‌تواند آنان را سرشار و ظرفیت‌هایشان را تکمیل کند. پیوند با این معبود نامحدود و مهربان، نگاه‌ها را زیبا و متعالی می‌کند.

آنان که خدا و امام را شناختند، نهایت آرزویشان شهادت در راه خدا و در رکاب امام است. امام صادق علیه السلام فرمود: و آنان را مشتاق شهادت و لقای الهی می‌کند: «و یتمنون أن

۱. صافی گلپایگانی، لطف‌الله، منتخب‌الائمه، ص ۶۱۱

۲. همان، ص ۲۴۴

يُقْتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛^۱ آرزو می‌کنند که در راه خدا به شهادت برسند».

۸. فروتنی و تواضع

آموزه‌های مهدوی خانواده‌ها را به سوی بندگی خداوند و رسیدن به عالی‌ترین مراتب سوق می‌دهد و یکی از این مراتب تواضع و فروتنی است که از صفات کمال انسان می‌باشد. قرآن مجید فروتنان را بندگان شایسته خدا شمرده و فرموده است: ﴿وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا...^۲ بندگان خدای رحمان، کسانی هستند که در روی زمین، متواضعانه قدم بر می‌دارند﴾. رسول خدا ﷺ فرمود:

إِنَّ التَّوَّاضِعَ يَزِيدُ صَاحِبَهُ رِفْعَةً فَتَوَاضَعُوا يَرْفَعَكُمُ اللَّهُ؛^۳ فروتنی بر مقام صاحبش می‌افزاید، پس متواضع باشید تا خداوند، مرتبه شما را بلند گرداند.

با این وصف، روشن می‌شود که آموزه‌های مهدوی که همان دستورهای دین خدا، پیامبر اسلام و ائمه می‌باشد بر متواضع بودن انسان تأکید دارد و آن را یکی از ارزش‌های والای انسانی می‌داند و نمی‌پسندد که پیروانش به جای مزین شدن به فضیلت تواضع به رذیلت تکبر آلوده گردند.

یکی از اصول اخلاقی که رعایت آن در زندگی مشترک خانوادگی اهمیت بالایی دارد، تواضع زن و مرد نسبت به یکدیگر است و نیز رسیدن به این باور که با تشکیل زندگی مشترک، هر دو طرف عالی‌ترین سرمایه‌های وجود خود؛ یعنی عواطف و احساسات و قلب و روح خود را شریک هم گردانیده‌اند؛ اگر چه هر کدام سلیقه و استعداد و خصوصیت‌های اخلاقی متفاوتی دارند.

مردی که متواضع است، مرد بودن او و موقعیت علمی و اجتماعی او سبب نمی‌شود که

۱. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۱، ص ۱۱۴؛ مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

۲. سوره فرقان، آیه ۶۳.

۳. کلینی، محمد، اصول کافی، ج ۲، ص ۱۲۱؛ مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۱۹.

با حس برترینی با همسرش رفتار کند و در نتیجه زمینه پیدایش بسیاری از ناهنجاری‌های اخلاقی، همانند: تکبر، تحقیر همسر و پرخاشگری نسبت به او هموار شود. زن هم اگر به دور از کبر و غرور باشد، گذشته و موقعیت خانوادگی خود را برای شوهرش بزرگ جلوه نمی‌دهد، علم و مدرکش را در برابر همسرش به چیزی نمی‌انگارد و انجام کارهای منزل را جهاد فی سبیل الله می‌داند. در این صورت است که خوشبختی و تعالی خانواده فراهم می‌شود.

تواضع، محیط خانه را گرم و با صفا می‌کند، محبت و دوستی را در دل‌ها جای می‌دهد و چنین است که پیوندهای خانوادگی محکم و محکم‌تر می‌شود. این گونه است که تواضع، زینت انسان بزرگ و شریف می‌گردد و زیور شرافت خانوادگی محسوب می‌شود.

نتیجه گیری

هر خانواده مهدوی در هر مکان و زمانی که باشد باید خود را از جهات اعتقادی، رفتاری و فرهنگی که به آن اشاره کردیم مزین به آموزه‌های مهدوی نماید و امام را الگوی تمام عیار خود بداند و برای دیگر خانواده‌ها در جامعه الگو باشد. شاید سخت باشد که یک خانواده بتواند هم ظاهر و هم باطن خود را با آموزه‌های مهدوی هماهنگ سازد به طوری که آن چنان با خویشتن یکی باشد که بزرگ‌ترین بادهای سهمگین نتواند او را از خود واقعی‌اش که همان فطرت خداشناسی و خداجوی است، جداسازد. در جامعه کنونی ما که مشکلات فردی و اجتماعی بسیاری وجود دارد، نیز فرهنگ‌های انحراف کننده‌ای از سوی دشمنان وارد شده است، باور بعضی از خانواده‌ها از واقعیت‌ها و باورها و ارزش‌های اصیل اسلام و آموزه‌های مهدوی دور شده و راه کج را بسیار آسان می‌پیمایند؛ اما یک خانواده که از آموزه‌های مهدوی استفاده می‌کند باید بیش از هر کس مراقب و مواظب خود باشد. خانواده مهدوی شدن خیلی هم آسان نیست؛ البته حضرت ولی عصر هیچگاه افراد و خانواده‌هایی که پرچم‌دار اندیشه‌های ایشان هستند را فراموش نکرده و نخواهد کرد.

این همان راه تعالی و تحکیم خانواده است؛ یعنی تا زمانی که خانواده‌ای به امام زمان علیه السلام وصل باشد موفقیت‌ها و پیروزی‌ها به ایشان اقتدا خواهند نمود و در هر راهی که قدم گذاشته شود پیشرفت حاصل می‌کند. انس با خدا و از تعلقات دنیا دوری کردن، تزکیه و تهذیب نفس، خودسازی و خداشناسی؛ همه اینها باعث می‌شود که خانواده در هر مسیری که قدم می‌گذارد ثابت قدم و استوارتر باشد. یک خانواده مهدوی باید بداند چه وظیفه و مسئولیتی دارد. همین آگاهی او را هدایت و به تعالی می‌رساند. مقصد، مسیر و هدف خود را می‌داند و جلوتر از آنچه که تصور کرده پیشرفت خواهد داشت؛ پس هر خانواده زمانی که در این راه قدم نهاد زمینه‌هایی از ترقی و تعالی و پیشرفت - که حاصل پویایی او در مسیر تحکیم و تعالی است - چنان برایش فراهم می‌شود که خود او هم آن را به سختی باور می‌کند؛ پس یک خانواده مهدوی با استفاده از آموزه‌های مهدوی با دیگر خانواده‌های موجود در جامعه تفاوت اساسی و خاصی دارد و آن هم مستحکم و متعالی بودن این خانواده است. آموزه‌های مهدوی برنامه‌های گران‌قدری در جهت رشد و تعالی خانواده‌ها و برون رفت آنها از مشکلات دارد و در تقویت و تحکیم پایه‌های حیات دنیوی و اخروی آنها ارائه می‌دهد.

در این میان یکی از برجسته‌ترین برنامه‌ها باور داشت مهدویت است که دارای ظرفیت‌های بسیار غنی در جهت توانمندسازی، امیدبخشی، اصلاح امور و معنویت بخشی خانواده‌ها است که با استفاده از این آموزه‌های متعالی می‌توان در جهت رفع مشکلات و کاستی‌ها قدم برداشت و از تزلزل و از هم پاشیدگی دور شده و در خانواده خود یک روحیه امید ایجاد نمود و با کمک گرفتن از این آموزه‌ها به کمالات معنوی خاصی رسید که خانواده در اثر این کمالات به عالم غیب متصل می‌شود و در یک محیط امن و آرامش به سر می‌برد و به آینده‌ای زیبا و باشکوه توجه می‌کند و در اثر آرمان‌های متعالی که در سر می‌پروراند تصویر روشن و واقعی از آینده و مسیر زندگی پیدا می‌کند و در رشد و تعالی خانواده خود حرکت می‌کند.

ظرفیت‌های اثرگذار مهدویت عبارتند از: ۱. باورداشت و اعتقاد؛ ۲. انتظار؛ ۳. آینده‌نگری؛ ۴. عدالت محوری؛ ۵. خردورزی و تربیت عقلانی؛ که خانواده‌ها با استفاده از این ظرفیت‌های موجود می‌توانند به جایگاه والا در حیات دنیوی و اخروی برسند و در نهایت، نهاد مقدس خانواده خود را به سعادت و تعالی برسانند و در برابر مشکلات و آفت‌های دنیوی و اخروی که به استحکام و تعالی خانواده آسیب می‌رساند در امان باشند و خانواده خود را از ظلمت و تاریکی دور نگه دارند.

اگر خانواده‌ها مولفه‌های شناختی عاطفی و رفتاری که از آن بحث نمودیم و عبارت بودند از: توحیدمحوری، ولایت‌مدار، هدف‌گرایی و فرجام‌باوری، آینده‌نگری و مسئولیت‌باوری، ارتباط با امام، دعا و محبت به امام، جلوگیری خانواده‌ها از هنجارها و افراط‌ها و مولفه‌های دیگر را به نحو احسن بشناسند و آنها را در متن زندگی خود به کار بندند، به طور حتم محیط زندگی‌شان رنگ و بوی خداپرستی و ولایت‌مداری خواهد داد. خانواده‌ای که در آن تعلیم و تربیت، با توجه به این معیار اساسی و مهم صورت گیرد؛ نگاهشان به همدیگر شفقت‌آمیز و مهرورزانه خواهد بود، امکان رشد و بالندگی مداوم و پویایی برایشان فراهم خواهد شد، اشتباهاتشان کم شده، خطاها و نارسایی‌های تربیتی و موانع و بن‌بست‌های زندگیشان رفع می‌شود، از آموزه «انتظار» بهره‌مند گشته و در تربیت نسل منتظر در راستای تحقق آرمان‌های مهدوی و قرار گرفتن در مسیر جامعه آرمانی، ایجاد امید و سرزندگی در خانواده، برقراری انس و ارتباط قلبی با امام عصر و ایجاد پیوند و همسویی تربیت شונده‌گان با ایشان موفق شده و در نتیجه زندگی‌شان هدفمند و به آینده امیدوار و از سستی و تزلزل خانواده به دور خواهند بود و یک خانواده متعالی و مستحکم خواهند ساخت.

منابع

۱. قرآن
۲. آرگایل، مایکل، روان‌شناسی شادی، ترجمه: مسعود گوهری، جهاد دانشگاهی، اصفهان، ۱۳۸۲ ش.
۳. آقائی، پورسید و همکاران، درسنامه تاریخ عصر غیبت، مرکز جهانی علوم اسلامی، قم، ۱۳۷۹ ش.
۴. آوینی، مرتضی، توسعه و مبانی تمدن غرب، ج دوم، نشر ساقی، تهران، ۱۳۷۶ ش.
۵. ابن الاثیر الجذری، مبارک بن محمد، النهاية فی غریب الحديث والاثر، مصر، مطبعة العثمانیة، ۱۳۱۱ ق.
۶. ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، محقق: علی اکبر غفاری، ج دوم، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۳ ق.
۷. ابن بابویه، محمد بن علی، الامالی، ج ششم، کتابچی، تهران، ۱۳۷۶ ش.
۸. ابن بابویه، محمد بن علی، التوحید، ج اول، جامعه مدرسین، قم، ۱۳۹۸ ق.
۹. ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرائع، ج اول، کتاب فروشی داوری، قم، ۱۳۸۵ ش.
۱۰. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، محقق: علی اکبر غفاری، ج اول، جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۲ ش.
۱۱. ابن شعبه، حسن بن علی، تحف العقول، ج اول، مؤسسه امیر کبیر، تهران، ۱۳۸۲ ش.
۱۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، نشر ادب حوزه، قم، ۱۴۰۵ ق.
۱۳. ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم، الغیبه، محقق: علی اکبر غفاری، ج اول، نشر صدوق، تهران، ۱۳۹۷ ق.
۱۴. ابن طاووس، علی، کشف المحجّة، مترجم: اسدالله مبشری، فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۴ ش.
۱۵. احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، دارالاحیاء التراث العربی، مصر، ۱۳۸۹ ق.
۱۶. احمدی، حبیب‌الله، فاطمه الگوی زندگی، ج دوم، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۵ ش.
۱۷. اخوی، ابراهیم، «در اندیشه فردا، آثار آینده نگری از نگاه دین و روانشناسی»، ص ۱۸، مجله حدیث زندگی، بهمن و اسفند ۱۳۸۲، شماره ۱۵.
۱۸. اربابی، مهرداد، «بررسی راهکارهای اجرایی ترویج فرهنگ شهادت و ایثار در دانشگاه‌ها، فرهنگ ایثار»، فصلنامه فرهنگی - اجتماعی، ۱۳۸۳، ش ۴.
۱۹. اعرافی، علیرضا، اهداف تربیت از دیدگاه اسلام، ج هفتم، سمت، تهران، ۱۳۸۵ ش.
۲۰. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، ج اول، سخن، تهران، ۱۳۸۱ ش.
۲۱. اوسطی، حسین، دوازده گفتار درباره حضرت مهدی، مشعر، تهران، ۱۳۹۲ ش.
۲۲. بطحانی گلپایگانی، هاشم، فاطمه کوثر رسالت، روحانی، قم، ۱۳۷۸ ش.
۲۳. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، به اهتمام: غلامحسین مجیدی خوانساری، انصاریان، قم، ۱۳۸۳ ش.
۲۴. پور طباطبائی، محمد، در جستجوی قائم، آستان مقدس صاحب الزمان، قم، ۱۳۷۰ ش.

۲۵. تمیمی آمدی، عبد الواحد، *غرر الحکم و درر الکلم*، ج دوم، دارالکتاب الاسلامی، قم، ۱۴۱۰ ق.
۲۶. توانه‌ای، مجتبی، *فرهنگ نامه الفبایی مهدویت موعودنامه*، ج اول، مشهور، قم، ۱۳۸۲ ش.
۲۷. جعفری، جواد، *مهدویت، پرسش‌ها و پاسخ‌ها*، معاونت پژوهش موسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت)، چ سوم، موسسه آینده روشن، قم، ۱۳۹۰ ش.
۲۸. جعفری، محمدتقی، *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۵۷ ش.
۲۹. جوادی آملی، عبدالله، *تفسیر موضوعی قرآن مجید*، ج اول، اسراء، قم، ۱۳۸۳ ش.
۳۰. جوادی آملی، عبدالله، *شریعت در آینه معرفت*، مرکز نشر فرهنگی رجاء، قم، ۱۳۷۲ ش.
۳۱. حائری، علی بن زین العابدین، *إلزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب*، محقق: عاشور، علی، موسسه الاعلمی، بیروت، بی تا.
۳۲. حبیب‌وند، علی‌مراد، «رابطه‌جهت‌گیری مذهبی با اختلافات روانی و پیشرفت تحصیلی»، فصلنامه روان‌شناسی و دین، مؤسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی، ش ۳.
۳۳. حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، ج اول، مؤسسه آل البيت، قم، ۱۴۰۹ ق.
۳۴. حسینی، اکرم، «تحکیم خانواده در آموزه‌های قرآنی»، کتاب زنان، ش ۲۶، ۱۳۸۸ ش.
۳۵. حلی، احمد بن فهد، *عده الداعی*، وجدانی، قم، بی تا.
۳۶. حیدری نیک، مجید، *نگاهی دوباره به انتظار*، چ سوم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی، قم، ۱۳۸۸ ش.
۳۷. خمینی، روح الله، *صحیفه نور*، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۷۸ ش.
۳۸. دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل، *در انتظار خورشید مغرب*، مجموعه مقالات مهدوی، موعود عصر، بی‌جا، ۱۳۸۵ ش.
۳۹. دهخدا، علی اکبر، *لغتنامه دهخدا*، دانشگاه تهران، تهران، بی تا.
۴۰. دیلمی، حسن، *ارشاد القلوب*، ترجمه: هدایت الله مسترحمی، چ سوم، مصطفوی، تهران، ۱۳۴۹ ش.
۴۱. دیلمی، حسن، *اعلام الدین فی صفات المؤمنین*، دار الاحیاء التراث العربی، قم، بی تا.
۴۲. رحیمی، عزیز الله، *پرورش حس مسئولیت‌پذیری و مشارکت جویی در نوجوانان و جوانان*، صالح، بی‌جا، ۱۳۷۷ ش.
۴۳. ری شهری، محمد، *میزان الحکمه*، ج اول، دارالحديث، قم، بی تا.
۴۴. ریک، وارن، *زندگی هدفمند*، مترجم: جمشید نیک‌نژاد، آی آر پی دی اف، بی‌جا، بی تا.
۴۵. زرشناس، شهریار، *توسعه*، کتاب صبح، تهران، ۱۳۸۳ ش.
۴۶. ساروخانی، باقر، *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*، چ سوم، سروش، تهران، ۱۳۷۹ ش.
۴۷. ستوده، هدایت‌الله، *آسیب‌شناسی اجتماعی*، چ ششم، آوای نور، تهران، ۱۳۷۹ ش.
۴۸. سلیمی، علی، *جامعه‌شناسی کج‌روی*، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۸۰ ش.
۴۹. سلیمیان، خدامراد، *فرهنگ‌نامه مهدویت*، بنیاد فرهنگی مهدی موعود، قم، ۱۳۸۳ ش.

۵۰. سید رضی، نهج البلاغه، ترجمه: حسین انصاریان، چ هفتم، پیام آزادی، تهران، ۱۳۷۹ ش.
۵۱. شاملو، سعید، بهداشت روانی، چ پانزدهم، رشد، تهران، ۱۳۸۱ ش.
۵۲. شرفی، محمد رضا، مقدمه‌ای بر آثار تربیتی و روانشناختی انتظار (سخنرانی‌های گفتمان سوم مهدویت)، بوستان کتاب، قم، بی‌جا.
۵۳. شفیعی، ابراهیم، معرفت امام زمان ع و تکلیف منتظران، موعود عصر ع، تهران، ۱۳۸۷ ش.
۵۴. صافی، لطف الله، امامت و مهدویت، دفتر نشر اسلامی، قم، ۱۳۸۰ ش.
۵۵. صافی، لطف الله، منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر ع، چ اول، مکتب المؤلف، قم، ۱۴۲۲ ق.
۵۶. صدر، محمدباقر، رهبری بر فراز قرون، ترجمه: مصطفی شفیعی، چ اول، نشر موعود، تهران، ۱۳۷۹ ش.
۵۷. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، مفاتیح الغیب، ترجمه: محمدجواد، مولا، تهران، ۱۳۸۴ ش.
۵۸. صدوق، محمد بن الحسین، کمال الدین، موسسه نشر اسلامی، قم، ۱۳۶۳ ش.
۵۹. صدوق، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا ع، محقق: مهدی لاجوردی، چ اول، نشر جهان، تهران، ۱۳۷۸ ق.
۶۰. طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چ پنجم، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۷ ق.
۶۱. طباطبائی، محمد حسین، شیعہ در اسلام، چ دهم، بوستان کتاب، قم، ۱۳۹۱ ش.
۶۲. طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، چ اول، بی‌نا، تهران، ۱۳۷۱ ش.
۶۳. طبسی، نجم‌الدین، درنگی در قتل‌های آغازین، قم، فصلنامه علمی-پژوهشی انتظار موعود، شماره ۶، بهار ۱۳۷۳ ش.
۶۴. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین و مطلع النیرین، مکتبة المرتضویة، تهران، ۱۳۶۵ ش.
۶۵. طوسی، محمد بن حسن، الغیبه، موسسه المعارف الاسلامیه، قم، ۱۴۱۱ ق.
۶۶. عابدی، حمید، «رسوم آیینی و ارزش‌های اخلاقی»، مجله حدیث زندگی، ص ۲۶، خرداد و تیر، ۱۳۸۵، شماره ۲۹.
۶۷. عالم، عبدالرحمن، تاریخ فلسفه سیاسی غرب (از آغاز تا پایان سده‌های میان)، چ دهم، وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۸۵ ش.
۶۸. عاملی، محمد، الجواهر السنیه فی الاحادیث قدسیه، تحقیق: زین العابدین کاظم، دهقان، تهران، ۱۳۸۰ ش.
۶۹. العروسی الحویزی، عبد علی بن جمعة، تفسیر نور الثقلین، مصحح: هاشم رسولی محلاتی، چ چهارم، اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۵ ق.
۷۰. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، محقق: رسولی محلاتی، چ اول، المطبعة العلمیه، تهران، ۱۳۸۰ ق.

۷۱. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، *روضة الواعظین*، ترجمه: مهدوی دامغانی، چ اول، بی‌نا، تهران، ۱۳۶۶ ش.
۷۲. الفراهیدی، الخلیل، *العین*، تحقیق: مهدی الفخری، موسسه دارالهجره، عراق، ۱۴۱۰ ق.
۷۳. فرجاد، محمد حسین، *آسیب‌شناسی اجتماعی*، بدر، تهران، ۱۳۶۳ ش.
۷۴. فقیهی، علی نقی، *جوان و آرامش روان*، مجموعه مقالات، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۸۲ ش.
۷۵. قائمی، علی، *نظام حیات خانواده در اسلام*، چ پنجم، انجمن اولیاء و مربیان، تهران، ۱۳۷۳ ش.
۷۶. قریشی، علی اکبر، *قاموس قرآن*، بدر، تهران، ۱۳۸۲ ش.
۷۷. قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*، چ اول، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۸ ش.
۷۸. قمی، عباس، *مفاتیح الجنان*، چ دوم، بلاغت، قم، بی‌تا.
۷۹. قمی، عباس، *منتهی الامال*، هجرت، قم، ۱۳۷۳ ش.
۸۰. قنادان، منصور، *جامعه‌شناسی مفاهیم کلیدی*، آوای نور، تهران، ۱۳۷۵ ش.
۸۱. قندوزی، حافظ سلیمان بن ابراهیم، *ینایع المودة*، اسوه، تهران، ۱۴۱۶ ق.
۸۲. قندهاری، هادی، *آثار اعتقاد به امام زمان (علیه السلام)*، نشر منیر، تهران، ۱۳۷۸ ش.
۸۳. کارگر، رحیم، *تعلیم و تربیت در عصر ظهور*، چ دوم، بنیاد فرهنگی مهدی موعود، قم، ۱۳۸۹ ش.
۸۴. کارگر، رحیم، *جستارهایی در مهدویت*، چ دوم، بنیاد فرهنگی مهدی موعود، قم، ۱۳۸۹ ش.
۸۵. کارگر، رحیم، *مهدویت و آینده سیاست (دولت)*، از دیدگاه شیعه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم (علیه السلام)، قم، ۱۳۸۳ ش.
۸۶. کاظمی پور، شهلا، *مبانی جمعیت‌شناسی*، چ دوم، مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه، تهران، ۱۳۸۳ ش.
۸۷. کلینی، محمد بن یعقوب، *اصول کافی*، تحقیق: علی اکبر غفاری، چ چهارم، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ ق.
۸۸. کیانی، علی اصغر، *تربیت نسل منتظر*، چ اول، خاکریز، قم، ۱۳۳۸۸ ش.
۸۹. کوئن، بروسن، *درآمدی بر جامعه‌شناسی*، ترجمه: محسن ثلاثی، چ اول، فرهنگ معاصر، تهران، ۱۳۷۰ ش.
۹۰. گیدنز، آنتونی، *جامعه‌شناسی*، ترجمه: منوچهر صبوری، چ دوازدهم، نشر نی، تهران، ۱۳۸۳ ش.
۹۱. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
۹۲. مصطفی، حسینی دشتی، *معارف معارف*، بی‌نا، قم، ۱۳۶۹ ش.

۹۳. مطهری، مرتضی، اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، صدرا، تهران، ۱۳۸۳ ش.
۹۴. مطهری، مرتضی، قیام و انقلاب مهدی علیه السلام ج پانزدهم، صدرا، قم، ۱۳۷۴ ش.
۹۵. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، صدرا، تهران، ۱۳۷۱ ش.
۹۶. معین الاسلام، مریم، «چشم اندازی به برخی از آسیب‌های تربیتی مهدویت»، فصلنامه علمی-پژوهشی انتظار موعود، ش ۱۱-۱۲، سال چهارم، بهار و تابستان ۱۳۸۳ ش.
۹۷. مفید، محمد بن محمد، الإرشاد، ج اول، کنگره، قم، ۱۴۱۳ ق.
۹۸. مکارم، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، قم، ۱۳۶۶ ش.
۹۹. مکارم، ناصر، پیام قرآن، ج اول، مدرسه الامام امیرالمؤمنین علیه السلام، قم، ۱۳۶۷ ش.
۱۰۰. مکارم، ناصر، حکومت جهانی مهدی علیه السلام انتشارات نسل جوان، قم، ۱۳۸۰ ش.
۱۰۱. موسوی اصفهانی، محمد تقی، مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم، مترجم: سید مهدی حائری قزوینی، برگ شقایق، قم، ۱۳۸۰ ش.
۱۰۲. میر بحی، شمس‌الله، تبیین جامعه شناختی واقعیه کربلا، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۸۲ ش.
۱۰۳. میرخانی، عزت السادات، رویکردی نوین در روابط خانواده، نشر سفیر صبح، تهران، ۱۳۷۹ ش.
۱۰۴. نوایی نژاد، شکوه، مشاوره ازدواج و خانواده درمانی، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، بی-جا، ۱۳۸۰ ش.
۱۰۵. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج اول، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، قم، ۱۴۰۸ ق.
۱۰۶. نیلی پور، مهدی، خانواده مهدوی، چاپ سوم، مرغ سلیمان، اصفهان، ۱۳۸۸ ش.
۱۰۷. واسطی زبیدی، سید محمد مرتضی الحسینی، تاج العروس، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ ق.
۱۰۸. هادی بهرامی، احسان و مسعود آذربایجانی، «بررسی نقش انتظار و اعتقاد به مهدویت در تحکیم ارزش‌های دینی»، مجموعه مقالات موتمر الامام المهدی و مستقبل العالم، نجف، ۱۴۳۴ ق.
۱۰۹. هاشمی، حمید، «هدف زندگی در قرآن»، نشریه گلستان قرآن، نیمه دوم دی ۱۳۸۲، ش ۱۶۷.
۱۱۰. یزدی مطلق، محمود و جمعی از نویسندگان، امامت پژوهی (بررسی دیدگاه‌های امامیه، معتزله و اشاعره)، ج اول، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ۱۳۸۱ ش.